

كتاب مقدس ترسايان

(ترجمه خاص)

دوم تواريخ

مقدمه و توضيحات طبق

ترجمه بين الكليساى كتاب مقدس



TARSAYAN BIBLE
(Literal Persian Translation)

Intoduction, notes & margin:

(TOB) 2003

کتاب دوم تواریخ

سلطنت سلیمان

را داود از قریه یعاریم به مکانی که داود برای آن مهیا ساخته بود بر آورده بود، زیرا برای آن خیمه ای در اورشلیم^e گسترده بود. اما قربانگاه مفرغی^f که بصلئیل پسر اوری پسر حور ساخته بود، در آنجا در مقابل مسکن یهوه بود^g، در آنجا که سلیمان و جماعت آمدند تا از آن مشورت بخواهند^h. در آنجا بود که سلیمان به قربانگاه مفرغی که در حضور یهوه بود بر آمد، در کنار خیمه ملاقاتⁱ، و در آنجا هزار قربانی سوختنی تقدیم کرد^j.

^v در آن شب، خدا بر سلیمان پدیدار گشت و به او گفت: «آنچه را که باید به تو بدهم، طلب نما.»^l سلیمان به خدا گفت:

۱-۲ پا: ۱۲ سلیمان^a پسر داود در سلطنت خود استوار گردید؛ یهوه، خدای او، با او بود و او را به درجه ای رفیع از عظمت رساند.

حکمت سلیمان

^۲ سلیمان^b با تمام اسرائیل سخن گفت، با رؤسای هزاره و سده، با داوران و با جمیع سروران تمام اسرائیل، رؤسای [خاندانهای] پدری^۳؛ سپس ایشان، سلیمان و تمام جماعت با او، به مکان بلند جبعون^c رفتند. در واقع، خیمه ملاقات خدا^d که موسی، خدمتگزار یهوه، در بیابان ساخته بود، در آنجا بود.^۴ اما صندوق خدا

a این شرح کلی از سلطنت سلیمان (۹۷۲-۹۳۳ ق.م.) تکراری است از ۱-پاد ۱۲:۲، اما با تصریح این نکته که عظمت سلیمان عطیه ای الهی بود. سپس نگارنده «تواریخ» روایت مذکور در ۱-پاد ۱۳:۲ تا ۳:۳ را از قلم می اندازد که در آن گفته شده که سلیمان آذنیبا، یوآب و شمعی را به قتل می رساند و دختر فرعون را به زنی می گیرد.

b پدیدار شدن خدا در جبعون در ۱-پاد ۳:۴-۱۵ نیز ذکر شده است. روایت نگارنده «تواریخ» بیشتر به جنبه مذهبی ماجرا توجه دارد (سرنوشت صندوق عهد، قربانگاه قربانی های سوختنی و خیمه ملاقات)، و می کوشد توضیح دهد که سلیمان به چه علت در جبعون قربانی تقدیم می کند و نه در اورشلیم.

c در خصوص سازمان دهی امور عبادی در جبعون، ر.ک. ۱-توا ۱۶:۳۹-۴۲ و ۲۹:۲۱-۳۰/۷. در خصوص ساخت خیمه ملاقات، ر.ک. خروج ۲۶:۱-۳۶ و ۳۸:۸-۳۹:۲۵؛ خروج ۲۹:۴۳-۴۶؛ ۳۴:۴۰-۳۵؛ سمو ۷:۶؛ ۱-توا ۱۷:۵؛ مز ۷۸:۶۰ مورد اشاره قرار گرفته است.

e در خصوص انتقال صندوق عهد، ر.ک. ۲-سمو ۱:۶؛ ۲۳-۱-۱:۲۳؛ ۱-توا ۱۳:۱۴-۱۴:۱۵ و ۲۹/۷. در خصوص ساخت آن، ر.ک. خروج ۲۴:۲۰-۲۶؛ ۳۸:۱-۲/۷.

g پاره ای از نسخ خطی عبری چنین آورده اند: «او قربانگاه را ... گذاشته بود.» این عبارت می تواند به این دو معنی نیز باشد: «تا آن را حرمت دارند» و «تا از او (یعنی از خداوند) مشورت بخواهند.»

i معنی احتمالی دیگر: «در حضور یهوه که در خیمه ملاقات حاضر بود.»

j از تعداد این قربانی های سوختنی چنین بر می آید که آنها را سلیمان الزاماً شخصاً تقدیم نکرد. فرمول عبری می تواند کاملاً حاکی از این باشد که او صرفاً ترتیب دهنده تقدیم این قربانی ها بود.

ثروت سلیمان

^{۱۴} سلیمان^۱ ارا به ها و اسبانی گرد آورد؛ او هزار و چهارصد ارا به و دوازده هزار اسب داشت که آنها را در شهرهای ارا به، و در اورشلیم، در مجاورت پادشاه، جای داد. ^{۱۵} پادشاه کاری کرد که نقره و طلا در اورشلیم همچون سنگ رایج باشد، و کاری کرد که چوب سدر به اندازه چوب توت در سرزمین پست فراوان باشد. ^{۱۶} اسبهای سلیمان از موصری و قوعه^m می آمدند. تاجران پادشاه آنها را از قوعه به قیمت معین بر می گرفتند. ^{۱۷} ایشان بر می آمدند و از موصری هر ارا به را به ششصد [مقال] نقره می آوردند و هر اسب را به صد و پنجاه. همچنین آنها را تحت توجهات خود، برای همه پادشاهان حتیان و پادشاهان ارامⁿ صادر می کردند.

*

بنای معبد

^{۱۸} سلیمان^o دستور داد تا خانه ای برای نام یهوه بنا کنند، و برای خود خانه ای شاهانه.

«تو در حق پدرم داود وفاداری عظیمی نشان دادی، و مرا به جای او به سلطنت رساندی. ^۹ اکنون، ای یهوه خدا، بادا که کلام تو به پدرم داود تحقق یابد، زیرا این تویی که مرا بر قومی کثیر به سان غبار زمین به سلطنت رساندی. ^{۱۰} اکنون به من حکمت و دانش بده تا بتوانم در مقابل این قوم سلوک نمایم، زیرا کیست که بتواند قوم تو را که چنین بزرگ است داوری کند؟» ^{۱۱} خدا به سلیمان گفت: «از آنجا که آنچه در در دل داری این است و ثروت نطلبیدی، نه اموال، نه جلال، نه زندگی آنانی که تو را نفرت می دارند، از آنجا که ایام طولانی نیز نطلبیدی، بلکه برای خود حکمت و دانش طلبیدی تا بر قوم من که تو را بر آن به سلطنت رساندم داوری کنی، ^{۱۲} حکمت و دانش به تو داده شد. و به تو ثروت و اموال و جلال خواهم داد، آن سان که مانند آن برای پادشاهانی که پیش از تو بودند نبوده، و مانند آن پس از تو نخواهد بود.» ^{۱۳} سلیمان مکان بلند جبعون را ترک گفت^k و وارد اورشلیم شد، دور از خیمه ملاقات، و بر اسرائیل سلطنت کرد.

k قرائت عبری: «به مکان بلند جبعون باز گشت.» ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

l سندی که برای نگارش ۱۷-۱۴:۱ به کار رفته، برای ۱-۲۶:۱۰ نیز مورد استفاده قرار گرفته، و همین بخش از «پادشاهان» در ۲-۲۵:۹ توا ۲۸-۲۵:۹ نیز رونویسی شده است. مقایسه این سه سند نشان می دهد که متنی خاص چگونه می تواند دچار تحول شود.

m نام این دو شهر در متن عبری، «مصر» و «قوه» آمده، اما برخی از مورخان مدرن بر این عقیده اند که منظور «موصری» و «قوعه» در کیلیکیه (شرق ترکیه امروزی) بوده است. اما حتی اگر در سند اولیه «موصری» ذکر شده باشد، زمانی که نگارنده «تواریخ» آن را رونویسی می کرده، این نام به «مصر» تغییر شکل داده بوده است.

n شاید این پادشاهان «حتیان» فرمانروایان سوریه شمالی بوده اند، حال آنکه منظور از «ارام»، سوریه جنوبی بوده است. کارگزاران سلیمان در راه بازگشت از کیلیکیه، برای این پادشاهان مناطق کوچک سوریه، تدارکاتی می دیده اند. معنی احتمالی دیگر: بازرگانان «آنها را به واسطه امکانات شخصی خود بیرون می بردند.»

o نگارنده «تواریخ» این بخشها را از قلم انداخته است: داوری سلیمان (۱-۳:۱۶-۲۸)، فهرست کارکنان او (۱-۴:۱-۱۹)، و شرح رونق اقتصادی در مملکت او (۱-۴:۲۰ تا ۱۴:۵)؛ علت این امر احتمالاً این بوده که این مطالب به اندازه

خانه‌ای بنا کند، وقتی آسمانها و فلک الافلاک قادر نیستند گنجایش او را داشته باشند؟ و من کیستم تا خانه‌ای برای او بنا کنم، مگر آنکه برای سوزاندن بخور در حضور او باشد؟^۶ پس اکنون مردی ماهر برایم بفرست تا با طلا، نقره، مفرغ، آهن^۱، ارغوان سرخ، سرخ جگری و ارغوان بنفش^۲ کار کند، و نیز بتواند نقش‌ها حک کند؛ او با صنعت گرانی خواهد بود که نزد من در یهودا و اورشلیم می‌باشند، آنانی که پدرم داود آماده کرده است.^۳ همچنین برایم از لبنان چوب سدر و سرو و صندل^۴ بفرست؛ زیرا می‌دانم که خدمتگزاران تو می‌توانند درختان لبنان را قطع کنند؛ وانگهی، خدمتگزاران من با خدمتگزاران تو خواهند بود.^۵ مقصود این است که برای خود چوب فراوان مهیا سازم، زیرا خانه‌ای که بنا خواهم کرد عظیم و شگفت‌انگیز خواهد بود.^۶ اما در باره چوب برانی که درختان را

۲ سلیمان هفتاد هزار باربر، هشتاد هزار استخراج‌کننده سنگ در کوهستان، و بر بالای سر ایشان، سه هزار و ششصد مدیر [عملیات] شمارش کرد^۱. سلیمان فرستاد تا به حورام^۲، پادشاه صور بگوید: «آن گونه که در حق پدرم داود عمل کردی که برایش چوب سدر فرستادی تا خانه‌ای برای سکونت برای خود بنا کند...^۳ اینک من^۴ خانه‌ای برای نام خدایم یهوه بنا خواهم کرد تا [آن را] برای او تقدیس کنم، در حضور او بخور معطر بسوزانم، ردیف دائمی [نان]^۵ را ترتیب دهم و بامدادان و شامگاهان قربانی‌های سوختنی تقدیم کنم، در سبت‌ها، در ماههای نو و در اعیاد پرشکوه یهوه خدایمان، آن گونه که برای ابد بر عهده اسرائیل است. خانه‌ای که بنا خواهم کرد عظیم خواهد بود، زیرا خدای ما بزرگتر است از جمیع خدایان.^۶ و کیست که قادر باشد برای او

کافی با هدف مذهبی‌ای که او دنبال می‌کرده سازگاری نداشته است. نگارنده برای روایت بنای معبد، ابتدا (یعنی در ۲-توا ۱۸:۱ تا ۱۰:۴) از منبعی مشابه با ۱-پاد ۵:۵ تا ۲۲:۷ استفاده می‌کند که بر جنبه مذهبی امور تأکید دارد (مثلاً ۲-توا ۲:۲-۶)، اما برخی از جزئیات ملموس عملیات را نادیده می‌گیرد (مثلاً ۱-پاد ۶:۴-۲۰)، خصوصاً آنچه را که مربوط به بناهای غیر مذهبی سلیمان می‌باشد (۱-پاد ۷:۱-۱۲). شماره گذاری آیات فصل دوم در هفتادتنان و وولگات، یک شماره جلوتر است، زیرا این ترجمه‌ها آیه ۱۸ از فصل اول را آیه ۱ از فصل دوم به حساب آورده‌اند.

P به نظر می‌رسد که این آیه جز تکراری تغییر شکل یافته از ۲:۱۶-۱۷ نباشد و احتمالاً در متن اولیه وجود نداشته است.

Q اینجا و در جاهای دیگر، نسخ خطی عبری میان «حورام» و «حیرام» مردد هستند.

R متن اولیه احتمالاً این گونه آورده بوده است: «من، پسر او»: قرائت یونانی به این شکل آورده است.

S (بر اساس توضیح اوستی =) یا همان «نان ردیف» (۱-توا ۹:۳۲:۲۹:۲۳:۱۰:۳۴) که کلوچه‌هایی از آرد تازه بود که گرد بخور بر آن می‌پاشیدند و بر روی میز «در حضور یهوه» در دو ردیف مرتب می‌کردند. این نان بیشتر با عنوانی شناخته شده که در هفتادتنان به آن داده شده، یعنی «نان تقدیمه».

T از فهرست موازی در ۲:۱۳ چنین گمان می‌رود که شاید کاتبی در اثر غفلتی بصری، اشاره به «سنگ و چوب» را پیش از «ارغوان» را از قلم انداخته باشد.

U احتمالاً منظور این است که «بتواند با ارغوان سرخ، سرخ جگری و ارغوان بنفش» رنگ درست کند. در ۲:۱۳ و ۳:۱۴ از کتان نازک نیز نام برده شده است.

V بر اساس ۲:۱۴ گمان می‌رود که متن اولیه احتمالاً چنین بوده است: «با صنعت گران پدرم داود.»

W چوب صندل یا سایر چوبها قیمتی می‌باشد، و صندل در لبنان نمی‌روید. شاید منظور درخت عرعر باشد. ر.ک. ۹:۱۰/۹

حک کند و هر اثر هنری را که به او سپرده شود ابداع نماید، با هماهنگی با صنعت گران تو و صنعت گران سرورم داود، پدر تو.^{۱۴} پس اکنون گندم و جو و روغن و شراب را که سرورم در باره آن سخن گفته، باشد که آن را برای خدمتگزارانش بفرستد.^{۱۵} «اما ما درختان لبنان را مطابق همه نیازهایت قطع خواهیم کرد؛ آنها را برایت از راه دریا به شکل بسته به یافا خواهیم فرستاد و تو آنها را به اورشلیم بر خواهی آورد.»

^{۱۶} سلیمان همه غریبان خارجی را که در سرزمین اسرائیل بودند شمارش کرد، بر اساس شمارشی که پدرش داود از آنان انجام داده بود^c: صد و پنجاه و سه هزار و ششصد تن از آنان را یافتند.^{۱۷} او هفتاد هزار تن از ایشان را همچون باربر، هشتاد هزار تن را همچون استخراج کننده سنگ در کوهستان، و سه هزار و ششصد تن را همچون سرکارگر برای به کار و داشتن افراد، به کار گرفت.

قطع خواهند کرد، برای خوراک^x خدمتگزارانت به ایشان گندم خواهم داد: بیست هزار کُر^y؛ و نیز جو: بیست هزار کُر؛ شراب: بیست هزار بَت، و روغن: بیست هزار بَت.»

^{۱۰} حورام، پادشاه صور، طی نامه ای که برای سلیمان فرستاد، پاسخ داد: «به این دلیل که یهوه قوم خود را دوست می دارد، تو را بر ایشان پادشاه مقرر داشته است.»^{۱۱} حورام همچنین گفت: «متبارک باد یهوه، خدای اسرائیل که آسمان و زمین را ساخته و به داود پادشاه پسری حکیم داده که صاحب عقل و هوشمندی است و خانه ای برای یهوه بنا خواهد کرد و خانه ای شاهانه برای خود!^{۱۲} پس اکنون مردی ماهر خواهم فرستاد، صاحب هوشمندی، حورام ابی^z را؛^{۱۳} او پسر زنی از میان دختران دان است^a، اما پدرش صوری است. او می تواند با طلا، نقره، مفرغ، آهن، سنگ، چوب، ارغوان سرخ، ارغوان بنفش، کتان نازک^b و سرخ جگری کار کند، و هر نوع نقشی

^x قرائت عبری: «ضربات» که معنایی قابل قبول نمی دهد. احتمالاً باید بر اساس ۱-پاد ۵:۲۵ و ترجمه های قدیمی، همین «خوراک» ترجمه کرد.

^y «کُر» معادل ۴۵۰ لیتر و «بَت» معادل ۴۵ لیتر بود.

^z این نام به این معنی می باشد: «حورام پدرم است.» این نام برای کسی که محبوب حورام پادشاه است، کاملاً مناسب می باشد. در ۱-پاد ۷:۱۳ آمده «حیرام صور» که کمتر محتمل به نظر می رسد.

^a بر اساس ۱-پاد ۷:۱۴، این زن بیوه ای از قبیله نفتالی بوده است. پادشاه صور از سر نزاکت، به اصل و نسب اسرائیلی فرستاده خود اشاره می کند، بی آنکه حدس زده باشد که وصلت اسرائیلیان با بت پرستان منع شده بوده است. تشریح قابلیت های این شخص مطابق با خروج ۳۱:۲-۵؛ ۳۵:۳۰؛ و ۱:۳۶ صورت گرفته است.

^b در متن اولیه، «کتان نازک» احتمالاً مانند ۳:۱۴، در انتهای فهرست قرار داشته است، یا شاید هم پس از «چوب»، پیش از اشاره به رنگهای مختلف.

^c اشاره ای است به ۱-توا ۲۲:۲

نخل و زنجیره‌ها^k نقش کرد^l. خانه را برای تزیین آن، با سنگهای مرغوب^l پوشانید و طلای آن طلای فرّوایم^m بود. خانه^y را با طلا پوشانید: تیرهای چوبی، آستانه‌ها، دیوارها و درها را؛ بر روی دیوارها داد تا کروی نقش کنند.^۸ او خانه قدس الاقداس را ساخت؛ طول آن در جهت عرض خانه، بیست ذراع بود، و عرض بیست ذراع. آن را با طلای خوب پوشانید، با ششصد وزنهⁿ.^۹ وزن میخها پنجاه مثقال^o طلا بود. بالاخانه^p را با طلا پوشانید.

^{۱۰} در خانه قدس الاقداس دو کروی ساخت، اثری از چوب کنده کاری شده^q، و آنها را با طلا پوشاندند.^{۱۱} بالهای کروی

^۱ سلیمان شروع کرد به بنای خانه یهوه در اورشلیم، بر کوه موریا^d، آنجا که یهوه بر پدرش داود پدیدار گشته بود، در محلی که داود بر خرمنگاه ارنان یبوسی تعیین کرده بود.^۲ او در ماه دوم^e از سال چهارم سلطنت خود شروع به بنا کرد. و این است ابعادی^f که سلیمان برای بنای خانه خدا تعیین کرد: طول به ذراع پیمایش قدیم^g، شصت ذراع^h، و عرض بیست ذراع. «اولام»^۴ که در جلو بود، بیست ذراع طول داشت در جهت عرض خانه؛ ارتفاع (آن) صد و بیستⁱ ذراع بود. [سلیمان] آن را در اندرون با طلای ناب پوشانید.^۵ خانه بزرگ را با چوب سرو پوشانید و آن را با طلای خوب پوشانید و بر روی آن، درختان

- d کوه معبد اغلب «صهیون» نامیده شده و هیچگاه در جای دیگری «موریا» خوانده نشده است. پید ۲:۲۲ نیز از کوه موریا سخن می‌گوید (گرچه ترجمه‌های قدیمی با متن عبری توافق ندارند)، اما مشخص نیست که همین کوه معبد باشد. ترجمه تحت‌اللفظی این جمله می‌توان چنین چیزی باشد: «کوه رؤیایی که بر داود پدیدار گشته بود»، زیرا کلمات «رؤیا» و موریا در عبری به یکدیگر شبیه‌اند. اگر چنین ترجمه‌ای را مد نظر قرار دهیم، می‌توانیم بگوییم که نگارنده به این ترتیب احتمالاً به ۲- سمو ۱۶:۲۴-۲۵ اشاره می‌کند که مطابق است با ۱-توا ۱۵:۲۱-۳۰/۳۰.
- e متن عبری کلمه «دوم» را تکرار می‌کند و پاره‌ای از مترجمین بر این عقیده‌اند که منظور «روز دوم» می‌باشد؛ اما ترجمه‌های قدیمی این کلمه را که ظاهراً تکراری نادرست است، قرائت نکرده‌اند.
- f این ترجمه‌ای است مبتنی بر حدس و گمان.
- g این اصطلاح حاکی از این است که چندین نوع ذراع وجود داشته است: ذراع عادی معادل ۴۵ سانتیمتر بود و ذراع بزرگ معادل ۵۲ سانتیمتر.
- h ترجمه سریانی در اینجا آورده: «ارتفاع، سی ذراع.» این امر که مطابق است با ۱-پاد ۶:۲، احتمالاً به طور تصادفی از میان رفته است.
- i این بخش بسیار دشوار است. متن اولیه احتمالاً اینچنین بوده است: «اما رواق که در جهت عرض خانه بود، طولش بیست ذراع بود، عرضش بیست (یا: ده) ذراع، ارتفاعش صد و بیست (یا: بیست) ذراع» (مطابق ۱-پاد ۳:۶ و ۲-توا ۳:۸).
- j تحت‌اللفظی: «بر آن سوار کرد.» ترجمه‌های یونانی و سریانی قرائت کرده‌اند: «تراشید.»
- k قرائت ترجمه سریانی: «زنبق.»
- l منظور می‌تواند سنگفرشی از مرمر رنگارنگ نیز باشد.
- m این مکان ناشناخته که در جای دیگری از عهدعتیق ذکر از آن نیست، در نوشته‌های متأخر یهودیت بار دیگر ظاهر می‌شود.
- n «وزنه» حدوداً معادل ۳۵ کیلوگرم بود. به این ترتیب، برای پوشش قدس الاقداس احتمالاً ۲۱ تن طلا مصرف شده بود.
- o منقال حدوداً معادل ۱۱ گرم بود.
- p برخی نیز «سقف» ترجمه می‌کنند.
- q (بر اساس توضیحات اوستی و توب=) متن عبری نامشخص است. ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی که با ۱-پاد ۲۳:۶ مطابقت دارد.

دیگری در سمت چپ. نام ستون راست را یا کین خوانند و نام ستون چپ را بوغز^۷.
 ۴^۱ او قربانگاهی از مفرغ ساخت، به طول بیست ذراع، عرض بیست ذراع و ارتفاع ده ذراع.

*

۲ دریا^x را از فلز ذوب شده ساخت^w، با ۱-۷پا:۲۳-۲۶ ده ذراع از یک لبه تا لبه دیگر، با محیطی مدور، با پنج ذراع ارتفاع، و ریسمانی سی ذراعی دور آن را پیمایش می کرد. صورت های لاگاو زیر محیط آن، آن را در سی ذراع^z دور تا دور احاطه می کرد؛ آنها دریا را در تمام پیرامونش دایره وار در بر می گرفتند؛ دو ردیف گاو بود که در همان ریخته گری آن ریخته شده بود. آن بر دوازده گاو قرار داشت^a، سه تا رو بسوی شمال، سه تا رو بسوی غرب، سه تا رو بسوی جنوب و سه تا رو بسوی مشرق. دریا بر روی آنها بر می خاست، و همه مؤخرهای آنها [رو] بسوی داخل داشت. ^۵ ضخامت

بیست ذراع طول داشت؛ یک بال نخستین (کروبی) پنج ذراع بود و به دیوار خانه می رسید؛ بال دیگر پنج ذراع بود و به بال کروبی دیگر می رسید؛ ^{۱۲} بال آن کروبی دیگر پنج ذراع بود و به دیوار خانه می رسید؛ بال دیگر پنج ذراع بود و به بال آن کروبی دیگر ملحق می شد. ^{۱۳} بالهای گشوده شده این کروبیان بیست ذراع بود. آنها بر پایهای خود ایستاده بودند و صورتشان بسوی خانه بود. ^{۱۴} پرده را از ارغوان بنفش و از ارغوان سرخ، از سرخ جگری و از کتان نازک ساخت؛ و داد تا بر آن، کروبیان نقش کنند^f.
^{۱۵} در جلو خانه، دو ستون به ارتفاع سی و پنج^g ذراع ساخت؛ سرستون بر نوک آنها، پنج ذراع بود. ^{۱۶} همچنین زنجیره هایی به شکل طوق^t ساخت و آنها را بر نوکهای ستونها قرار داد؛ نیز صد انار^u درست کرد و آنها را در زنجیره ها نهاد. ^{۱۷} ستونها را بر جلو معبد بر پا کرد، یکی در سمت راست،

T تحت اللفظی: «بر آن سوار کرد»؛ قرائت یونانی: «بافت» (ر.ک. آیه ۵).

S ترجمه سریانی می گوید: «هجده» که مطابق است با ۱-پاد ۱۵:۷؛ ۲-پاد ۱۷:۲۵؛ از ۲۱:۵۲ تا

t به نظر می رسد متن دچار تغییر شده باشد، چرا که سخن از توصیف ستونهایی است که در مقابل در بر پا داشته شده اند.

u بر اساس ۴:۱۲-۱۳ باید چنین برداشت کرد: «صد انار بر هر یک از چهار زنجیره.»

v «یا کین» یعنی «پایدار خواهد ساخت» و «بوغز» یعنی «در او قوت» یا «در قوت.»

w نگارنده «تواریخ» برای تشریح دریای مفرغی (۴:۲-۵)، با امانت ۱-پاد ۲۳:۷-۲۶ را رونویسی می کند (جز چند تفاوت تصادفی).

x نام «دریا» به حوضی بزرگ داده شده بود که حاوی آب لازم برای وضو و تطهیر کاهنان بود. نیز ر.ک. ۱-پاد ۲۳:۷ و توضیح آن.

y در ۱-پاد ۷:۲۴ چنین آمده: «حنظل هایی در زیر کناره اش، دور تا دور آن را احاطه می کرد، بر روی سی ذراع؛ آنها دریا را دور تا دور احاطه می کردند؛ دو ردیف حنظل ریخته شده در همان ریخته گری آن، «تغییر کلمه «حنظل» (عبری: بقاعیم) به «گاو» (عبری: بقاریم) به واسطه حضور کلمه «گاو» در آیه بعدی تسهیل شده است.

z (بر اساس توضیح اوستی =) قرائت عبری: «در ده ذراع»؛ ما این را اصلاح کرده ایم، زیرا چنین چیزی غیر ممکن است؛ در متن عبری، میان قطر دریا و محیط آن اشتباه رخ داده است.

a این دوازده مجسمه، حامل دریای مفرغی بودند، حال آنکه «صورت های» مذکور در آیه قبل، شکل هایی مجلل را تشکیل می دادند.

۱۰ اما^e دریا را در ضلع راست قرار داد، ۱-۷ پا: ۳۹-۵۱ در جنوب شرقی. ۱۱ حورام دیگها و خاک اندازها و جامهای پاشیدنی را ساخت. حورام از انجام کاری که برای سلیمان پادشاه در خانه خدا می کرد فارغ شد: ۲ دو ستون؛ دو برآمدگی^f سرستونها که در نوک ستونها قرار داشتند؛ دو شبکه به منظور پوشاندن دو برآمدگی سرستونهایی که در نوک ستونها بود؛ ۳ آن چهارصد انار برای دو شبکه به منظور پوشاندن آن دو برآمدگی سرستونهایی که در نوک ستونها قرار داشت؛ ۴ آن ده پایه^g و ده حوضچه بر روی پایه ها؛ ۵ دریای یگانه و آن دوازده گاو زیر آن؛ ۶ دیگها، خاک اندازها و چنگالها^h. همه این اشیاءⁱ را حورام برای سلیمان پادشاه، برای خانه یهوه، از مفرغ برآق ساخت. ۷ در ناحیه اردن بود که پادشاه آنها را ریخت، در ضخامت زمین، میان سوکوت و صرده^j.

آن یک وجب بود، و لبه آن مانند لبه جامی به [شکل] گل زنبق درست شده بود. حجم آن سه هزار بت بود^b.

*

۱-۷ پا: ۳۸-۳۹ او^c ده حوضچه ساخت؛ پنج تای آنها را در سمت راست و پنج تا را در سمت چپ قرار داد تا برای تطهیر مورد استفاده قرار گیرند؛ در آنها هر چه را که برای قربانی سوختنی به کار می رفت می شستند، اما کاهنان تطهیرهای خود را در دریا انجام می دادند. ۷ او ده شمعدان طلا ساخت، با الگویی که تجویز شده بود، و آنها را در هیکل قرار داد، پنج تا در سمت راست و پنج تا در سمت چپ. ۸ او دو میز ساخت و آنها را در هیکل قرار داد، پنج تا در سمت راست و پنج تا در سمت چپ. صد جام پاشیدنی^d طلا ساخت. ۹ او صحن کاهنان و حیاط بزرگ را ساخت، و نیز دروازه ها را برای حیاط، و لنگه های آنها را با مفرغ پوشانید.

*

- b مطابق ابعاد مذکور در ۴:۲، و با فرض اینکه هر ذراع ۵۲ سانتیمتر بوده، دریای مفرغی چنانچه به شکل نیم کره بوده باشد، گنجایش حدوداً ۱۰۰۰ بت را داشت، و چنانچه به شکل استوانه بوده باشد، حدود ۱۵۰۰ بت. شاید به علت اشتباهات نسخه برداری بوده باشد که در ۱-۷ پا: ۲۶ برای آن ۲۰۰۰ بت و متن حاضر ۳۰۰۰ بت تعیین شده است.
- c نگارنده «تواریخ» توضیحات مربوط به ده پایه (۱-۷ پا: ۲۷-۳۷) را از قلم انداخته، و توضیحات مربوط به ده حوضچه مفرغی (۱-۷ پا: ۳۸-۳۹) را خلاصه کرده، اما اشیاء دیگری را که در نظر او برای امور عبادی مهم تر می نمود افزوده است.
- d کلمه ای که در اینجا در عبری به کار رفته، با کلمه مذکور در آیه ۵ فرق دارد؛ در اینجا و در آیات ۱۱ و ۲۲، احتمالاً منظور ظروفی است برای جای دادن مایعات برای قربانی ها (ر.ک. اعد ۷).
- e در اینجا نگارنده «تواریخ» به ۱-۷ پا: ۳۹:۷ تا ۱۰:۸ باز می گردد و آن را عیناً رونویسی می کند. از طریق این توصیفات طولانی، تعلق خاطر او به هر آنچه که به کار عبادت خدا می آید مشاهده می شود.
- f این کلمه در عبری نیامده و مطابق است با قرائت یونانی و ۱-۷ پا: ۴۱ r.
- g قرائت عبری: «پایه ها را ساخت، حوضچه ها را ساخت.» ترجمه ما مطابق است با ۱-۷ پا: ۴۳ r.
- h در ۱-۷ پا: ۴۰ و ۴۵، به جای «چنگالها»، کلمه «جامها» آمده است، مانند ۲-توا: ۴:۸ و ۱۱ r.
- i (بر اساس متن توب) = قرائت عبری: «دیگها، خاک اندازها و چنگالها و تمامی لوازم آنها را. حیرام-ابی این را... از مفرغ صیقلی».
- j بهتر است مطابق ۱-۷ پا: ۴۶ قرائت کنیم «صرتان.» «سوکوت» و «صرتان» در شرق رود اردن، در نزدیکی تلاقی رود ییوق با این رود، واقع شده اند.

[خاندا نهایی] پدری بنی اسرائیل را در اورشلیم گرد آورد تا صندوق عهد یهوه را از شهر داود، یعنی صهیون بر آورند. ^۳ جمله مردان اسرائیل در طول عید نزد پادشاه گرد آمدند: این ماه هفتم بود. ^۴ چون جمیع مشایخ اسرائیل رسیدند، لاویان^p صندوق را بلند کردند، ^۵ و صندوق را بر آوردند، و نیز خیمه ملاقات و همه اشیاء مقدس را که در خیمه بود؛ آنها را کاهنان لاویان^q بر آوردند. ^۶ و سلیمان پادشاه و تمام جماعت اسرائیل که نزد او در برابر صندوق گرد آمده بودند، گوسفند و گاو قربانی می کردند که نه می شد شمرد و نه شمارش کرد، آن سان که زیاد بود. ^۷ کاهنان صندوق عهد یهوه را به مکانش، در دبیر خانه، در قدس الاقداس، داخل ساختند، زیر بالهای کروبیان^r و کروبیان بالهای خود را بر فراز محل قرارگیری صندوق می گشودند، و کروبیان صندوق و میله هایش را می پوشاندند، از بالا. ^۹ میله ها به آن اندازه بلند بود که می شد سرهای آنها را از قدس^t، از جلو دبیر، ببینند، اما آن را از بیرون نمی دیدند. آنها تا به امروز در آنجا

^{۱۸} سلیمان همه این اشیاء را به تعداد زیاد ساخت، زیرا وزن مفرغ را مورد تحقیق قرار نمی دادند.

^{۱۹} سلیمان همه این اشیاء را که در خانه خدا^k بود ساخت: قربانگاه طلا و میزهایی را که بر روی آنها نان «روی»^۱ را می گذاردند؛ ^{۲۰} شمعدانها^m و چراغهای آنها را برای روشن کردن آنها مطابق قاعده در مقابل «دبیر»، از طلای خالص؛ ^{۲۱} گُلها، چراغها و انبرها را، از طلا - این نابتترین طلا بود! - ^{۲۲} کاردها، جامهای پاشیدنی، کاسه ها، آتشدانها را از طلای خالص؛ ورودی خانه، دروازه های اندرونی برای قدس الاقداس، و دروازه های خانه برای هیکل، از طلا.

^۱ بدینسان، تمام کاری که سلیمان برای خانه یهوه انجام داد به پایان رسید. سلیمان آنچه را که پدرش داود تقدیس کرده بودⁿ آورد؛ هم نقره، هم طلا و هم تمام اثاث را در خزانه های خانه خدا قرار داد.

۱-۷۵:۵۱ تا
۱۰:۸

انتقال صندوق عهد و وقف معبد

^۲ آنگاه سلیمان مشایخ اسرائیل و نیز جمیع رؤسای قبیله ها و سروران

k ترجمه یونانی و ۱-۷:۴۸ به جای «خدا» نام «یهوه» را آورده اند که احتمالاً مطابق است با متن اولیه.

l در خصوص این «نان»، ر.ک. لاو ۶:۲۴-۶-۹

m در ۱-۷:۴۹ چنین آمده است: «شمعدانها، پنج در سمت راست و پنج در سمت چپ.»

n این فعل ترجمه اصطلاحی است که اغلب به صورت «مقدس» یا «تقدیس شده» ترجمه می شود، اما معنای اولیه اش «کنار گذاشته شده» یا «جدا شده» می باشد.

o در ۱-۸:۲ آمده: «در ماه ایتانیم»، یعنی ماه هفتم (حدود مهرماه ایرانی). به این ترتیب، این «عید» همان عید خیمه ها است که در ۷:۸-۱۰ نیز تصریح شده است.

p در ۱-۸:۳ گفته شده «کاهنان.» نگارنده «تواریخ» نیز در ۵:۷ از «کاهنان» سخن می گوید.

q در متن کنونی عبری آمده «کاهنان لاویان»؛ ترجمه یونانی و ۱-۸:۴ بیانگر این هستند که متن اولیه می بایست «کاهنان و لاویان» بوده باشد.

r قرائت عبری: «سرهای آنها را که از صندوق می آمد...»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی و ۱-۸:۸

به گوش می‌رسانند، و چون صدای خود را با نوای شیپورها، سنجها و آلات موسیقی، برای ستایش یهوه بلند می‌کردند: «زیرا که او نیکو است؛ وفاداری اش ابدی است»^W -

*

خانه^X از ابری پر شد، خانه یهوه^Y. ۱۴ و ۱-۸:۱۰-۲۲ کاهنان نتوانستند برای خدمت در آنجا بایستند، به سبب ابر؛ زیرا جلال یهوه خانه خدا را پر می‌ساخت.^Z

آنگاه سلیمان گفت:

«یهوه بر آن شده تا در ابر تاریکی^a مسکن گیرند. ۲ و من برای تو خانه‌ای برای سکونت بنا کردم، و مکانی تا برای ابد در آن ساکن باشی.»

۳ پادشاه برگشت و تمام جماعت اسرائیل را برکت داد، و تمام جماعت اسرائیل ایستاده بودند. ۴ گفت: «متبارک باد یهوه، خدای اسرائیل، که به دستان خود

بوده اند^S. ۱۰ در صندوق جز آن لوح که موسی در حوریب^t [در آن] قرار داده بود چیزی نبود، [لوح‌های عهدی] که یهوه با بنی اسرائیل به هنگام خروجشان از مصر بسته بود.

۱۱ باری، چون کاهنان از قدس بیرون آمدند،

*

- زیرا^u کاهنانی که در آنجا بودند، خود را بدون رعایت ترتیب طبقات^v تقدیس کرده بودند، ۱۲ در آن حال که لاویان سراینده جمیعاً، آساف، هیمان، یدوتون، پسرانشان و برادرانشان بر پا ایستاده بودند، کتان نازک بر تن، با سنجها، چنگها و بربطها، در شرق قربانگاه، در حالی که در کنار خود صد و بیست کاهن داشتند که شیپور می‌نواختند- ۱۳ آنگاه، همه با هم، شیپورنوازان و سراینندگان صدایی واحد برای ستایش و تمجید یهوه

S این نکته که با واقعیت‌های روزگار نگارش «تواریخ» سازگاری ندارد (ر.ک. از ۱۶:۳:۲-۲ مک ۴:۲-۸)، حاکی از این است که اسناد تاریخی کهن با چه امانتی رونویسی شده‌اند.

t ر.ک. خروج ۳۲:۱۵-۱۹؛ ۳۴:۲۹-۳۲؛ ۴۰:۳۷ مطابق خروج ۳۳:۱۶-۳۳:۳۴ و اعد ۲۵:۱۷-۲۶، این صندوق شامل ظرفی پر از من و چوبدست هارون نیز بود.

u مطابق روشی که باز تکرار خواهد شد (مثلاً در ۲-۱۳:۶؛ ۲-۱۰:۲۳ و ۵-۶ و ۱۸-۲۰)، نگارنده «تواریخ» جمله‌ای را که از ۱-پاد ۸:۱۰ رونویسی کرده قطع می‌کند تا پرانتزی طولانی (آیات ۱۱-۱۳) را ذکر کند. نگارنده به وضوح اهمیت بسیاری برای این نوع پرستش همراه با موسیقی قائل بود و از یادآوری آنها لذت می‌برد. v کاهنان به ۲۴ طبقه تقسیم شده بودند (ر.ک. ۱-توا ۲۴:۳-۱۹).

w ترجمه یونانی متنی را ارائه می‌دهد که ارجح است: «و چون صدای خود را... بلند می‌کردند، می‌گفتند: یهوه را بستایید، زیرا وفاداری اش ابدی است.» نگارنده «تواریخ» همین بندگردان را که متعلق به کتاب مزامیر است، در ۱-توا ۱۶:۳۴-۴۱ و ۲-توا ۳:۷-۶؛ ۲۰:۲۱ تکرار می‌کند، زیرا بیانگر یکی از موضوعات بنیادین دینداری او است.

x متن موجود در ۵-b11-113 در حکم یک پرانتز است. نگارنده «تواریخ» پس از ذکر آن، به متن «پادشاهان» باز می‌گردد و دنباله ۵:a11 را که در اثر این پرانتز قطع شده بود، از سر می‌گیرد.

y ۱-پاد ۸:۱۰ این عبارت را روشنتر بیان می‌کند: «ابر خانه یهوه را پر کرد؛» ترجمه یونانی «تواریخ» با الهام گرفتن از مضمون متن، اینجنین اصلاح کرده: «خانه از ابر جلال یهوه پر شد.»

Z ر.ک. ۱-پاد ۸:۱۱ و توضیح آن.

a یعنی در تاریکی قدس الاقداس که هیچ پنجره‌ای برای دریافت روشنایی نداشت.

کردم،^{۱۱} و در آن صندوقی را قرار دادم که عهد یهوه در آن می باشد، (عهدی) که او با بنی اسرائیل بست^d.
^{۱۲} او در برابر قربانگاه یهوه ایستاد، در مقابل تمام جماعت اسرائیل، و دستان خود را دراز کرد.

*

^{۱۳} زیر^e سلیمان منبری مفرغی ساخته و آن را در وسط حیاط قرار داده بود؛ آن پنج ذراع طول، پنج ذراع عرض، و سه ذراع ارتفاع داشت. او در آنجا جای گرفت و بر زانوان خود زانو زد-

*

در مقابل^f تمام جماعت اسرائیل، و ۱-۸۳:۲۳-۵۰ دستان خود را بسوی آسمان دراز کرد،^{۱۴} و گفت: «ای یهوه، خدای اسرائیل، خدایی چون تو نیست، نه در آسمانها و نه بر روی زمین^g، تو که عهد و وفاداری را برای خدمتگزارانت حفظ می کنی آن هنگام که با تمام دل خود در حضور تو سلوک نمایند. ^{۱۵} تو در حق خدمتگزارت داود، پدر من، کلامی را که به او گفתי نگاه داشته ای، و

به انجام رسانید آنچه را که به دهان خود به پدرم داود گفته بود، به این مضمون^b:^{۱۵} از روزی که قوم خود را از مصر بیرون آوردم، شهری در میان جمیع قبیله های اسرائیل برگزیدم تا خانه ای در آن بنا کنند که نام من در آن باشد، و مردی را انتخاب نکردم تا در رأس قوم اسرائیل رئیس باشد؛^{۱۶} اما اورشليم را برگزیدم تا نام من در آن باشد، و داود را انتخاب کردم تا در رأس قوم اسرائیل باشد.^{۱۷} باری، پدرم داود در دل داشت تا خانه ای برای نام یهوه، خدای اسرائیل بنا کند؛^{۱۸} اما یهوه به پدرم داود گفت: تو در دل داشتی تا خانه ای برای نام من بنا کنی، و نیکو کردی که این را در دل داشتی.^{۱۹} فقط خانه را تو بنا نخواهی کرد، بلکه پسرت که از گرده های تو بیرون آمده است؛ او است که خانه ای برای نام من بنا خواهد کرد.^{۲۰} یهوه کلامی را که فرموده بود به انجام رسانیده: من جانشین پدرم داود شده و بر تخت سلطنت اسرائیل نشسته ام، مطابق آنچه یهوه گفته بود؛ من خانه را برای نام یهوه، خدای اسرائیل بنا

b وحی ای که در پی آمده، در هیچ جای دیگری از کتاب مقدس یافت نمی شود، اما نکاتی که در آن ذکر شده، در ۲- سمو ۵:۲ (مطابق با ۱- تو ۱۱:۲)؛ ۲- سمو ۷:۱-۲ (مطابق با ۱- تو ۱۷:۱-۲)؛ و ۱- تو ۲۸:۲ به چشم می خورد.

c نگارنده در اینجا روایت مبسوطی که در ۲- سمو ۷:۵-۱۳ (مطابق با ۱- تو ۱۷:۴-۱۲) و ۱- تو ۲۸:۳-۶ یافت می شود، خلاصه کرده است.

d صندوق چنان به عهد وابسته است که نگارنده طوری سخن می گوید که گویی عهد در خود «صندوق» قرار گرفته است. ۱- پاد ۸:۲۱ از فرمولی طولانی تر استفاده کرده است: «(عهدی) که با پدران ما بست آن هنگام که ایشان را از سرزمین مصر بیرون آورد.»

e نگارنده «تواریخ» همان گونه که در ۵:۱۱ انجام داده بود، جمله ای را که آغاز کرده قطع می کند تا توضیحی را به صورت پراکنز ارائه دهد. این پراکنزها نشان می دهند که او چه دغدغه ای برای ارائه جزئیات داشته است؛ او کوشیده مشخص سازد که از پله های قربانگاه بالا نرفت، زیرا کاهن نبود.

f نگارنده «تواریخ» جمله مربوط به ۱- پاد ۸:۲۲ را که کمی بیشتر با پراکنز خود قطع کرده بود از سر می گیرد، اما کمی عقب تر می رود، طوری که چندین کلمه آن را تکرار می کند.

g در ۱- پاد ۸:۲۳ چنین آمده: «نه در آسمانها در بالا، و نه بر روی زمین، پایین.»

روی این خانه گشوده باشند، به روی این مکانی که در باره آن گفتمی که نامت را در آن خواهی نهاد؛ دعایی را که خدمتگزارت بسوی این مکان بیان می‌دارد گوش بگیر؛^{۲۱} به استغاثه‌هایی که خدمتگزارت و قومت اسرائیل بسوی این مکان بیان خواهند داشت گوش فرا ده؛ تو از مکان سکونت خود، از آسمانها گوش بسپار؛ گوش فرا ده و ببخشای!

^{۲۲} «اگر کسی در حق همسایه خود گناه ورزد و بر او سوگند لعنت^m قرار دهند، و او برای لعنت به مقابل قربانگاهت در این خانه بیاید،^{۲۳} تو از آسمانها گوش فرا ده و عمل نما و خدمتگزارانت را داوری فرما؛ مجرم را به سزایش برسانⁿ و رفتارش را بر سر خودش بیاور؛ عادل را عادل اعلام نما و با او بر حسب عدالتش رفتار کن^o.

^{۲۴} «و اگر قومت اسرائیل در مقابل دشمن شکست بخورد به این سبب که در حق تو گناه ورزیده، اگر باز گردند و نامت را تمجید کنند،^{۲۵} تو از آسمانها گوش فرا ده و گناه قومت اسرائیل را ببخشای و

آنچه را که به دهان خود گفتمی، آن را به دست خود همین امروز به انجام رسانیدی.^{۱۶} و اینک، ای یهوه، خدای اسرائیل، کلامی را که در حق خدمتگزارت داود، پدر من، به این مضمون گفتمی^h نگاه دار: هرگز کم نخواهی آورد کسی را که در حضور من باشد و بر تخت سلطنت اسرائیل بنشیند^۱، به این شرط که پسرانت مراقب رفتار خود باشند و مطابق شریعت من سلوک نمایند^{۱۷}، و اینک، ای یهوه، خدای اسرائیل، با دا که کلامی که به خدمتگزارت داود گفتمی، تحقق یابد!^{۱۸} «آیا می‌تواند راست باشد که خدا بر روی زمین با انسان ساکن شود؟ اینک آسمانها و فلک الافلاک نمی‌توانند گنجایش تو را داشته باشند؛ چقدر کمتر این خانه‌ای که من بنا کرده‌ام!^{۱۹} اما بسوی دعای خدمتگزارت و بسوی استغاثه او برگرد، ای یهوه، خدای من، تا فریاد^۱ و دعایی را که خدمتگزارت در حضور تو بیان می‌کند، بشنوی.^{۲۰} باشد که روز و شب چشمانت به

h خدا در ۲- سمو ۵:۷-۱۶ (مطابق با ۱-توا ۱۷:۴-۱۴) و در ۱-توا ۲۸:۲-۱۰ به داود وعده داده بود که پسر او معبد را بنا خواهد کرد و تخت سلطنتش تا ابد برقرار خواهد بود. سلیمان از خدا می‌خواهد که همان گونه که وعده نخست را تحقق بخشیده، وعده دوم را نیز جامه عمل ببوشاند.

i تحت اللفظی: «مردی از حضور من برای تو منقطع نخواهد شد.»

j این تکرار فرمولی است مشابه با ۱۷:۷/

k این وحی بیانگر مفهوم کلی ۲- سمو ۷:۱۴-۱۶ می‌باشد و بر وفاداری در «سلوک کردن در حضور خدا» تأکید دارد.

l در سندی که توسط ۱-پاد ۲۸:۸ رونویسی شده، قاعدتاً در دوره‌هایی بسیار متقدم، اشتباهی میان کلمات عبری «ها-تهیته» (یعنی استغاثه) و «ها-ریته» (یعنی شادی) رخ داده است.

m در اینجا، متن فعلی عبری مانند ۱-پاد ۸:۳۱ می‌گوید: «اگر لعنت (مؤنث) بیاید (مذکر)». اکثر مترجمین چنین برداشت می‌کنند: «اگر بر او سوگند مبتنی بر لعنت ارجاع کنند و اگر او برای ادای سوگند به مقابل قربانگاه بیاید.»

n این گونه دیگری است از ۱-پاد ۸:۳۲ که می‌گوید: «مجرم را مجرم اعلام نما.»

o این موقعیتی است مشابه با اعد ۵:۱۲-۳۱، به این معنا که خدا بر مجرم واقعی، و نه بر شخص بی‌گناه، لعنت‌هایی را وارد خواهد آورد که طرفین متخاصم بر علیه یکدیگر بیان داشته‌اند.

را می شناسی - زیرا تنها تویی که دل بنی بشر را می شناسی - ^{۳۱} تا از تو بترسند و در طریق های تو سلوک نمایند^f، تمامی روزهایی که بر سطح زمینی که به پدرانمان داده ای زندگی می کنند.

^{۳۲} «حتی خارجی ای که از قوم تو اسرائیل نباشد، و به سبب نام عظمت^s و دست نیرومندی و بازور درازشده ات از سرزمینی دور دست بیاید، اگر بیایند و بسوی این خانه دعا کنند، ^{۳۳} تو از آسمانها، از مکان سکونتت گوش فراده و هر آنچه را که آن خارجی تو را برای آن بخواند انجام بده تا جمیع قوم های زمین نام تو را بشناسند^t و از تو بترسند، آن گونه که قوم اسرائیل انجام می دهد، و بدانند که این خانه که من بنا کرده ام، به نام تو خوانده شده است.

^{۳۴} «چون قومت برای نبرد با دشمنانش از راهی که ایشان را بفرستی به راه بیفتد، و نزد تو دعا کند و رو بسوی این شهر که بر گزیده ای و خانه ای که برای نامت بنا کرده ام بگذارند، ^{۳۵} دعا و استغاثه ایشان را از آسمانها گوش بگیر و ایشان را داد بده.

^{۳۶} «چون در حق تو گناه ورزند - زیرا انسانی نیست که گناه نکند - و تو بر علیه

ایشان را بسوی زمینی که به ایشان و نیز به پدرانشان داده ای باز آور.

^{۲۶} «آن هنگام که آسمان بسته شده و بارانی نباشد به این سبب که ایشان در حق تو گناه ورزیده باشند، چنانچه بسوی این مکان دعا کنند و نام تو را تمجید نمایند، چنانچه از گناهان خود بازگشت کنند، از آن سبب که ایشان را خوار ساخته ای، ^{۲۷} تو در آسمانها گوش فراده و گناه خدمتگزارانت و قومت اسرائیل را ببخشی - زیرا که راه نیکویی را که باید دنبال کنند برای ایشان مشخص خواهی فرمود - و باران را بر زمینی که به قومت به میراث داده ای بفرست.

^{۲۸} «چون قحطی در سرزمین P باشد، آن گاه که طاعون، سوختگی و سوزش، ملخ و کرم باشد، چون واقع شود که دشمنش در یکی از دروازه هایش او را از نزدیک تحت فشار قرار دهد، در هر بلا و هر بیماری، ^{۲۹} در مقابل هر دعایی، هر استغاثه ای که از هر انسانی و از هر کسی از قومت اسرائیل بر آید^q، اگر هر یک (از ایشان) بلا و درد خود را بشناسد و دستان خود را بسوی این خانه دراز کند، ^{۳۰} تو از آسمانها، مکان سکونتت، گوش فراده و ببخشی؛ با هر کس مطابق رفتارش عمل نما، زیرا دل او

p ترجمه یونانی ۱-پاد ۸:۳۷ چنین آورده: «در یکی از دروازه هایش»: اما متن اول پادشاهان، زمانی که نگارنده «تواریخ» آن را رونویسی می کرده، دچار تغییر شده بوده است. «دروازه» دلالت دارد بر شهری با برج و بارو.

q (بر اساس متن توب=) یعنی دعا و استغاثه ای که از یک فرد تنها یا از تمامی قوم به صورت گروهی بر آید.
r عبارت «در طریق های تو سلوک نمایند» در ۱-پاد ۸:۴۰ نیامده است. نگارنده «تواریخ» با افزودن این توضیح، موضوع محبوب خود را تکرار می کند.

s در ۱-پاد ۸:۴۲ چنین آمده: «زیرا مردم در باره نام عظمت خواهند شنید». از قلم افتادن این عبارت در «تواریخ» احتمالاً ناشی از خطای بصری است.

t طبق کتاب حزقیال، قوم ها خدا را به سبب عقوبت هایی که بر سرشان می آید، خواهند شناخت؛ در اینجا، ایشان او را به سبب الطافی که از او دریافت می کنند، خواهند شناخت، مانند اش ۳:۵۶-۸؛ ۶۰-۶۲؛ ۶۶:۱۸-۱۹/

۴۰ «اینک لا ای خدای من، بادا که ۱-۸۴:۵۲؛
مز ۱۳۰:۲؛
نح ۱:۶؛
تو ۷:۱۵-۲»
چشمانت گشوده
و گوشهایت متوجه باشند به دعایی که در
این مکان کرده می شود!

۴۱ و اکنون بر خیز، ای یهوه خدا، برای مز ۱۳۲:۸؛
استراحت خود،
تو و صندوق قدرتت.
بادا که کاهنانت، ای یهوه خدا، با نجات مز ۱۳۲:۹، ۱۶؛
پوشانیده شوند،

و وفاداران از سعادت شادمانی کنند!
۴۲ ای یهوه خدا، روی مسح شده^z خود را مز ۱۳۲:۱۰؛
رد منما،
به یاد آور الطافی^a را که به خدمتگزارت اش ۵۵:۳
داود ارزانی شده است!»

*

۱ و چون^b سلیمان از دعا کردن فارغ
شد، آتش از آسمان فرود آمد و
قربانی های سوختنی و قربانی های ذبحی را
دریید، و جلال یهوه خانه را پر کرد؛^۲

۷

ایشان خشم گیری و ایشان را به دشمن
بسپاری، و زندانبانان ایشان را به
سرزمینی دور یا نزدیک به اسیری ببرند^u،
۳۷ اگر در سرزمینی که به آن به اسیری برده
شده اند به خود آیند، اگر بازگشت کنند و در
سرزمین اسیری خود به تو استغاثه نمایند و
بگویند: گناه ورزیده ایم، خطا کرده ایم و
بدی را به جا آورده ایم- ۳۸ اگر در سرزمین
اسارتشان که ایشان را به آن به اسیری
برده اند^v، با تمام دلشان و با تمام جانشان
بسوی تو باز گردند، و اگر به تو دعا کنند و
رو بسوی سرزمینی بگذارند که تو به
پدرانشان داده ای، و بسوی شهری که بر
گزیده ای و خانه ای که من برای نام تو بنا
کرده ام^w، ۳۹ از آسمانها، از مکان سکونتت،
به دعای ایشان و استغاثه هایشان گوش فراده
و داد ایشان را بده؛ گناهایی را که در حق تو
ورزیده اند^x بر قوم خود ببخشی.

*

u در این بخش، نگارنده مکرراً با اشکال مختلف فعل عبری «شوب» (یعنی بازگشت کردن، باز آوردن) و «شبا» (یعنی اسیر کردن) بازی می کند، زیرا به یکدیگر شباهت دارند.

v عبارتی که در ۱-۸:۴۸ به کار رفته، حالتی عادی تر دارد: «در سرزمین دشمنان نشان که ایشان را به اسیری برده باشند.»
w بر اساس دان ۱۱:۶ می دانیم که تبعیدی ها در بابل رو بسوی اورشلیم دعا می کردند. همچنین در اروپا، محراب کلیساها (؟؟؟) عموماً رو بسوی مشرق دارند. مساجد مسلمانان نیز متوجه مکه می باشند.

x می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «قومت را که در حق تو گناه ورزیده اند.»
y نگارنده «تواریخ» چهار آیه آخر از خطابه سلیمان را که در ۱-۸:۵۰-۵۳ آمده، از قلم انداخته است، و به جای آن، بخشی به سبک جنگ ادبی آورده که با عاریتی از ۱-۸:۵۲ آغاز می شود، سپس نقل قول هایی از مز ۱۳۰:۲؛ ۱۳۲:۸؛ ۱۳۲:۹ و ۱۳۲:۱۰؛ ۱۳۲:۱۶ می آورد و آن را با اش ۵۵:۳ تکمیل می کند. روش انتخاب این نقل قول ها آشکارکننده گرایشهای شخصی نگارنده می باشد.

z این کلمه در عبری «تقدیس شده» می باشد، اما همین کلمه در متون دیگر «مسح شده» ترجمه شده است و ما نیز همین روال را دنبال کرده ایم.

a (بر اساس توضیح اوستی=) بر اساس ۳۲:۳۲، می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «کارهای دیندارانه داود پادشاه». در این صورت، این کارها سبب می شود که جانشینان او از برکات بیهوه برخوردار گردند.

b این عاریتی است از یک منبع دیگر. نگارنده «تواریخ» می خواهد نشان دهد که خدا دعای سلیمان را اجابت کرده، همان گونه که با نازل کردن آتش از آسمان، دعای جدعون (داور ۶:۲۱)، و داود (۱-توا ۲۱:۲۶) را اجابت کرده بود، و همان گونه که دعای ایلیا (۱-پاد ۱۸) و سپس نحمیا (۲-مک ۱:۲۰-۲۲) را اجابت خواهد فرمود.

آن هنگام که داود به واسطه خدمت ایشان می سرایید. در مقابل^f ایشان، کاهنان شیپور می نواختند و تمام اسرائیل بر پا ایستاده بودند.

*

۱-۸۱:۶۴-۶۵ سلیمان^g وسط صحن را که در مقابل خانه یهوه بود تقدیس کرد؛ به واقع آنجا بود که او قربانی های سوختنی^h و پیه قربانی های آرامش را تقدیم کرد، زیرا قربانگاه مفرغی که سلیمان ساخته بود، گنجایش قربانی های سوختنی، هدایای آردی و پیه ها را نداشت.^a سلیمان، در آن زمان، عیدⁱ را به مدت هفت روز برگزار کرد، و تمام اسرائیل با او، جماعتی انبوه که از مدخل حمات تا به رود مصر^j آمده بودند.

*

روز هشتم^k، همایشی پرشکوه^l برگزار کردند، زیرا وقف قربانگاه را به مدت

کاهنان نتوانستند وارد خانه یهوه گردند، زیرا جلال یهوه خانه یهوه را پر می ساخت. تمام بنی اسرائیل با دیدن نزول آتش و جلال یهوه بر خانه، زانو خم کردند، چهره بر خاک، بر روی سنگفرش؛ ایشان یهوه را پرستیدند و ستایش کردند: «زیرا که او نیکو است؛ وفاداری اش ابدی (است)!»

*

۱-۸۱:۶۲-۶۳ پادشاه^c و جمیع قوم قربانی ها در حضور یهوه تقدیم می کردند.^d سلیمان پادشاه، همچون قربانی ذبحی، بیست و دو هزار گاو و صد و بیست هزار گوسفند قربانی کرد؛ بدینسان، پادشاه و جمیع قوم وقف خانه خدا را انجام دادند.

*

کاهنان^e در محل های خود ایستاده بودند، و نیز لایوان با آلات موسیقی یهوه که داود پادشاه برای تمجید یهوه ساخته بود: «زیرا وفاداری اش ابدی (است)!»

- c نگارنده «تواریخ» ۱-۸:۵۴-۶۱ را از قلم انداخته که در آن، سلیمان جماعت را برکت می دهد؛ علت این امر شاید این باشد که در نظر او، چنین برکتی فقط مخصوص کاهنان بوده است (اعد ۲۳:۲۷). سپس ۱-پاد ۸:۶۲-۶۳ را رونویسی می کند.
- d شمار چشمگیر قربانی ها حاکی از این است که سلیمان شخصاً قربانی ها را ذبح نکرده، بلکه این کار را به دست دیگران انجام داده است؛ لذا هیچ چیز ثابت نمی کند که سلیمان امتیازات خاص کاهنان را غصب کرده باشد.
- e نگارنده «تواریخ» ظاهراً این آیه را از سندی به عاریت گرفته که قبلاً در ۱-۷:۳ از آن استفاده کرده بوده است. قصد او تأکید بر جنبه آیینی این مراسم می باشد.
- f منظور از «در مقابل» می تواند یا این باشد که کاهنان روبروی سرایندگان بودند و دو دسته را تشکیل می دادند، یا اینکه «جلو» ایشان بودند و صفی طولی را به وجود می آوردند.
- g نگارنده برای این دو آیه، به متن ۱-پاد ۸:۶۴-۶۵ باز می گردد.
- h متن «پادشاهان» اضافه می کند: «هدیه آردی.»
- i منظور عید خیمه ها است. ر.ک. لاو ۲۳:۳۴-۳۶؛ اعد ۲۹:۱۲-۳۸؛ تث ۱۶:۱۳-۱۵.
- j در خصوص این فرمول، ر.ک. ۱-پاد ۸:۶۵ و عا ۶:۱۴ بخش پایانی ۱-پاد ۸:۶۵ از قلم انداخته شده است.
- k این الحاقیه ای جدیدی است به متن «پادشاهان» که حکایت از علاقه نگارنده «تواریخ» به تاریخ های دقیق دارد.
- l بر اساس توضیح اوستی (= آیات ۹ و ۱۰ در تشریح امور، تفاوت هایی با «پادشاهان» دارد: به جای عیدی واحد که با مرخص کردن جماعت در روز هشتم خاتمه می یابد (۱-پاد ۸:۶۵-۶۶)، نگارنده «تواریخ» به دو عید متوالی اشاره می کند، یعنی اعیاد «وقف» که هفت روز است (از هشتم تا چهاردهم ماه)، و عید «خیمه ها» (از پانزدهم تا بیست و دوم ماه) که مطابق با قانون نامه کهنانتی (لاو ۲۳:۳۶؛ اعد ۲۹:۳۵) شامل همایشی پرشکوه در روز هشتم می باشد (نح ۱۸:۸). پس از آن جماعت مرخص می شوند.

خونده شده، خود را خوار سازد و دعا کند، اگر روی مرا طلب کند و از راههای بدش باز گردد، من از آسمانها گوش فرا خواهم داد و گناهِش را خواهم بخشید و سرزمینش را شفا خواهم داد.^{۱۵} از هم اکنون چشمانم گشوده و گوشه‌ایم متوجه است به دعایی که ۴۰:۶ در این مکان کرده می‌شود.^{۱۶} و از هم اکنون این خانه را برگزیدم و

*

تقدیس کردم^۹ تا نام من برای ابد در آن ۹-۱-۳:۹-۳ باشد؛ چشمانم و دلم همه ایام در آن خواهد بود.^{۱۷} اما تو، چنانچه در حضور من سلوک نمایی، آن سان که پدرت داود سلوک نمود، و مطابق هر آنچه به تو امر فرمودم عمل نمایی و فرایض و قواعد مرا مری داری،^{۱۸} تخت سلطنت تو را حفظ خواهم کرد مطابق تعهدی^۱ که برای پدرت داود کردم، به این مضمون: هیچگاه کسی را کم نخواهی داشت که بر اسرائیل سلطه براند.^{۱۹} اما چنانچه منحرف شوی، چنانچه او امر و احکامی را که در مقابل شما قرار داده ام رها سازید، چنانچه بروید و خدایان دیگر

هفت روز و عید را به مدت هفت روز جشن گرفته بودند.^{۱۰} و روز بیست و سوم از ماه هفتم،

*

۱-۸۶:۸۶-۱ او^m قومⁿ را به خیمه هایشان باز فرستاد، شادمان و با دلی سعادت‌مند برای نیکویی ای که یهوه به داود، به سلیمان، و به قومش اسرائیل کرده بود.

*

دومین رؤیای سلیمان

۱-۱:۹-۳ سلیمان خانه یهوه و خانه پادشاه را به پایان رسانید، و سلیمان هر آنچه را که در نظر داشت در خانه یهوه و در خانه خود انجام دهد، به خوبی خاتمه بخشید.^{۱۲} یهوه شب هنگام بر سلیمان پدیدار گشت^{۱۰} و به او گفت: «دعایت را شنیدم»،

*

۶-۱۴:۴۲-۱۴:۶ P این مکان را برای خود همچون خانه قربانی برگزیدم.^{۱۳} اگر آسمان را ببندم و بارانی نباشد، اگر به ملخ امر کنم تا سرزمین را ویران سازد، اگر طاعون را به سرزمین بفرستم،^{۱۴} و قوم من که به نام من

m این عاریتی است جدید از کتاب پادشاهان (۱-۸:۶۶b-۹:۳a)، با چند حذف مهم.

n در ۱-۸:۶۶، در قرائت یونانی چنین آمده: «او (یعنی سلیمان) ایشان را (یعنی قوم را) برکت داد»: و در قرائت عبری چنین آمده: «ایشان (یعنی قوم) پادشاه را برکت دادند.» نگارنده «تواریخ» احتمالاً خواسته از اشاره به برکتی که از سوی گاهنان داده نشده، اجتناب کند.

o در ۱-۹:۲ چنین آمده: «یهوه برای بار دوم بر سلیمان پدیدار گشت، آن سان که در جبعون بر او پدیدار گشته بود»: مشخص نیست نگارنده «تواریخ» به چه علت این تذکر را حذف کرده، حال آنکه او خود در ۱-۲:۱۲ ظهور الهی در جبعون را نقل کرده است.

p نگارنده «تواریخ» در اینجا متنی را گنجانده که خلاصه ای است از خطابه سلیمان در ۶-۱۴:۴۲، گویی قصد داشته نشان دهد که خدا مایل است دعای پادشاه را اجابت کند، و نیز اینکه مواهبی را که به پادشاه وعده داده شده، به گوش تمام قوم برساند.

q نگارنده «تواریخ» به متن ۱-۹:۳-۹ باز می‌گردد که حاوی وحی ای است با حالتی نسبتاً تهدیدآمیز، اما نگارنده وعده‌های مساعدتری را پیش از آن آورده است.

r تحت اللفظی: «همان گونه که با... منعقد کردم.» مطابق ۱-۹:۵، متن اولیه به این شکل بوده است: «آن گونه که با... سخن گفتم.»

s این فرمولی است مشابه با ۶:۱۶/

اقدامات سیاسی و مذهبی سلیمان

۱-۹:۱۰-۱۰:۱۰
 ▲ در انتهای بیست سال که طی آن سلیمان خانه یهوه و خانه خود را بنا کرده بود،^۲ سلیمان شهرهایی^۳ را که حورام به او داده بود بازسازی کرد،

*

و بنی اسرائیل را در آنها سکونت داد.^۷

۳ سپس سلیمان به حمات صوبه^۷ رفت و ۱-۹:۱۲-۱۸ آن را به تصاحب در آورد.^۴ او تدمور^x را در صحرا بازسازی کرد، و نیز تمام شهرهای انبار را که در حمات بنا کرده بود.^۵ او بیت حورون^z و بیت حورون پایین را بازسازی کرد - شهرهای مستحکمی که حصار و دروازه و کشو^a داشت - بعلت،

*

تمام^b شهرهای انبار را که سلیمان ۱-۹:۱۹-۲۴ داشت، تمام شهرهای ارا به ها و شهرهای اسبان را، و هر آنچه را که سلیمان را پسند

را خدمت کنید و در مقابل آنها سجده نمایید،^{۳۰} نگاه شما را از روی زمینی که به شما داده ام بر خواهم کند^t، و این خانه را که به نام خود تقدیس کرده ام، از روی خود دور خواهم ساخت و از آن در میان جمیع قوم ها افسانه و موضوع خنده خواهم ساخت.^{۳۱} و این خانه که اینچنین رفیع بلند شده بود، هر کس از کنار آن بگذرد، از آن به حیرت خواهد آمد و خواهد گفت: به چه سبب یهوه با این سرزمین و این خانه چنین عمل کرده است؟^{۳۲} و خواهند گفت: از آن سبب که یهوه، خدای پدرانشان را که ایشان را از سرزمین مصر بیرون آورده بود رها کردند، و به خدایان دیگر چسبیدند و در مقابل آنها سجده نمودند و آنها را خدمت کردند؛ به همین سبب است که او تمام این بلا را بر ایشان وارد آورده است!»

t قرائت عبری: «ایشان را از سطح زمینی که به ایشان داده ام بر خواهم کند.» در ۱-۹:۱۰-۱۰:۱۰ چنین آمده: «اسرائیل را از روی سطح زمینی که به او داده ام منقطع خواهم ساخت.» نگارنده «تواریخ» پس از حذف «اسرائیل»، ظاهراً ضمائر شخصی را با مضمون متن به خوبی هماهنگ نکرده است.

u نگارنده «تواریخ» متن مربوطه از ۱-۹:۱۱-۱۱:۹ a را از قلم انداخته؛ در نتیجه، بخش پایانی جمله در «پادشاهان، یعنی «حیرام از صور بیرون آمد تا شهرهایی را که سلیمان به او داده بود ببیند»، تغییر یافته تا با مضمون جدیدش انطباق یابد و به همین جهت، معکوس شده است («شهرهایی را که حورام به او داده بود»). اما این تغییرات را نباید الزاماً به حساب نگارنده «تواریخ» گذاشت، چرا که احتمالاً او سندی را که قبلاً دستکاری شده بوده، با امانت رونویسی کرده است.

v ۲-۸: a6-b2 گاه با ۱-۹:۱۱-۱۱:۹ b موازی است، اما با سبکی متفاوت نگارش شده است.
 w بر اساس ۲-سمو ۱۱-۳:۸ (مطابق با ۱-۱۱:۱۸-۳:۱۱)، این داود بود که بر پادشاه صوبه پیروز شد و بعد از آن، مورد تکریم پادشاه حمات قرار گرفت. این دو شهر در سوریه، در غرب و در شمال دمشق واقع شده اند.

x همان پالمیر امروزی است. در ۱-۹:۱۸ از «تامار در بیابان»، در جنوب یهودا سخن به میان آمده است. این دو نام می توانست به آسانی با هم اشتباه شود.

y برای رسیدن به مفهومی قابل قبول، معمولاً این اشاره را به معنای «در منطقه دمشق» می گیرند؛ اما این بخش پایانی از آیه ۴، ممکن است فقط گونه دیگری باشد از آیه ۶

z در خصوص این دو «بیت-حورون»، ر.ک. یوشع ۱۶:۳-۵ و ۱-۹:۱۷
 a این فرمولی است متداول که در ۲-توا ۱۴:۶ باز می یابیم و در تث ۳:۵-۱-سمو ۲۳:۷-۱-پاد ۴:۱۳؛ حرق ۳۸:۱۱ نیز به چشم می خورد.

b در ۲-توا ۸: b6-a11 متن ۱-۹:۱۹-۲۴ با امانت رونویسی شده است.

زیرا اینها مکان‌های مقدس هستند که صندوق یهوه به آن داخل شده است.»

*

۲ آنگاه^g سلیمان بر قربانگاه یهوه که در ۱-۲۵:۹-۱۰ مقابل رواق ساخته بود، قربانی‌های سوختنی به یهوه تقدیم کرد،

*

۱۳ و روز به روز^h آنچه را که به واسطه موسی حکم شده بود تقدیم می‌کرد، (یعنی) برای سبت‌ها، و ماههای نو، و اعیاد پرشکوه، و سه بار در سال، در عید فطیر، در عید هفته‌ها و در عید خیمه‌ها.^{۱۴} سپس مطابق قاعده پدرش داود، طبقات کاهنان را در خدمتشان برقرار داشت، و لایوان را در وظایف خود برای ستودن و خدمت کردن در حضور کاهنان بر حسب طبقاتشان در دروازه‌های گوناگون؛ زیرا که اینچنین بود حکم داود، مرد خدا.^{۱۵} در هیچ امری، حتی در خصوص خزانه‌ها، از حکم پادشاه در باره کاهنان و لایوان دور نشدند.^{۱۶} بدینسان کار سلیمان به خوبی به انجام

آمد تا در اورشلیم، در لبنان و در تمام سرزمینی که مطیع سلطه او شده بودند، بنا کند.^۷ هرآنچه که از مردمان حتیان، اموریان، فرزبان، حویان و یبوسیآن^c باقی مانده بود که از اسرائیل نبودند،^۸ پسران ایشان که پس از آنان در سرزمین مانده بودند، آنانی که بنی اسرائیل قلع و قمع نکرده بودند، سلیمان ایشان را به بیگاری گرفت: [آنچه که] تا به امروز [ادامه دارد].^d اما سلیمان از بنی اسرائیل هیچیک را برای کارهای خود برده نساخت، زیرا ایشان مردان جنگی، رؤسای سپرداران او، فرماندهان ارباب‌هایش و اسب‌سوارانش بودند.^{۱۰} اینک ناظران اعظم سلیمان پادشاه: دویست و پنجاه^e تن که بر قوم فرمان می‌راندند.

۱۱ سلیمان دختر فرعون را از شهر داود به خانه‌ای که برای او بنا کرده بود برآورد؛

*

زیرا^f می‌گفت: «زن نباید به سبب من در خانه داود، پادشاه اسرائیل ساکن باشد،

c در متن یونانی از ۱-پاد ۲۰:۹، از کنعانیان و جرجشیان نیز نام برده شده است: این دو قوم علاوه بر اقوام مذکور در این آیه، آن

«هفت» ملت کلاسیک فلسطین در دوره خروج را تشکیل می‌دهند: خروج ۳:۸-۱۷ و غیره، و خصوصاً تث ۷:۱۷

d این تذکر که در روزگار نگارنده «تواریخ» دیگر مصداق نداشت، نشان می‌دهد که وی علاوه بر ۱-پاد ۲۱:۹، سندی بسیار کهن را نیز رونویسی کرده است.

e در ۱-پاد ۲۳:۹، این رقم «پانصد و پنجاه» می‌باشد؛ متنی تکراری که در ترجمه یونانی از ۱-پاد ۱۶:۵ یافت می‌شود، حتی از رقم «سه هزار و ششصد» سخن می‌گوید. این امر نشان می‌دهد که قرائت‌های مختلف چگونه می‌توانند ارقام را بزرگ یا کوچک کنند.

f این تذکر که در لابلای متن «پادشاهان» گنجانده شده، به خوبی بیانگر گرایشهای نگارنده «تواریخ» است که نظرچندان مساعدی در خصوص وصلت با بت پرستان نداشت.

g در این آیه، متن ۱-پاد ۹:۲۴-b-۲۵ متراکم شده و جزئیات مختلفی نادیده گرفته شده است.

h نگارنده «تواریخ» باز بر جنبه عبادی کار سلیمان (۸:۱۳-۱۶) تأکید بیشتری می‌گذارد.

i ر.ک. ۱-توا ۱۶ و ۲۳ تا ۲۶ از دید نگارنده «تواریخ»، سلیمان سازمان دهی و تشکیلاتی را که داود آغاز کرده بود، تأیید می‌کند و آن را بسط می‌دهد.

j قرائت سریانی: «تمام خدمت خانه.»

جامه های ایشان را، ساقیان او و جامه های ایشان را، و قربانی های سوختنی که او در خانه یهوه تقدیم می کردⁿ، نفسش بند آمد،^۵ و به پادشاه گفت: «پس آنچه که در سرزمینم در باره گفتارهای^o تو و حکمت تو شنیده بودم، راست بود! پیش از آنکه بیایم و با چشمان خود ببینم، گفته های این افراد را باور نمی کردم؛ و اینک فقط نیمی از گستره حکمت تو را به آگاهی من رسانده بودند! تو از آنچه از شایعه ها شنیده بودم، فراتری.^۷ خوشابه حال زنانیت و خوشابه حال خدمتگزارانت یعنی اینان که دائماً در حضور تو می ایستند و به حکمت تو گوش می دهند!^۸ متبارک باد یهوه، خدایت، که به تو التفات کرده و تو را همچون پادشاه برای یهوه، خدایت، بر تخت قرار داده است! از آن رو که خدا اسرائیل را دوست می دارد و می خواهد ایشان را تا ابد نگاه دارد، تو را در رأس ایشان قرار داده تا انصاف و عدالت را به عمل آوری.»

^۹ او صد و بیست وزنه^p طلا، بلسان (یا: عطریات؟) به مقدار بسیار زیاد، و سنگهای قیمتی به پادشاه داد؛ این مقدار بلسان (یا: عطریات؟) که ملکه سبا به سلیمان پادشاه داد، هرگز نبود.

رسید، از روز بنیانگذاری خانه یهوه تا خاتمه آن: خانه یهوه کامل بود.

*

۱-۲۶:۹-۲۸-۱۷ آنگاه^k سلیمان به عسیون-جابر و به ایلوت، بر کناره دریا رفت، در سرزمین ادم.^۸ حورام به واسطه خدمتگزاران خود، کشتیهایی برای او فرستاد، و نیز خدمتگزارانی که دریا را می شناختند. ایشان با خدمتگزاران سلیمان به اوفیر^۱ رسیدند و از آنجا چهارصد^m وزنه طلا آوردند و به سلیمان تحویل دادند.

بازدید ملکه سبا

۱-۱۰:۱۳-۱۱ ملکه سبا سخنانی در باره سلیمان شنید، و به اورشلیم آمد تا سلیمان را با معماها بیازماید، با ثروتی عظیم و شترانی با بار بلسان (یا: عطریات؟)، طلا به مقدار زیاد و سنگهای قیمتی. چون نزد سلیمان رسید، با او از هر آنچه که در دل داشت سخن گفت.^۲ سلیمان تمامی سؤالاتش را برای او روشن ساخت؛ هیچ سؤالی نبود که برای سلیمان مبهم باشد و نتواند روشن سازد.^۳ چون ملکه سبا حکمت سلیمان را دید، و خانه ای را که بنا کرده بود،^۴ خوراک سفره اش را، مسکن خدمتگزارانش را، خدمت افراد او و

k بقیه مطالبی که به سلیمان اختصاص یافته (۱۷:۸ تا ۲۸:۹)، تماماً از ۱-۲۶:۹ تا ۲۸:۱۰ به عاریت گرفته شده است. نگارنده «تواریخ» می گوید هر آنچه را که عظمت سلیمان را برجسته تر می سازد، در اثر خود بگنجاند.

l متن ۱-۲۶:۹-۲۷ حالت عادی تری دارد. نگارنده «تواریخ» احتمالاً این متن را عمداً مورد تغییر قرار نداده، بلکه ممکن است روایت او قربانی تغییراتی تصادفی به هنگام انتقال شده باشد.

m در ۱-۲۸:۹ آمده: «چهارصد و بیست.»

n ر.ک. توضیح ۱:۶

o منظور هم سخنان او است و هم کارهایش.

p یعنی بیش از چهار تن طلا.

طلا^۷ کار گذاشتند؛ پادشاه آنها را در خانه جنگل لبنان قرار داد.^{۱۷} پادشاه تختی بزرگ از عاج ساخت که آن را با طلا پوشانید.^{۱۸} و این تخت شش پله داشت؛ پای اندازی^{۱۹} از طلا در پس تخت بود و بازوهایی در این سمت و آن سمت جایگاه؛ دو شیر در کنار بازوها ایستاده بودند،^{۱۹} و دوازده شیر در این سمت و آن سمت، بر روی شش پله، ایستاده بودند. چنین چیزی در هیچ مملکتی نساخته‌اند!^{۲۰} همه ظروف مایعات سلیمان پادشاه از طلا بود و تمام اثاث خانه جنگل لبنان از طلای خالص بود؛ در روزگار سلیمان نقره را به حساب نمی‌آوردند.

^{۲۱} زیرا پادشاه کشتیهایی داشت که با خدمتگزاران حورام به ترشیش می‌رفتند؛ هر سه سال یکبار، کشتیها با بار طلا، نقره، عاج، میمون، و میمون دم کوتاه فرا می‌رسیدند.^{۲۲} سلیمان پادشاه در ثروت و حکمت از جمیع پادشاهان زمین فراتر رفت.^{۲۳} همه پادشاهان زمین می‌کوشیدند سلیمان را ببینند و حکمتی را که خدا در دل او نهاده بود بشنوند.^{۲۴} و هر یک (از ایشان) هدیه خود را می‌آورد: اشیاء نقره و اشیاء طلا، و جامه‌ها، جنگ افزار و بلسان (یا: عطریات؟)، اسب و قاطر، و سال به سال اینچنین (می‌کردند).

^{۲۰} خدمتگزاران حورام و خدمتگزاران سلیمان که طلا را از اوفیر آوردند، چوب صندل^{۱۹} و سنگهای قیمتی نیز آوردند.^{۱۱} پادشاه با چوب صندل تخته‌هایی^۲ برای خانه بیهوه و برای خانه پادشاه ساخت، و نیز بربط و چنگ برای سرایندگان؛ در سرزمین یهودا پیش از این چنین امری را ندیده بودند.^۳

^{۱۲} سلیمان پادشاه هر آنچه را که ملکه سبا آرزویش را ابراز داشته بود، به او داد، بدون احتساب آنچه که او برای پادشاه آورده بود. سپس از آنجا بازگشت و راهی سرزمین خود شد، او و خدمتگزارانش.

مجد سلیمان

۱-۱۰:۱۴-۲۵ ^{۱۳} وزن طلایی که در یک سال به دست

سلیمان می‌رسید، ششصد و شصت و شش^۴ وزنه طلا بود،^{۱۴} بدون احتساب دیون تجار سیار و سود بازرگانان. همه پادشاهان عربستان و والیان سرزمین برای سلیمان طلا و نقره می‌آوردند.

^{۱۵} سلیمان دویست سپر بزرگ از طلای کوبیده شده ساخت که بر روی هر یک ششصد [مثقال] طلای^{۱۱} کوبیده شده کار گذاشتند،^{۱۶} و سیصد سپر کوچک از طلای کوبیده شده که روی هر یک سیصد [مثقال]

q چوب «صندل» یا چوب گرانهای دیگری که اهالی صور با آن تجارت می‌کردند. ر.ک. ۲:۷/۲
 r بر اساس ۱- پاد ۱۲:۱۰ احتمالاً بیشتر منظور نوعی نرده یا طارمی است. تمام این جزئیات فنی را به سختی بتوان توضیح داد و احتمال دارد که نسخه برداران آنها را به گونه‌های مختلف رونویسی کرده باشند.
 s بخشی از متن ۱- پاد ۱۲:۱۰ از قلم افتاده است («ساز این چوب صندل دیگر نرسیده».)
 t یعنی بیش از بیست و سه تن طلا. رقم ۶۶۶ ممکن است ارزشی نمادین نیز داشته باشد.
 u حدود ۶۶۰۰ گرم.
 v حدود ۳۳۰۰ گرم. در ۱- پاد ۱۷:۱۰ «سه منا» ذکر شده، یعنی ۱۵۰ مثقال.
 w این ترجمه‌ای است فاقد قطعیت از اصطلاحی که احتمال بد منتقل شده است. همچنین ر.ک. ۱- پاد ۱۹:۱۰ و توضیحات.

۲۹ آنچه که از اعمال سلیمان باقی ۱-۱۱:۴۱ است،^Z از نخستین تا به واپسین، آیا این در اعمال ناتان نبی، در نبوت اخیای شیلونی، و در رؤیاهای یعدوی رؤیت کننده در باره یربعام پسر نباط، نوشته نشده است؟

*

۳۰ سلیمان^a به مدت چهل سال در ۱-۱۱:۴۲-۴۳ اورشلیم بر تمام اسرائیل سلطنت کرد.^b
 ۳۱ سلیمان با پدران خود خوابید، و او را در شهر پدرش داود دفن کردند. پسرش رحبعام بر جایش سلطنت کرد.

۲۵ سلیمان^x چهار هزار اصطلیل برای اسب و ارابه داشت، و دوازده هزار اسب، و آنها را در شهرهای ارابه و نزدیک پادشاه، در اورشلیم جای داد. ۲۶ او بر همه پادشاهان از «رود^y تا سرزمین فلسطینیان و تا به مصر سلطه می‌راند. ۲۷ پادشاه کاری کرد که نقره در اورشلیم مانند سنگ رایج باشد، و کاری کرد که چوب سدر به اندازه چوب توت در سرزمین پست فراوان باشد. ۲۸ برای سلیمان اسب از موضری و از همه سرزمینها وارد می‌کردند.

*

تاریخ پادشاهان یهودا

رحبعام و شقاق

مصر بود،^c در جایی که از نزد سلیمان پادشاه گریخته بود- یربعام از مصر باز گشت. ۳ فرستادند تا او را بخوانند. یربعام آمد، و نیز تمام اسرائیل، و ایشان به این مضمون با رحبعام سخن گفتند: ۴ «پدرت

۱۰ ۱-۱:۱۲-۱۹ رحبعام به شکیم رفت، زیرا در شکیم بود که تمام اسرائیل آمده بودند تا او را پادشاه سازند. ۲ پس چون یربعام پسر نباط از این آگاهی یافت - او در

X نگارنده «تواریخ» سندی را در دست داشته که در ۱-۲۶:۱۰-۲۸ مورد استفاده قرار گرفته، و آن را در ۲-توا ۱:۱۴-۱۷ گنجانده است. سپس آن بخش از «پادشاهان» را که بر اساس این سند نوشته شده بوده، در ۲-توا ۹:۲۵-۲۸ رونویسی کرده است. به این ترتیب، می‌توان مشاهده کرد که هر ویراستار با چه امانتی منابع خود را رونویسی می‌کرده است. همچنین بر اساس نمونه‌های ملموس می‌توان تشخیص داد چه تغییراتی می‌توانسته در این اسناد وارد شود، خصوصاً در ارقام (به همین دلیل، رقم «هزار و چهارصد با جابه‌جایی رقم «چهار» در ۲-توا ۹:۲۵، تبدیل شده به «چهار هزار»، اما چنین اتفاقی در ۲-توا ۱:۱۴ نیفتاده است).

Y منظور رود فرات است.

Z نگارنده «تواریخ» هر آنچه را که در «پادشاهان» می‌توانسته وجهه سلیمان را خدشه‌دار سازد، از قلم انداخته: تعدد زوجات افراطی او، پیوندهای نامشروع او، تسامح او در مقابل بت‌پرستی، و شورش یربعام. نگارنده با تقلید از ۱-پاد ۱۱:۴۱، از منابعی که برای روایات خود استفاده کرده نام می‌برد، اما فرمول «پادشاهان» را انطباق می‌دهد و آن را عیناً ذکر نمی‌کند.

a نگارنده «تواریخ» برای نگاهی اجمالی بر سلیمان و برای آغاز روایت مربوط به رحبعام (۲-توا ۹:۳۰ تا ۱۱:۴)، مطالب موجود در ۱-پاد ۱۱:۴۲ تا ۱۲:۲۴ را رونویسی کرده است.

b سلیمان از ۹۷۲ تا ۹۳۳ ق.م. سلطنت کرد.

c احتمالاً متن اصلی در ترجمه یونانی ۱-پاد ۱۱:۴۳ حفظ شده است که می‌گوید: «چون یربعام پسر نباط شنید (یعنی مرگ سلیمان را) او آن هنگام در مصر بود، زیرا از روی پادشاه سلیمان گریخته بود و در مصر سکونت داشت - او از آنجا باز گشت و به شهر خود رفت، در سرزمین صرده، در کوهستان افرایم.»

سخن گفته اند: پدرت یوغ ما را سنگین ساخت، اما تو آن را برای ما سبک ساز-، این است آنچه به ایشان خواهی گفت: انگشت کوچک من از گرده های پدرم کلفت تر است! ^{۱۱} بسیار خوب! پدرم یوغی سنگین بر شما گذارد، و من باز به یوغ شما خواهم افزود؛ پدرم شما را با تازیانه ها تأدیب کرد، و من با عقرب ها ^e [تأدیب خواهم کرد].»

^{۱۲} یربعام و تمام قوم در روز سوم نزد رحبعام آمدند، مطابق آنچه پادشاه گفته بود: «روز سوم بسوی من باز گردید.» ^{۱۳} پادشاه به سختی به ایشان پاسخ داد؛ رحبعام پادشاه مشورت مشایخ را کنار گذارد، ^{۱۴} و با ایشان مطابق مشورت جوانان سخن گفت، به این مضمون: «پدرم ^f یوغ شما را سنگین ساخت، و من باز به آن خواهم افزود؛ پدرم شما را با تازیانه ها تأدیب کرد، و من با عقرب ها [تأدیب خواهم کرد].»

^{۱۵} بدینسان پادشاه به قوم گوش نگرفت: این مداخلتی بود از جانب خدا ^g، تا یهوه کلامی را که به واسطه خدمت اخیاهوی شیلونی به یربعام پسر نباط گفته بود تحقق بخشد.

یوغ ما را سخت ساخت، اما اینک تو بندگی سخت پدرت و یوغ سنگینی را که بر ما تحمیل کرد سبک ساز؛ و ما تو را پیروی خواهیم نمود. ^۵ او به ایشان گفت: «سه روز صبر کنید، سپس بسوی من باز گردید.» قوم روانه شدند. ^۶ رحبعام پادشاه با مشایخی که در حضور پدرش سلیمان می ایستادند، آن هنگام که او زنده بود، مشورت کرد؛ گفت: «توصیه می کنید که به این قوم چه پاسخی داده شود؟» ^۷ ایشان به این مضمون با او سخن گفتند: «چنانچه با این قوم نیکی نمایی، چنانچه نسبت ایشان ملاطفت کنی، و چنانچه به ایشان سخنان خیرخواهانه بگویی، ایشان تمامی ایام خدمتگزار تو خواهند بود. ^d» ^۸ اما او مشورتی را که مشایخ به او داده بودند کنار گذاشت، و با جوانانی که با او بزرگ شده بودند و در حضور او می ایستادند، مشورت کرد. ^۹ به ایشان گفت: «توصیه می کنید که چه پاسخی داده شود به این قومی که به این مضمون با من سخن گفته اند: یوغی را که پدرت بر ما تحمیل کرد، سبک ساز؟» ^{۱۰} جوانانی که با او بزرگ شده بودند، با او به این مضمون سخن گفتند: «این است آنچه خواهی گفت به قومی که اینچنین با تو

d جمله ای که در ۱-پاد ۱۲:۷ آمده، عبارتی مهم دارد که می گوید: «چنانچه امروز خدمتگزار این قوم باشی...، ایشان در تمامی روزها خدمتگزاران تو خواهند بود.»

e منظور تازیانه هایی است که در نوک قلابهایی فلزی وصل می کردند.

f قرائت متن عبری کنونی: «من یوغ شما را سنگین خواهم ساخت»؛ اما با مقایسه ترجمه های قدیمی، می توانیم تشخیص دهیم که متن اصلی «تواریخ» همین بوده که ما در این ترجمه آورده ایم. بروز چنین اشتباهی در عبری ساده است.

g نگارنده این بخش (که در ۱-پاد ۱۲:۱۵ نیز آمده) می خواهد از ایرادات مردمی جلوگیری کند که می پرسند چگونه ممکن است پادشاهی که از جانب خدا منصوب شده، مرتکب چنین خطای سیاسی گردد، خطایی که موجب شقاق خواهد شد. همان گونه که در ۱-پاد ۱۱:۳۱-۳۹ در نبوت اخیاه آمده، برای مجازات خطاهای سلیمان بود که خدا بر آن شد تا سلسله اورشلیم را از بقیه ده قبیله بنی اسرائیل محروم سازد؛ لذا به منظور تحقق این تصمیم است که خدا رحبعام را به چنین مسیری سوق می دهد (نبوت اخیاه در «تواریخ» ذکر نشده است).

منظور که مملکت را به رحبعام باز گردانند. اما کلام یهوه به این مضمون بر شمعیا هُو، مرد خدا، فرا رسید: ^۳ «به رحبعام پسر سلیمان، پادشاه یهودا، و نیز به تمام اسرائیل^۱ در یهودا و بنیامین بگو: ^۴ چنین سخن می گوید یهوه: برای جنگ با برادرانتان^۱ بر نخواهید آمد؛ هر یک به خانه خود باز گردید، زیرا این امر از من بود که رخ داده است.^۵» ایشان سخنان یهوه را گوش گرفتند و به جای اینکه بر علیه یربعام حرکت کنند، از آنجا باز گشتند.

*

^۵ رحبعام^۱ در اورشلیم ساکن شد و شهرهای مستحکم در یهودا بنا کرد. ^۶ او بیت لحم، ایتام، تقوع را بنا کرد، ^۷ (و) بیت-صور، سوکو، عدولام، ^۸ جت، مریشه، زیف، ^۹ آدورایم، لاکیش، عزیزه، ^{۱۰} صرعه، ایلون، و حبرون را، شهرهای مستحکم را که در یهودا و بنیامین هستند. ^{۱۱} او آنها را قویاً مستحکم ساخت و بر آنها رؤسایی قرار داد، و نیز انبارهایی برای آذوقه، روغن و شراب. ^{۱۲} در هر یک از این شهرها، سپرها و نیزه ها بود. او آنها را به نهایت مستحکم ساخت، و یهودا و بنیامین از آن او شدند. ^{۱۳} کاهنان و لایوانی که در تمام اسرائیل

^{۱۶} چون تمام اسرائیل دیدند که پادشاه به ایشان گوش نمی سپارد، قوم به این مضمون به پادشاه [پاسخ] دادند:

«ما چه سهمی با داود داریم؟»

ما با پسر یسا میراثی نداریم.

ای اسرائیل، هر یک به خیمه های خود (بروید)!

اینک، ای داود، برای خانه خود تدارک بین!

تمام اسرائیل به خیمه های خود رفتند. ^{۱۷} اما بنی اسرائیلی که در شهرهای یهودا سکونت داشتند، رحبعام بر ایشان سلطنت کرد. ^{۱۸} رحبعام پادشاه هدرام را که بر امور بیگاری گمارده شده بود فرستاد، اما بنی اسرائیل او را با سنگها کوفتند و او مرد. و رحبعام پادشاه خود را ناگزیر دید^h تا بر ارابه خود سوار شود تا به اورشلیم بگریزد. ^{۱۹} بدینسان بود که اسرائیل به خاندان داود بی وفا شدند، تا به امروز.

اقدامات سیاسی و مذهبی رحبعام

۱۱ رحبعام چون به اورشلیم رسید، خاندان یهودا و خاندان بنیامین را احضار کرد، صد و بیست هزار جنگاور نخبه را، تا با اسرائیل بجنگند، به این

۱-۱۲:۲۱-۲۴

h تحت اللفظی: «خود را برای... قوی نشان داد» یا «لازم شد خود را برای... قوی نشان دهد».

i با اینکه در ۱-۲۳:۱۲ آمده: «به تمام خاندان یهودا، به بنیامین»، اما نگارنده «تواریخ» با دقت می گوید: «به تمام اسرائیل در یهودا و بنیامین»، زیرا در نظر او این دو قبیله جنوبی یگانه اسرائیل واقعی را تشکیل می دهند.

j در ۱-۲۴:۱۲ آمده: «برادرانتان، بنی اسرائیل»، اما نگارنده «تواریخ» این کلمات آخر را حذف کرده، زیرا در نظر او، قبایل شمالی دیگر متعلق به اسرائیل نیستند. به همین دلیل است که او از اشاره به آنها اجتناب خواهد ورزید، جز به آنچه که به روابط آنها با مملکت وفادار اورشلیم مربوط می شود.

k این همان دیدگاه الهیاتی است که در ۱۵:۱۰ آمده است.

l نگارنده «تواریخ» روایت موجود در ۱-۲۵:۱۲ تا ۲۰:۱۴ را که به ماجراهای یربعام مربوط می شود، با توضیحاتی در خصوص طرح های عمرانی رحبعام، وفاداری اولیه او، و بازگشت او بسوی خدا در طول حمله مصر (۲-توا ۵:۱۱ تا ۹:۱۲) جایگزین ساخته است.

معکه دختر ابشالوم را بیش از همه زنان و مُتعه‌هایش دوست داشت - او به واقع هجده زن و شصت متعه^o داشت -^{۲۲} از این رو، رحبعام رتبه نخست را به ابیا پسر معکه داد، همچون رئیس در میان برادرانش، تا او را پادشاه سازد.^{۲۳} او این هوشمندی را داشت^p تا همه پسران خود را در تمام سرزمین یهودا و بنیامین پراکنده سازد، در همه شهرهای مستحکم؛ او به ایشان به فراوانی آذوقه داد و زنان را به تزویج ایشان در آورد.

حمله شیشق

۱۲ ^۱ پس چون رحبعام سلطنت خود را استوار ساخت و نیرومند شد، شریعت یهوه را ترک کرد، و تمام اسرائیل با او.^۲ باری، در سال پنجم سلطنت رحبعام، شیشق^q، پادشاه مصر، بر علیه اورشلیم بر آمد^r، چرا که (مردم) نسبت به یهوه بی وفا بودند.^۳ او هزار و دویست ارابه و شصت هزار سوار با خود داشت، و نمی شد جمعیتی را که با او از مصر آمده بودند شمرد: لیبایی‌ها، سوکی‌ها^s، کوشی‌ها.

یافت می‌شدند، از همه قلمروهای خود آمدند و خود را به او معرفی کردند.^۴ در واقع، لایوان چراگاهها و املاک خود را رها کردند و به یهودا و به اورشلیم آمدند، زیرا یربعام و پسرانش ایشان را از کهنانت یهوه رد کرده بودند.^۵ او از سر خود برای مکان‌های بلند، و برای اجنه، و برای گوساله‌هایی که ساخته بود، کاهنانی برقرار داشته بود.^۶ مردان همه قبیله‌های اسرائیل که دل خود را به طلبیدن یهوه، خدای اسرائیل، متوجه ساخته بودند، به دنبال لایوان به اورشلیم آمدند تا برای یهوه، خدای پدرانشان قربانی کنند.^۷ ایشان مملکت یهودا را استحکام بخشیدند، و به مدت سه سال، رحبعام پسر سلیمان را استوار ساختند، زیرا به مدت سه سال طریق داود و سلیمان را پیروی کردند.^m

^۸ رحبعام محلّت دختر یریموت پسر داود وⁿ ابیحائیل پسر ایلاب پسر یسا را به زنی گرفت.^۹ این زن برای او پسرانی زایید: یعوش، شمّر یا، زهم.^{۱۰} پس از او، معکه دختر ابشالوم را گرفت که برایش ابیا، عتای، زیزا، شلومیت را زایید.^{۱۱} رحبعام

m ترجمه ما مبتنی است بر قرائت عبری. در ترجمه یونانی، «پیروی کرد» آمده که به رحبعام اشاره دارد و با ۱۲:۱-۲ مطابق است. در واقع، این پناهنگان نیستند که بعد از سه سال به بت پرستی روی می‌آورند، بلکه بت پرستی پادشاه است که در این زمان باعث محروم شدن او از حمایت ایشان می‌گردد.

n حرف اضافه «و» در متن عبری نیامده، و این امر سبب شده که درک متن دشوار گردد. (بر اساس متن توب=) در ضمن، در متن عبری، به جای «پسر ایلاب» آمده: «دختر ایلاب.»

o قرائت یونانی و فلاویوس یوسفوس آورده‌اند: «سی متعه.» کلمات «سی» و «شصت» در عبری فقط در یک حرف با یکدیگر تفاوت دارند.

p عبارت «این هوشمندی را داشت» را همچنین می‌توان به انتهای آیه قبل متصل کرد. مترجمین یونانی همین کار را کرده‌اند. به این ترتیب، این دو آیه چنین قرائت خواهد شد: «زیرا او این هوشمندی را داشت که او را به سلطنت برساند. ۲۳- او همه پسران خود را...»

q فرعون سلسله بیست و دوم که ششونقی یا شوشنقی نیز نامیده شده است.

r بخش اول این آیه مشابه است با ۱- یاد ۱۴: ۲۵ r

s این قومی است ناشناخته. احتمالاً نام آن به هنگام انتقال تصادفاً تغییر شکل داده است.

پادشاه به جای آنها سپرهای مفرغی ساخت، و آنها را به رؤسای دوندگانی که ورودی خانه پادشاه را محافظت می کردند سپرد. ^{۱۱} و هر بار که پادشاه به خانه یهوه می رفت، دوندگان می آمدند و آنها را بر می داشتند، سپس آنها را به تالار دوندگان باز می آوردند.

*

^{۱۲} از آنجا که ^w او خود را خوار ساخته بود، خشم یهوه از او باز گشت و تا نابودی کامل از میان نبرد. همچنین هنوز چیزی خوب در یهودا وجود داشت.

پایان سلطنت رحبعام

^{۱۳} رحبعام پادشاه در اورشلیم استوار گردید و سلطنت کرد. در واقع،

*

رحبعام ^x به هنگام آغاز سلطنت چهل و یک سال داشت، و هفده سال ^y در اورشلیم سلطنت کرد، در شهری که یهوه از میان تمامی قبیله های اسرائیل برگزیده بود تا نام خود را در آن قرار دهد. مادرش نعمه عمونی نام داشت. ^{۱۴} او بدی را به عمل آورد،

*

^۴ او شهرهای مستحکم یهودا را به تصرف در آورد و به اورشلیم رسید. ^۵ شمععیای نبی نزد رحبعام و رؤسای یهودا که در مقابل شیشق به اورشلیم عقب نشسته بودند رفت، و به ایشان گفت: «چنین سخن می گوید یهوه: شما مرا رها کرده اید؛ بسیار خوب! من نیز شما را به دستان شیشق رها کرده ام.» ^۶ رؤسای اسرائیل ^t و پادشاه خود را خوار ساختند و گفتند: «یهوه عادل است!» ^۷ چون یهوه دید که ایشان خود را خوار ساخته اند، کلام یهوه به این مضمون بر شمعیا فرا رسید: «ایشان خود را خوار ساخته اند؛ من آنان را از میان نخواهم برد؛ به زودی رهایی را برای ایشان فراهم ساخت، و غضبم به دست شیشق بر اورشلیم فرو نخواهد ریخت. ^۸ اما ایشان بردگان او خواهند شد و خواهند دانست که خدمت کردن من یا خدمت کردن ممالک سرزمینها چیست. ^۹»

*

^{۱-۱۴:۲۵-۲۸} ^۹ شیشق ^v، پادشاه مصر، بر علیه اورشلیم برآمد. او خزانه های خانه یهوه و خزانه های خانه پادشاه را گرفت: همه چیز را گرفت. چون او سپرهای طلا را که سلیمان ساخته بود گرفته بود، ^{۱۰} رحبعام

^t در نظر نگارنده «تواریخ»، اسرائیل بر مملکت شمالی دلالت ندارد (آن گونه که در «پادشاهان» به کار رفته است)، بلکه اشاره ای است به قوم واقعی اسرائیل، یعنی مملکت جنوبی.

^u یعنی خواهند دید که چه تفاوتی هست میان خدمت کردن به خدای واقعی و خدمت کردن به خدایان دروغین که منجر به مجازات در اثر حمله بیگانگان می گردد.

^v نگارنده «تواریخ» پس از اشاره به علل مذهبی حمله مصریان، به روایت موجود در ^{۱-۱۴:۲۵-۲۸} باز می گردد که دیدگاهی عمل گرایانه دارد.

^w نگارنده بار دیگر روایت پادشاهان را قطع می کند تا جنبه مذهبی رویدادهای سیاسی را خاطر نشان سازد.

^x نگارنده «تواریخ» برای ارائه تصویری کلی از سلطنت رحبعام بار دیگر از «پادشاهان» عاریت می گیرد، اما برای این منظور،

کمی به عقب بر می گردد، یعنی به ^{۱-۱۴:۲۱-۲۲}

^y از ^{۹۳۳} تا ^{۹۱۶} ق.م.

زیرا^z دل خود را به طلبیدن یهوه متوجه
 نساخت. ۱۵ اعمال رجبعام، از نخستین تا
 واپسین، آیا در اعمال شعمیای نبی، و
 (اعمال) عدوی رؤیت کننده، برای
 شجره نامه ها نوشته نشده است^a؟

*

۳۱-۳۰:۱۴-۱۰ میان^b رجبعام و یربعام در تمامی ایام
 جنگ بود^c. ۱۶ رجبعام با پدران خود
 خوابید و در شهر داود دفن شد. پسرش ایبا
 به جایش سلطنت کرد.

سلطنت ایبا

۱۳ ۲-۱:۱۵-۱ در سال هجدهم یربعام پادشاه،
 ایبا بر یهودا پادشاه شد. ۲ او سه
 سال در اورشلیم سلطنت کرد^d. مادرش
 ۶-۱:۱۵-۱ معکه نام داشت، دختر اوریشیل^e: [این زن]
 از جیعه [بود]. میان ایبا و یربعام جنگ
 بود.

*
 ۳ ایبا^f با لشکری از جنگاوران دلیر،
 چهارصد هزار مرد نخبه، وارد جنگ شد، و
 یربعام با هشتصد هزار^g مرد نخبه،
 جنگاورانی متهور، در مقابل او برای جنگ
 صف آرایی کرد. ۴ ایبا از بالای کوه
 صمارایم^h که در کوهستان افرایم است، به
 پا خاست و گفت: «ای یربعام و ای تمام
 اسرائیل، به من گوش فرادهید! آیا
 نمی دانید که یهوه، خدای اسرائیل، سلطنت
 بر تمام اسرائیل را تا به ابد به داود داده
 است، به او به پسرانش، با عهد نمکⁱ؟
 ۴ اما یربعام پسر نباط، خدمتگزار سلیمان
 پسر داود، به پا خاست و بر علیه سرورش
 شورش کرد. ۷ نزد او مردمان بی مقدار،
 اشخاص بی ارزش^j گرد آمدند و بر رجبعام
 پسر سلیمان برتری یافتند، اما رجبعام که
 جوان بود و دلی خجول داشت، نتوانست با

Z این بخش که حاوی قضاوتی اخلاقی و تذکرات کتابنامه ای است، اثر خود نگارنده «تواریخ» است.
 a (بر اساس توضیح اوستی=) ر.ک. ۱-۱۴:۲۹-۳۰، اما سبک نگارش «تواریخ» متفاوت است. به علاوه، «پادشاهان»
 فقط به «کتاب تواریخ پادشاهان یهودا» ارجاع داده است (آیه ۲۹)، اما نگارنده «تواریخ» با «اعمال شعمیای نبی و عدوی
 رؤیت کننده» نیز آشنایی داشته است. قرائت تحت اللفظی عبارت «برای شجره نامه ها» این است: «برای آنکه در اسناد
 شجره نامه ای نقل شود»: ممکن است این اصطلاح به عنوان یک اثر یا محتوای آن اشاره داشته باشد. اما معنای آن فاقد
 قطعیت است و ممکن است که متن در جای درست خود قرار نداشته یا حتی مخدوش شده باشد.

b این عاریتی است از ۱-۱۴:۳۰ تا ۲:۱۵ و سپس از ۶:۱۵
 c نگارنده «تواریخ» در ۱:۱۱-۴ گفته که خدا با جنگ میان دو مملکت مخالفت کرده است. شاید در اینجا منظور نه جنگی در
 معنای دقیق کلمه، بلکه خصومتی بوده باشد که منجر به درگیریهای دائمی می شده است.

d از ۹:۱۵ تا ۹:۱۳ ق.م.
 e قرائت عبری: «میکایاهو دختر اوریشیل»، حال آنکه طبق ۲-۱۱:۲۰، «معکه دختر ابشالوم» مادر ایبا بود.
 f این روایت از منبعی ناشناخته برگرفته شده و هدف آن برجسته ساختن مشروعیت مذهب اورشلیم و قدرت مداخلت خدا
 می باشد.

g این ارقام حیرت انگیز ظاهراً واقعیت را ده یا صد برابر کرده اند.

h در خصوص «صمارایم»، ر.ک. یوشع ۲۲:۱۸

i یعنی عهدی که با نمک تقدیس شده است (ر.ک. اعد ۱۸:۱۹). منظور عهدی است ناگسستی.

j تحت اللفظی: «پسران بلیعال.»

۱۳ یربعام به کمین نشینندگان دستور داد تا حرکتی گردشی بکنند تا به پس آنان برسند؛ بدینسان، [سپاهیان] در مقابل یهودا بودند و کمین نشینندگان در پس،^{۱۴} و یهوداییان تغییر موضع دادند، و اینک می بایست در پیش و در پس بجنگند. ایشان بسوی یهوه فریاد بر آوردند و کاهنان شیپورها را نواختند،^{۱۵} و مردان یهودا فریاد جنگ سرد دادند. باری، در آن حال که مردان یهودا فریاد جنگ بر می آوردند، خدا یربعام و تمام اسرائیل را در مقابل ابیا و یهودا زد.^{۱۶} بنی اسرائیل از مقابل یهودا گریختند، و خدا ایشان را به دستان آنان سپرد.^{۱۷} ابیا و قومش شکستی سخت بر آنان وارد ساختند: پنجاه هزار مرد نخبه از میان اسرائیلیان تا سرحد مرگ مجروح شده، افتادند.^{۱۸} بنی اسرائیل در این زمان پست شدند، و بنی یهودا نیرومند گشتند، زیرا که به یهوه، خدای پدرانشان تکیه کرده بودند.^{۱۹} ابیا یربعام را تعاقب کرد و شهرهایی از او گرفت: بیت ئیل و «دخترانش»، یشانه و «دخترانش»، (و) افرون و «دخترانش» را.^{۲۰} یربعام در طول ایام ابیاهو دیگر قوت خود را حفظ نکرد؛ یهوه او را زد و او مرد.^{۲۱} ابیاهو استوار گردید.^{۲۲} او چهارده زن

ایشان مقاومت کند^k.^۸ و اینک شما دربارۀ مقاومت با سلطنت یهوه سخن می گوید که در میان دستان بنی داود است! شما انبوهی عظیم می باشید، و با خود گوساله های طلائی ای را دارید که یربعام برای شما همچون خدایان ساخته است:^۹ اما آیا شما کاهنان یهوه، پسران هارون و لاویان را دور نکرده اید تا مانند قوم های سرزمینها برای خود کاهنان برقرار دارید!^{۱۰} هر کس که با یک گاو نر جوان و هفت قوچ بیاید تا خود را منصوب کند^m، کاهن چیزی می شود که خدا نیست.^{۱۱} ولیکن خدای ما یهوه است، و ما او را ترک نکرده ایمⁿ؛ کاهنانی که در خدمت یهوه هستند، بنی هارون می باشند و لاویان در کار هستند.^{۱۲} ایشان هر بامداد و هر شامگاه برای یهوه قربانی های سوختنی می سوزانند، و نیز بخور معطر؛ ما بر میز پاک ردیف نان و شمعدان طلا و چراغهایش را داریم که هر شامگاه آنها را روشن می کنیم؛ زیرا که ما فریضه یهوه، خدایمان را مرعی می داریم^o، حال آنکه شما او را ترک کرده اید!^{۱۳} اینک خدا با ما است، در رأس ما، و نیز کاهنان و شیپورهای هلله^p تا آنها را بر علیه شما به صدا در آورند. ای بنی اسرائیل، بر علیه یهوه، خدای پدرانتان مجنگید: کامیاب نخواهید شد!»

k مشخص است که ابیا واقعیت ها را به شکلی غرض آلود ارائه می دهد.
l متن چندان روشن نیست. ترجمه های یونانی و سریانی هر دو چنین می گویند: «کاهنانی که از قوم سرزمین آمده اند»، یعنی از میان مردم عادی. و در واقع، مضمون متن بر منشأ نامشروع این کاهنان دروغین تأکید خواهد ورزید.
m تحت اللفظی: «دستان خود را پر سازد»؛ این فرمولی است متداول برای توصیف انتصاب به کهنات (ر.ک. خروج ۲۸:۴۱؛ ۲۹:۲۴؛ و غیره).

n ترجمه های یونانی و سریانی هر دو فرمولی را به کار برده اند که می تواند شکل اولیه متن باشد، به این صورت: «اما ما بر عکس، یهوه خدای خود را ترک نکرده ایم.»

o می توان این گونه نیز برداشت کرد: «ما خدمت یهوه، خدایمان را انجام می دهیم.»

p در خصوص نقش این شیپورهای مخصوص جنگ، ر.ک. اعد ۱۰:۹
q نگانده «تواریخ» که مرگ یربعام را عقوبتی الهی تلقی می کند، به این نکته اشاره نمی کند که ابیا پیش از او در گذشت، زیرا سلطنت او فقط سه سال به درازا انجامید (۲-توا ۱۳:۲ و ۱-پاد ۱۵:۹).

یهوه، خدای پدرانشان را بطلبند و شریعت و حکم را به عمل آورند. ^۴ او از تمام شهرهای یهودا مکان‌های بلند و قربانگاههای بخور^x را برداشت. مملکت در حضور او آرام بود.

^۵ او شهرهایی مستحکم در یهودا بنا کرد؛ زیرا سرزمین آرام بود و در آن سالها بر علیه او جنگی نبود، چرا که یهوه استراحت را برای او تدارک می‌دید. ^۶ از این رو، به یهودا گفت: «این شهرها را بنا کنیم، آنها را با دیوار، برجها، دروازه‌ها و کوشوها احاطه نماییم؛ سرزمین هنوز در مقابل ما است. ^۷ از آنجا که خدای خود، یهوه را طلبیدیم، او ما را طلبیده و از هر سو استراحت را برای ما تدارک دیده است. ^۸ ایشان بنا کردند و کامیاب شدند. ^۹ آسا لشکری با سیصد هزار مرد از یهودا داشت که سپر بزرگ و سرنیزه حمل می‌کردند، و با دویست و هشتاد هزار^a مرد

گرفت و بیست و دو پسر و شانزده دختر تولید نمود.

^{۲۲} بقیه اعمال ابیا، رفتار و اعمال او^t، در میدراش^s عدوی نبی نوشته شده است.

*

^{۲۳} ابیا^t با پدران خود خوابید و او را در شهر داود دفن کردند. پسرش آسا در جای او سلطنت کرد.

*

سلطنت آسا

در ایام او^u، سرزمین به مدت ده سال آرام بود.^v

۱۴ آسا آنچه را که در نظر خدایش یهوه نیک و درست است انجام داد. ^۲ او قربانگاههای خارجی^w را برداشت، و نیز مکان‌های بلند را؛ ستونهای سنگی را خرد کرد و تیرهای چوبی مقدس را بر کند. ^۳ به یهوداییان دستور داد تا

^t تحت اللفظی: «طریق‌ها و سخنان او.»

^s «میدراش» یعنی «تفسیر.» بعدها در آثار ربّی‌ها، این اصطلاح در معنایی فنی برای اشاره به «تفسیر کتاب مقدس» به کار رفت. نیز ر.ک. ۲۴:۲۷

^t این آیه از ۱-۸:۱۵ پاد به عاریت گرفته شده است.

^u ماجراهای این دوره در ۲-۱۳:۱۳ تا ۱۵:۱۵ شرح داده شده است. نگارنده «تواریخ» از تذکر کوتاه موجود در ۱-پاد ۹:۱۵-۱۲ در زمینه سلطنت آسا استفاده نکرده، و آن را با مطالب دیگری که از منبعی ناشناخته برگرفته جایگزین ساخته است، منبعی که بسیار مبسوط‌تر است و بازگو می‌کند که چگونه دینداری پادشاه موجب کامیابی قومش می‌گردد.

^v این دوره آرامش تا حمله مصریان که در ۸:۱۴-۱۴ بازگو شده ادامه یافت. در نقطه مقابل این تذکر در خصوص آرامش، در ۱-پاد ۱۶:۱۵ چنین آمده: «میان آسا و بعشا، پادشاه اسرائیل، در تمامی روزهای ایشان جنگ بود»، اما این تذکر ممکن است فقط دلالت داشته باشد بر درگیریهای مکرر مرزی، حال آنکه نگارنده «تواریخ» اشاره می‌کند که جنگ به معنای واقعی کلمه وجود نداشته است.

^w یعنی قربانگاههایی که منشأیی بیگانه و خارجی داشتند.

^x ر.ک. توضیح لاو ۲۶:۳۰

^y قرائت سریانی: «سرزمین در مقابل ما در استراحت است.» ترجمه ما مبتنی است بر قرائت عبری که ظاهراً دو حرف مشابه را با یکدیگر اشتباه کرده است.

^z ترجمه یونانی با قرائتی متفاوت در حروف صدادار، به معنایی هماهنگ‌تر می‌رسد و چنین می‌گوید: «از آنجا که ما به خدایمان یهوه توجه کرده‌ایم، او به ما توجه کرده و در اطراف به ما استراحت بخشیده است.»

^a قرائت یونانی: «دویست و پنجاه هزار.»

ترس یهوه بر آنها بود؛ تمام شهرها را غارت کردند، زیرا در آنها غنائم قابل ملاحظه‌ای بود.^{۱۴} حتی به خیمه‌های رمه‌ها تاختند و احشام کوچک بسیار را به یغما بردند، و نیز شتران را؛ سپس به اورشلیم باز گشتند.

۱۵ روح خدا بر عزریاهو پسر عودید آمد،^۱ و او به مقابل آسا بیرون آمد و به او گفت: «ای آسا و ای تمام یهودا و بنیامین، به من گوش فرا دهید! یهوه با شما است آن گاه که شما با او هستید؛ چنانچه او را بطلبید، او خود را و خواهد نهاد تا به واسطه شما یافت شود؛ اما چنانچه او را ترک گوید، او شما را ترک خواهد گفت.^۲ اسرائیل در طول ایامی طولانی، بدون خدای واقعی بوده، بدون کاهن برای تعلیم دادن، و بدون شریعت.^۳ اما ایشان در پریشانی خود بسوی یهوه، خدای اسرائیل باز گشته‌اند؛ ایشان او را طلبیده‌اند و او خود را و خواهد نهاد تا به واسطه ایشان یافت شود.^۴ در آن زمان‌ها، برای کسانی که می‌رفتند و می‌آمدند امنیتی نبود،^۱ زیرا هرج و مرج‌های فراوانی بر جمیع ساکنان سرزمین سنگینی می‌کرد.

از بنیامین که سپر گرد حمل می‌کردند و کمان می‌کشیدند، جملگی جنگاورانی دلیر.^۵ زارح کوشی^b با لشکری از هزار هزار مرد و سیصد ارابه بر علیه ایشان آمد و به مریشه رسید.^۶ آسا به ملاقات او رفت، و ایشان در دره صفاته برای جنگ صف‌آرایی کردند، در نزدیکی مریشه.^۷ آسا یهوه، خدای خود را خواند و گفت: «ای یهوه، آن گاه که می‌خواهی امداد کنی، برای تو فرقی میان بزرگ و کسی که بدون قوت است وجود ندارد؛^d ما را امداد فرما، ای خدای ما یهوه، زیرا بر تو است که تکیه می‌کنیم و به نام تو است که بر علیه این انبوه کثیر آمده‌ایم. ای یهوه، تو خدای مایی: بادا که یک فانی بر تو غلبه نیابد!»^۸ یهوه کوشیان را در مقابل آسا و در مقابل یهودا شکست داد، و کوشیان گریختند.^۹ آسا و سپاهسانی که با او بودند، ایشان را تا به جرار تعاقب کردند؛ از کوشیان آنقدر افتادند که دیگر سر بلند نکردند، زیرا در مقابل یهوه و در مقابل لشکر او منهزم شده بودند. غنائم عظیمی از آنجا بردند.^{۱۰} همه شهرهای اطراف جرار را زدند، زیرا

b (بر اساس توضیح اوستی) زارح ظاهراً یکی از رؤسای قبیله سباییان (پید ۷:۱۰) یا عرب (۱-توا ۹:۱) یا مدیانی (حب ۷:۳) بوده که مانند بسیاری دیگر، اقدام به قتل و غارت می‌کرده‌اند (ر.ک. حمله مدیانیان در داور ۶:۱-۵). (بر اساس توضیح توب) = ملیت این سردار بعداً به تمام لشکرش نسبت داده شده (ر.ک. ۱۱:۱۴ و ۸:۱۶)، حتی اگر این لشکر متشکل از مصریان و سایر اقوام بوده باشد.

c قرائت یونانی: «در دره شمال مریشه.» شاید متن اولیه چنین بوده است.

d قرائت تحت اللفظی: «ای یهوه، کسی جز تو نمی‌تواند (در مناقشه) میان دولت‌مند و شخص بدون قوت به کمک آید.»

e قرائت یونانی احتمالاً به متن اولیه نزدیکتر است و می‌گوید: «ایشان غارتی غارت کردند»، و این فرمولی است قویاً عبری.

f این جمله را می‌توان هم به زمان حال برداشت کرد و هم به زمان آینده.

g نگارنده ظاهراً دوره داوران را مد نظر دارد و به شیوه خود، شرایطی را که در داور ۲:۱۰-۲۳ توصیف شده، خلاصه می‌کند.

h همین مفهوم بارها در کتاب داوران تکرار می‌شود: ۹:۳، ۱۵:۶-۷:۸، ۱۰:۱۰-۱۶/۱۰.

i همین فرمول در زک ۸:۱۰ به کار رفته و بر دوره پیش از بنیانگذاری معبد دلالت دارد.

آمدند،^{۱۱} و در آن روز، از غنیمتی که باز آورده بودند، هفتصد گاو و هفت هزار گوسفند قربانی کردند.^{۱۲} ایشان برای طلبیدن یهوه، خدای پدرانشان، با تمام دل خود و با تمام جان خود، وارد عهد شدند؛^{۱۳} هر آن کس که یهوه، خدای اسرائیل را نمی طلبید، به قتل می رسید، از کوچکترین تا بزرگترین، مرد یا زن.^{۱۴} ایشان با صدای بلند و با هلهله برای یهوه سوگند یاد کردند، با نوای شیپورها و کرناها.^{۱۵} همه یهوداییان از این سوگند شادمان شدند، زیرا آن را با تمام دل خود یاد کرده بودند، و [یهوه] را با رضایت کامل طلبیده بودند. از این رو، او خود را و نهاد تا به واسطه ایشان یافت شود، و یهوه استراحت را از هر سو برای ایشان تدارک دید.

*

۱۶ آسا^{۱۶} حتی مقام «بانوی بزرگ» را از ۱-۱۳:۱۵ تا ۲۲-۱۳ معکه^{۱۷}، مادر بزرگ پادشاه گرفت، زیرا که

مردم یکدیگر را له می کردند، ملتی بر علیه ملتی، شهری بر علیه شهری؛ زیرا خدا ایشان را با هر نوع پریشانی آشفته می ساخت.^{۱۷} اما شما قوی باشید و باشد که دستانتان سست نگردد، زیرا اعمالتان اجر خود را خواهد داشت^k.»

۱۸ آسا چون این سخنان و نبوت^۱ را شنید، دلیر شد و «آشغالهای»^m تمام سرزمین یهودا و بنیامین را دفع کرد، و نیز از شهرهایی که در کوهستان افراییم به تصرف در آورده بودⁿ. او قربانگاه یهوه را که در مقابل رواق^o یهوه بود، نوسازی کرد.^{۱۹} او همه یهودا و بنیامین را گرد آورد، و نیز مردمان افراییم، منسی و شمعون^p را که در میان ایشان اقامت داشتند، چرا که اسرائیلیان با مشاهده این که یهوه، خدایش با او بود، به تعداد زیاد به جانب او باز گشته بودند.^{۲۰} ایشان ماه سوم^r از سال پانزدهم از سلطنت آسا در اورشلیم گرد

ز.ر.ک. اش ۱۹:۲۷

k همین فرمول در ار ۱۶:۳۱ به چشم می خورد.

l (بر اساس توضیح اوستی =) در متن عبری، پس از کلمه «نبوت»، عبارت «عودید نبی» آمده است. ما آن را توضیحی نادرست تلقی کرده و حذف نموده ایم.

m منظور بتها است.

n در واقع، این شهرها را پدرش ایبا تصرف کرده بود (۲-توا ۱۳:۱۹). شاید متن دچار تغییر شده باشد.

o منظور قربانگاه قربانی های سوختنی است. در خصوص «رواق»، ر.ک. ۱-یاد ۳:۶؛ ۷:۷ یا ۱-توا ۲۸:۱۱
p چنین اشاره ای به قبیله «شمعون» که در جنوب یهودا واقع بود و به مملکت اسرائیل تعلق نداشت، باعث تعجب است. شاید باید فرض کرد که متن اولیه این نام را «شومرون» قرائت کرده، یعنی «سامره»، گرچه این شهر تا پیش از پایان سلطنت آسا بنیان گذاشته نشده بود (۱-یاد ۱۶:۲۳-۲۴).

q این گونه نیز می توان استنباط کرد: «ایشان از اسرائیل به تعداد زیاد بر روی او باز گشته بودند.»

r بنا بر این، منظور عید «پنطیکاست» است که در جامعه «قمران»، عید ورود به عهد بود.

s یعنی در مراسمی به منظور تجدید عهد شرکت کردند.

t قرائت عبری فقط می گوید: «با شیپورها و کرناها.»

u نگارنده «تواریخ» پس از گنجانیدن مطالب پیشین بر اساس منبعی خاص، به روایت «پادشاهان» باز می گردد و آن را تقریباً کلمه به کلمه در ۱۶:۱۵ تا ۱۶:۱۶ رونویسی می کند، اما دینداری آسا در آن از دیدگاهی کمتر مساعد برخوردار است.

v تحت اللفظی: «معکه، مادر آسای پادشاه، او وی را از مقام ملکه عزل کرد.» اما مطابق ۱-یاد ۲:۱۵ و ۲-توا ۱۱:۲۰، معکه مادر بزرگ پادشاه بود.

سکونت داشت، با این پیام: ^۳ «میان من و تو، میان پدر من و پدر تو عهد هست! اینک نقره و طلا برای تو می فرستم. برو و عهد خود را با بعشا، پادشاه اسرائیل بگسل تا از نزد من عقب بنشیند.» ^c

^۴ بن هدد به آسای پادشاه گوش گرفت و رؤسای لشکرش را بر علیه شهرهای اسرائیل فرستاد. ایشان عیون و ایل-ماییم و تمام انبارهای ^d شهرهای نفتالی را زدند. ^۵ پس چون بعشا از این آگاهی یافت، از مستحکم ساختن رame باز ایستاد و کارهای خود را متوقف ساخت. ^e آسا، پادشاه، تمام یهوداییان را [با خود] برداشت؛ (مردم) سنگها و چوبهایی را که بعشا با آنها رame را مستحکم می ساخت بردند، و او با آنها جِبع و مصفه را مستحکم ساخت.

*
*

او برای اشیره «چیزی هولناک» ساخته بود؛ آسا این «چیر هولناک» را در هم کوبید و آن را [به غبار] تبدیل کرد ^w و آن را در آبکند قدرون سوزانید. ^y مکان های بلند در اسرائیل از میان نرفت ^x؛ فقط اینکه دل آسا [با یهوه] یکپارچه بود، در طول تمامی ایامش. ^{۱۸} او آنچه را که پدرش تقدیس کرده بود و او تقدیس می کرد، به خانه خدا می آورد: نقره، طلا و اثاث ^z. ^{۱۹} تا سال سی و پنجم ^a سلطنت آسا جنگی نبود ^z.

۱۶ در سال سی و ششم سلطنت آسا، بعشا، پادشاه اسرائیل، بر علیه یهودا برآمد و رame را مستحکم ساخت تا ارتباطات آسا، پادشاه یهودا را قطع کند. آسا نقره و طلا از خزانه های خانه یهوه و از خانه پادشاه بیرون آورد و [آن را] برای بن-هدد، پادشاه ارام ^b فرستاد که در دمشق

W از بررسی ترجمه های قدیمی، این نتیجه به دست می آید که عبارت «آن را به غبار تبدیل کرد»، توضیحی بوده در حاشیه نسخه خطی که بعداً وارد متن عبری شده است.

X نگارنده در خصوص اثرات محدود این اصلاحات مذهبی دچار توهم نیست، اما می کوشد آسای پادشاه را به واسطه حسن نیت او تبرئه کند.

Y برخی این را همچون «اشیاء مقدس» برداشت می کنند.

Z ۱- پاد ۱۶:۱۵ خلاف این را می گوید و چنین قرائت می کند: «میان آسا و بعشا، پادشاه اسرائیل، در تمامی روزهای ایشان جنگ بود.» اما نگارنده «تواریخ» احتمالاً چنین قضاوت کرده که این خصومت ها جنگهایی واقعی نبوده اند و مانع از این نمی شوند که او کل دوره سلطنت آسا را دوره ای آرام تلقی کند (جز جنگ با زارح کوشی)؛ او همین کار را در این بخشها انجام داده: ۱۳:۲۳؛ ۱۴:۴-۶؛ ۱۵:۱۵؛ ۱۵:۱۵ در نتیجه، نگارنده «تواریخ» خود را مجاز دانسته که متن «پادشاهان» را با افزودن حالت نفی تغییر دهد و بگوید: «جنگی نبود» یا «دیگر جنگی نبود.»

a این عدد قاعدتاً ناشی از اشتباهی در نسخه برداری در دوره ای بسیار قدیمی است، زیرا مطابق ۱- پاد ۳۳:۱۵، و ۸:۱۶، بعشا تنها از سال سوم تا بیست و ششم آسا حکومت کرد؛ لذا حمله بعشا که در ماجرای بعدی بازگو خواهد شد، احتمالاً در سال بیست و پنجم یا بیست و ششم آسا روی داده است. وانگهی، این عبارت را نگارنده «تواریخ» به متن «پادشاهان» افزوده است (اما مشخص نیست بر اساس کدام منبع) که می گوید: «تا سال سی و پنجم (۴) سلطنت آسا. (و بعد در ۱۶:۱) در سال سی و ششم (۴) سلطنت آسا.»

b متن ۱- پاد ۱۸:۱۵ حاوی جزئیات تکمیلی مختلفی است که در «تواریخ» نیامده است.

c شهر رame که تنها در ۸ کیلومتری شمال اورشلیم واقع بود، به قلمرو بنیامین تعلق داشت (یوشع ۱۸:۲۵) و لذا در مملکت یهودا قرار گرفته بود.

d (بر اساس توضیح اوستی) «ابل-معکه» نام دیگری است برای «ایل-بیت-معکه». عبارت «تمام انبارها» تعبیری است مشکل ساز از کلمه ای که در «پادشاهان» به شکل «کنروت» ثبت شده است.

e در ۱- پاد ۱۵:۲۱ آمده: «به ترصه باز گشت» (یعنی به پایتخت خود).

۱^۱ اما اعمال آسا^h، از نخستین تا به واپسین، اینک آنها بر کتاب پادشاهان یهودا و اسرائیل نوشته شده است.

*

۱۲ پایهای آساⁱ در سال سی و نهم سلطنتش بیمار شد؛ بیماری بسیار سخت شد. با این حال، او حتی در بیماری خود، با یهوه مشورت نکرد، بلکه با پزشکان^l.
 ۱۳ آسا با پدران خود خوابید و در سال چهل و یکم سلطنت خود^k در گذشت. ۱۴ او را در مقبره‌ای که برای خود در شهر داود حفر کرده بود، دفن کردند. او را بر بستری خوابانیدند که آن را با بلسان (یا: عطریات؟) و گیاهان خوشبو آکنده ساخته بودند، (بلسان و گیاهانی) که مطابق هنر عطاران تهیه شده بود، و برای او آتشی بزرگ افروختند، بسیار بزرگ^l.

*

سلطنت یهوشافاط

۱۷^۱ پسرش^m یهوشافاط بر جایش سلطنت کرد. او خود را در مقابل

۷ در این زمان^f، حنانی رؤیت کننده نزد آسا، پادشاه یهودا آمد و به او گفت: «از آنجا که بر پادشاه آرام تکیه کردی، به جای آنکه بر یهوه، خدایت تکیه کنی، بسیار خوب! لشکر پادشاه آرام از دستان تو رهایی یافت. ۸ مگر کوشیان^g و لیبیایی ها لشکری کثیر با ارا به ها و اسبان به تعدادی عظیم را تشکیل نمی دادند؟ و از آنجا که تو بر یهوه تکیه کردی، او ایشان را به دستان تو سپرد. ۹ زیرا که چشمان یهوه در تمام زمین می گردد تا آنان که دلشان با او یکپارچه است تقویت گردند. تو در تمام اینها احمقانه رفتار کردی، زیرا از این پس جنگها خواهی داشت.» آسا بر رؤیت کننده خشم گرفت و او را در زندان در کُنده ها قرار داد، زیرا بر او به سبب این خشمگین بود. در همین زمان، آسا با بخشی از قوم بدرفتاری کرد.

*

f نگارنده «تواریخ» در اینجا (۷:۱۶-۱۰) سندی را می‌گنجاند که در کتاب «پادشاهان» نیست، و هدف آن تأکید بر ضرورت توسل به خدا و بر حماقت تکیه صرف بر انسان‌ها است.

g ر.ک. ۸:۱۴ و توضیح آن.

h این توضیحی کتابنامه‌ای است که برای نخستین بار به «کتاب پادشاهان یهودا و اسرائیل» اشاره می‌کند و تحت عناوینی متغیر در این بخشها نیز مشاهده خواهد شد: ۲۰:۳۴؛ ۲۴:۲۷؛ ۲۵:۲۶؛ ۲۷:۷؛ ۲۸:۲۶؛ ۳۲:۳۲؛ ۳۵:۲۷؛ ۳۶:۸.

i نگارنده «تواریخ» استثنائاً سند دیگری را در خصوص عاقبت پادشاه (۱۶:۱۲-۱۴) می‌گنجاند، حتی پس از نام بردن از منابع خود. احتمالاً انگیزه او نشان دادن این امر بود که بیماری پادشاه می‌بایست فرصتی باشد برای او به منظور توسل به خدا.

j توسل به پزشکان یا درمانگران به هیچ وجه در کتاب مقدس منع نشده است؛ اما آسا به این سبب سرزنش شده که از بیماری خود برای روی آوردن به خداوند بهره نبرد.

k آسا از ۹۱۲ تا ۸۷۱ ق.م. سلطنت کرد.

l تحت اللفظی: «او را بر بستری خوابانیدند که آکنده بود از گیاهان خوشبو و مواد مرهم بخش، در مرهمی ساخته شده، و برای او سوزاندنی بی نهایت بزرگ سوزاندند.»

m کلمات اول این بخش مطابق است با ۱-۱۵:۲۴b. اما این فرمول چنان معمولی است که حتی نیازی نبود به عاریت گرفته شود. دنباله این فصل و ابتدای فصل بعدی (۱:۱۷ تا ۲:۱۸) از منبع خاصی اخذ شده و نگارنده «تواریخ» به این علت آن را انتخاب کرده تا نشان دهد که اصلاحات مذهبی یهوشافاط چگونه برای او صلح و آرامش و کامیابی به همراه آورد.

با خود (به همراه) داشتند، و با خود، کاهنان، (یعنی) الیشمع و یهورام را. ایشان در یهودا تعلیم می دادند و کتاب شریعت یهوه را با خود داشتند؛ ایشان در تمامی شهرهای یهودا گشتند و در میان قوم تعلیم دادند.

^{۱۰} ترس یهوه بر همه ممالک سرزمینهایی که یهودا را احاطه می کردند بود، و ایشان با یهوشافاط جنگ نکردند. ^{۱۱} فلسطینیان هدایا و نقره همچون خراج برای یهوشافاط آوردند؛ حتی اعراب برای او احشام کوچک می آوردند: هفت هزار و هفتصد قوچ و هفت هزار و هفتصد بز.

^{۱۲} یهوشافاط از بزرگ شدن تا به بالاترین نقطه باز نمی ایستاد. او در یهودا دژها و شهرهای انبار بنا کرد. ^{۱۳} همچنین ذخایر بسیار در شهرهای یهودا داشت، و در اورشلیم مردان جنگی، جنگاورانی دلیر. ^{۱۴} سرشماری آنها مطابق خاندانهای پدری شان این است: برای یهودا، رؤسای هزاره: آذنه رئیس، و با او سیصد هزار ^{۱۵} جنگاور دلیر؛ در کنار او، یهوحانان رئیس، و با او دویست و هشتاد هزار مرد؛

اسرائیل ⁿ استوار ساخت: ^۲ در تمام شهرهای مستحکم یهودا دسته های نظامی قرار داد و والیانی ^o در سرزمین یهودا و در شهرهای افراییم که پدرش آسا به تصرف در آورده بود، مستقر نمود.

^۳ یهوه با یهوشافاط بود، زیرا که وی طریق هایی را دنبال کرد که پدرش ^p در ابتدا دنبال کرده بود، و بعل ها را جستجو نکرد. ^۴ بلکه خدای ^q پدرش را جستجو کرد و مطابق احکام او سلوک نمود، بدون [تقلید] از رفتار اسرائیل ^r. ^۵ از این رو، یهوه سلطنت را در دستش تثبیت کرد؛ جمیع یهوداییان به یهوشافاط هدایا تقدیم می کردند و او ثروت و مجد به وفور داشت. ^۶ دل او در طریق های یهوه برافراشته شد و بار دیگر مکان های بلند و تیرهای چوبی مقدس را از یهودا محو ساخت. ^۷ او در سال سوم سلطنت خود، بزرگانش بن-حاییل، عوبدیا، زکریا، نتنیئیل و میکایاهو را فرستاد تا در شهرهای یهودا تعلیم دهند. ^۸ ایشان لاویان، (یعنی) شمعیاهو، نتنیاهو، زبیدیا، عسائیل، شمیراموت، یهوناتان، آذنیاهو، لاویان، را

n منظور از عبارت «در مقابل اسرائیل» را به دو شکل می توان برداشت کرد. یکی اینکه «اسرائیل» را اشاره به مملکت شمالی تصور کنیم که در این صورت، این جمله به معنای موضع گیری یهوشافاط در مقابل این مملکت خواهد بود (ترجمه ما همین معنی را می دهد)؛ دیگر آنکه «اسرائیل» را اشاره به مملکت جنوبی تلقی کنیم (امری که در «تواریخ» اغلب صورت گرفته و مملکت جنوبی اسرائیل واقعی معرفی شده)، و در این صورت، آن را «بر اسرائیل» ترجمه کنیم (یعنی اینکه او حکومت خود را بر مملکت خود استوار کرد).
o می توان «پادگان» نیز ترجمه کرد.

p (بر اساس توضیحات اوستی و توب) قرائت عبری: «پدرش داود»؛ ترجمه ما مبتنی است بر نسخ خطی یونانی، و در این صورت، منظور از «پدرش»، آسای پادشاه می باشد. اما اگر قرائت عبری را دنبال کنیم، عبارت «در ابتدا» را می توان یا اشاره به اعمال داود پیش از سرشماری مذکور در ۱-۲۱ تلقی کرد، یا به راه و روشی که داود در گذشته داشت.

q قرائت یونانی: «یهوه، خدای پدرش» که اصطلاحی متداول ترمی باشد.
r در اینجا «اسرائیل» دلالت دارد بر مملکت تجزیه طلب شمالی که اغلب بت پرستی را پیشه می کرد.

s مشخص است که این ارقام بزرگنمایی شده اند، زیرا رؤسای چنین دسته هایی صراحتاً «رؤسای هزاره» خوانده شده اند.
t متن اولیه احتمالاً عبارت «جنگاورانی دلیر» را در اینجا آورده بوده، مانند کاری که در فرمولهای موازی صورت گرفته است: این کلمات که به طور تصادفی از قلم افتاده اند، ظاهراً به اشتباه در آیه ۱۷ گنجانده شده اند.

گفت: «آیا باید بسوی راموت جلعاد برای جنگ حرکت کنیم، یا باید از آن چشم‌پوشی کنم؟» ایشان گفتند: «برآی، و خدا [آن را] به دستان پادشاه خواهد سپرد.»^۶ یهوشافاط گفت: «آیا در اینجا دیگر نمی‌یهوه نیست که به واسطه او بتوانیم مشورت بگیریم؟»^۷ پادشاه اسرائیل به یهوشافاط گفت: «مرد دیگری هست که به واسطه او می‌توان از یهوه مشورت خواست، اما من از او نفرت دارم، چرا که در باره من به خیریت نبوت نمی‌کند، بلکه همیشه به بدی: او میکایهوپسریمله می‌باشد.» یهوشافاط گفت: «پادشاه اینچنین سخن نگویید!»^۸ پادشاه اسرائیل خواهی‌ای را فراخواند و گفت: «سریع برو و میکایهوپسریمله را بیاور.»^۹ پادشاه اسرائیل و یهوشافاط، پادشاه یهودا، هر یک بر تخت سلطنتی خود نشسته بودند و جامه‌های خود^{۱۰} را بر تن داشتند؛ و ایشان بر خرمنگاه، در ورودی دروازه سامره نشسته بودند، و جمیع انبیا در مقابل ایشان در خلسه نبوتی بودند.^{۱۱} صدقیاهو پسر کنعنه برای خود شاخهایی آهنین ساخته بود و می‌گفت: «چنین سخن می‌گوید یهوه: با این به ارام خواهی زد تا آنجا که آن را قلع و قمع کنی.»^{۱۲} و همه انبیا به همین نیز به این مضمون نبوت می‌کردند: «به راموت جلعاد

^{۱۶} در کنار او، عمسیا پسر زکری که داوطلبانه خود را به یهوه تقدیم می‌کرد، و با او دویست هزار جنگاور دلیر.^{۱۷} از بنیامین: الیاداع جنگاور دلیر، و با او دویست هزار مرد مسلح به کمان و سپر کوچک؛^{۱۸} در کنار او، یهوزاباد، و با او صد و هشتاد هزار مرد مجهز برای جنگیدن.^{۱۹} اینچنین بودند آنانی که در خدمت پادشاه بودند، بدون احتساب آنانی که پادشاه در شهرهای مستحکم، در تمام یهودا، قرار داده بود.

۱۸ یهوشافاط که ثروت و مجد به وفور داشت، از طریق ازدواج با اخاب پیوند یافت^۱.^۲ پس از چند سال^۳، او نزد اخاب به سامره فرود آمد. اخاب گوسفند و گاو به مقدار فراوان برای او و مردمانی که با او بودند قربانی کرد^۴، و او را تحریک کرد تا بر علیه راموت جلعاد برآید.

*

^۱ اخاب^۳، پادشاه اسرائیل، به یهوشافاط، پادشاه یهودا گفت: «آیا با من به راموت جلعاد بر خواهی آمد؟» او به وی گفت: «من و تو یک هستیم، قوم من و قوم تو یک هستند: ما در جنگ با تو خواهیم بود.»^۴ یهوشافاط به پادشاه اسرائیل گفت: «خواهش می‌کنم نخست از کلام یهوه مشورت بگیر.»^۵ پادشاه اسرائیل انبیا را گرد آورد - چهارصد نفر را - و به ایشان

۱-۲۲:۳-۳۲

U بر اساس ۲-نوا ۶:۲۱ می‌دانیم که یهوشافاط پسر ارشد خود بهورام را به ازدواج یکی از دختران اخاب در آورد.

V مطابق ۱-پاد ۲:۲۲، این امر در سال سوم رخ داد.

W فعل «قربانی کردن» در اینجا بیشتر به معنی «ذبح کردن» حیوانات است به منظور تدارک دیدن برای ضیافت‌هایی مفصل.

X نگارنده «تواریخ» این روایت مبسوط را از «پادشاهان» به عاریت می‌گیرد (۱۸:۳-۳۴ مطابق است با ۱-پاد ۳:۲۲-۳۶) که

در آن، برتری نبی یهوه بر انبیا خدايان دروغین مشخص می‌گردد.

Y منظور جامه‌های فاخر است.

^{۱۸} [میکایهو] گفت: «بسیار خوب! به کلام یهوه گوش کنید. یهوه را دیدم، نشسته بر تخت سلطنت خود، و تمام لشکر آسمانها در سمت راست و در سمت چپ او ایستاده بودند. ^{۱۹} یهوه فرمود: چه کس اخبار، پادشاه اسرائیل را خواهد فریفت تا برآید و در راموت جلعاد بیفتد؟ ایشان پاسخ دادند، یکی به یک شکل، و دیگری به شکلی دیگر. ^{۲۰} روح^c جلو آمد و در حضور یهوه ایستاد و گفت: من او را خواهم فریفت. - یهوه او را گفت: چگونه؟^a گفت: من رفته، در دهان جمیع انبیای او روح دروغ خواهم شد. - [یهوه] فرمود: او را خواهی فریفت و بر او پیروز خواهی شد؛ برو و چنین کن ^d. - ^{۲۲} پس اینک یهوه روح دروغ در دهان انبیایت که اینجا هستند قرار داده، اما یهوه مصیبت را بر علیه تو اعلام نموده است.»

^{۲۳} صدقیاهو پسر کنعنه جلو آمد و بر گونه میکایهو نواخت و گفت: «از کدامین راه روح یهوه از نزد من گریخت تا با تو سخن گوید؟» ^{۲۴} میکایهو گفت: «این آن چیزی است که خواهی دید، در آن روز که از اتاقی به اتاقی بروی تا خود را پنهان سازی.» ^{۲۵} پادشاه اسرائیل گفت: «میکایهو را بگیرد و او را به آمون، حاکم شهر، و به یوآش پسر پادشاه تحویل دهد.^e ^{۲۶} خواهی گفت: پادشاه چنین سخن

برآی و کامیاب خواهی شد: یهوه آن را به دستان پادشاه خواهد سپرد.»
^{۱۲} قاصدی که برای فرا خواندن میکایهو رفته بود، به این مضمون با او سخن گفت: «اینک جمیع انبیا دهانی واحد دارند تا خیریت را به پادشاه اعلام کنند. پس تو نیز مانند هر یک از آنان سخن بگو، و خیریت را اعلام نما.» ^{۱۳} میکایهو گفت: «به حیات یهوه! همان را خواهم گفت که خدایم بگوید.» ^{۱۴} چون پادشاه رسید، پادشاه به او گفت: «میکایه، آیا باید برای جنگ بسوی راموت جلعاد حرکت کنیم، یا باید از آن چشم پوشی کنم؟» وی گفت: «برآید و کامیاب خواهید شد: ایشان به میان دستان شما سپرده خواهند شد.» ^{۱۵} پادشاه به او گفت: «چند بار باید تو را سوگند دهم که در نام یهوه جز حقیقت را به من نگویی^a؟» ^{۱۶} [میکایهو] گفت:

«تمام اسرائیل را پراکنده بر کوهساران دیدم،
به سان میشهایی که چوپانی ندارند^b.
یهوه گفته است:
این مردمان دیگر سروری ندارند؛
بادا که در آرامش باز گردند، هر یک به خانه خود!»
^{۱۷} پادشاه اسرائیل به یهوشافاط گفت:
«به تو نگفته بودم که در باره من خیریت نبوت نمی کند، بلکه فقط بدی را؟»

Z در اینجا به جای نام همیشگی «میکایهو»، شکل مخفف آن آورده شده است.
a این جمله حاکی از این است که پادشاه کاملاً فهمیده بود که پاسخ نبی طعنه آمیز بوده است.
b این نقل قولی است از اعد ۱۷:۲۷ که در مت ۳۶:۹ و مر ۳۴:۶ نیز تکرار شده است.
c ر.ک. توضیح ۱- پاد ۲۲:۲۱
d تمام اینها در حکم مقدمه ای است نمایشی و در عین حال عامه پسند. ر.ک. ۳۷:۲۰ و ۲۰:۲۴ در خصوص انبیای دروغینی که از سوی خدا فرستاده می شوند، می توان برای مثال به حزق ۹:۱۴ اشاره کرد.
e این احتمال هست که میکایهو قبلاً نیز در حبس بسر برده باشد.

فرماندهان اربه‌ها یهوشافاط را دیدند، گفتند: «این پادشاه اسرائیل است»، و او را احاطه کردند تا به او حمله کنند؛ یهوشافاط فریادی بر آورد.

*

یهوه او را امداد فرمود، و خدا ایشان را از او دور ساخت.^۱

*

^{۳۲} پس چون فرماندهان اربه‌ها دیدند ۱-۲۲:۲۳-۳۶-۳۴
که او پادشاه اسرائیل نیست، از تعاقب او باز ایستادند.^{۳۳} مردی کمان خود را تصادفی^k کشید و پادشاه اسرائیل را میان اتصال‌ها و زره زد. وی به اربه‌ران گفت: «برگرد و مرا از میدان جنگ بیرون ببر، زیرا حال خوب نیست.»^{۳۴} در آن روز، جنگ سخت شد. پادشاه تا شامگاه خود را بر اربه، رو به ارامیان سر پا نگاه داشته بود، و در حوالی غروب آفتاب مرد.

*

می‌گوید: این مرد را در زندان بگذارید و او را با نان محنت و با آب محنت تغذیه کنید، تا آن زمان که صحیح و سالم باز گردم.»^{۲۷} میکایهو گفت: «اگر بتوانی صحیح و سالم باز گردی، یعنی اینکه یهوه به هیچ وجه به واسطه من سخن نگفته است.» [گفت: «ای قوم‌ها، همگی شما، گوش فرا دهید.f.»]

^{۲۸} پادشاه اسرائیل و یهوشافاط، پادشاه یهودا، بسوی راموت جلعاد برآمدند.^{۲۹} پادشاه اسرائیل به یهوشافاط گفت: «من برای رفتن به جنگ تغییر ظاهر خواهم داد؛ اما تو جامه خود را بر تن کن.h.» پادشاه اسرائیل تغییر ظاهر داد و به جنگ رفت.i.

^{۳۰} پادشاه ارام این دستور را به فرماندهان اربه‌ها پیش داده بود: «نه به کوچک حمله خواهید کرد و نه به بزرگ، بلکه تنها به پادشاه اسرائیل.»^{۳۱} پس چون

f اینها نخستین کلمات کتاب میکای نبی است. شاید این کلمات به این دلیل در اینجا اضافه شده که دو نبی با همین نام (میان) با یکدیگر اشتباه گرفته شده‌اند؛ یکی از این انبیا در سال ۸۶۷ ق.م. با یهوشافاط سخن گفته، و دیگری در دوره یوتام، آحاز و حزقیایا، یعنی در حدود سالهای ۷۴۰-۷۱۰ ق.م. دست به نگارش کتاب خود زده است. اما این جمله قبلاً در متن «پادشاهان» نیز وجود داشته و نگارنده «تواریخ» آن را رونویسی کرده است؛ لذا در نظر این نگارنده، این جمله بخشی از متن اصلی بوده است.

g عبارت «من برای رفتن به جنگ تغییر ظاهر خواهم داد» بر اساس ترجمه‌های قدیمی بر گردانده شده، حال آنکه قرائت عبری را می‌توان به یکی از این دو صورت ترجمه کرد: یا «برای جنگ تغییر ظاهر بده»، یا «برای جنگ تغییر ظاهر دادن.»

h از این گفته، می‌توان به سوء نیت اخاب پی برد. اما خداوند طرح او را خنثی کرد و او خود کشته شد و یهوشافاط رهایی یافت. i در بسیاری از نسخ خطی عبری آمده: «و به جنگ رفتند.» اما در نظر نگارنده «تواریخ»، شکل کنونی در متن اصلی وجود داشته، زیرا در ترجمه‌های قدیمی نیز همین شکل حفظ شده است.

j نگارنده «تواریخ» این تأمل شخصی را در روایت «پادشاهان» گنجانده تا بر مداخلت الهی تأکید بگذارد. متن عبری چنین قرائت کرده: «خدا ایشان را برانگیخت»؛ ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه‌های قدیمی که محتمل تر به نظر می‌رسد.

k تحت اللفظی: «در بی‌گناهی خود»، یعنی بدون آنکه بداند پادشاه را هدف قرار داده؛ همچنین می‌توان «در کمال خود» نیز ترجمه کرد، یعنی اینکه هدف خود را خوب نشانه گرفت؛ ترجمه یونانی نیز به همین شکل برداشت کرده است.

بی عدالتی هست، نه جانب داری، نه پذیرفتن هدیه.»^۱ یهوشافاط در اورشلیم نیز لایوان، کاهنان و رؤسای [خاندانهای] پدری اسرائیل مقرر داشت، برای امور یهوهⁿ و برای مراعات ساکنان اورشلیم.^o او دستورهایی به این مضمون داد: «این است آن گونه که عمل خواهید کرد، در ترس یهوه، با صداقت و با دلی یکپارچه: ^{۱۰} در هر مرافعه ای که برادرانتان به حضور شما خواهند آورد، (برادرانتان) که در شهرهایشان ساکن اند، برای تمامی مسائل خون، و شریعت - خواه مربوط به احکام باشد، خواه به فرایض و خواه به قواعد - ایشان را هشدار خواهید داد تا خود را نسبت به یهوه مجرم ن سازند و غضب بر علیه شما و بر علیه برادرانتان نازل نگردد. اگر چنین کنید، خود را مجرم نخواهید ساخت. ^{۱۱} «و اینک آمریاهو، رئیس کاهنان، برای هر امر یهوه در رأس شما خواهد بود، و زبدياهو پسر اسماعیل، رئیس خاندان یهودا، برای همه امور پادشاه؛ و لایوان در مقام کاتب در خدمت شما خواهند بود. قوی باشید و دست به کار شوید! و یهوه با مرد نیک باشد!»^p

۱۹ یهوشافاط^۱، پادشاه یهودا، صحیح و سالم به خانه خود بازگشت، به اورشلیم. ^۲ یهوهی رؤیت کننده، پسر حنانی به پیشباز او بیرون آمد و به یهوشافاط پادشاه گفت: «آیا می بایست شخص بدکار را کمک کرد، و می بایست کسی را دوست بداری که یهوه را نفرت می دارد؟ به سبب این، «غضب» از جانب یهوه بر علیه تو نازل خواهد شد. ^۳ با این حال، چیزی نیک نزد تو یافت شده، زیرا که تیرهای چوبی مقدس را از سرزمین رفته ای، و دل خود را برای طلبیدن خدا متوجه ساخته ای.» ^۴ یهوشافاط پس از آنکه در اورشلیم ماند، بار دیگر آغاز نمود به بازدید از قوم، از بئر شبع تا به کوهستان افرایم، و ایشان را بسوی یهوه، خدای پدرانشان باز آورد. ^۵ و داورانی در سرزمین مقرر داشت، در همه شهرهای مستحکم، شهر به شهر. ^۶ به داوران گفت: «بینید که چه می کنید! زیرا عدالت را برای انسان ها به جا نمی آورید، بلکه برای یهوه، و او با شما است آن گاه که حکم صادر می کنید.^m ^۷ پس بادا که هراس یهوه بر شما باشد! مراقب باشید که چه می کنید، زیرا در یهوه، خدای ما، نه

^۱ بخش موجود در ۱:۱۹ تا ۲۰:۳۰، سندی است خاص نگارنده «تواریخ» که هدف آن، برجسته ساختن اصلاحات مذهبی یهوشافاط و امدادی است که خدا در مقابل هجوم اقوام بدوی صحرائشین به او فرمود.

^m این عبارت در عبری فاقد فعل است. آن را اینچنین نیز می توان ترجمه کرد: «... برای یهوه، تا حکمی عادلانه را به شما الهام بخشد»: چنین ترجمه ای ظاهراً با مضمون متن سازگارتر است.

ⁿ تحت اللفظی: «برای داوری یهوه.»

^o قرائت عبری: «و برای رفع مراعات و ایشان به اورشلیم باز گشتند.» قرائت یونانی: «برای داوری کردن ساکنان اورشلیم.» ترجمه ما احتمالاً به متن اولیه نزدیکتر است.

^p می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «یهوه با کسی باشد که نیکی کند.»

یارای مقاومت با تو نیست.^۷ مگر تو نیستی، ای خدای ما، که ساکنان این سرزمین را در مقابل قومت اسرائیل خلع ید کردی، و آن را به اعقاب دوستت ابراهیم دادی، برای ابد؟^۸ ایشان در آن استقرار یافتند، و در آنجا پرستشگاهی برای نام تو بنا کرده، گفتند: ^۹ چنانچه مصیبتی بر ما آید،^{۱۰} جنگی، عقوبتی^{۱۱}، طاعونی یا ۳۱-۲۸:۶ قحطی ای، ما در حضور این خانه و در حضور تو خواهیم ایستاد، چرا که نام تو در این خانه است؛ از بطن پریشانی خویش، بسوی تو فریاد بر خواهیم آورد؛ تو شنیده، نجات خواهی داد.^{۱۲} و اینک بنی عمّون، و (بنی) موآب، و اهالی کوه سعیر^{۱۳} که نگذاشتی اسرائیل به آنها وارد شوند^{۱۴}، آن هنگام که از سرزمین مصر می آمدند - بر عکس، ایشان از آنان دور شدند، بی آنکه نابودشان سازند-،^{۱۵} اینک آمده اند تا ما

۲۰ باری، بعد از این، بنی موآب، بنی عمّون، و معونیان^{۱۶} با ایشان، برای جنگ با یهوشافاط آمدند.^{۱۷} (بعضی) آمدند تا این را به یهوشافاط اعلام دارند، به این مضمون: «انبوهی عظیم از آنسوی دریا، از ادوم^{۱۸}، بر علیه تو می آیند؛ و ایشان در حصیصون تمار می باشند- یعنی عین جدی.»^{۱۹} یهوشافاط، وحشت زده، بر آن شد تا از یهوه مشورت بگیرد؛ و برای تمام یهودا روزه اعلام کرد.^{۲۰} یهوداییان گرد آمدند تا از یهوه التماس کنند؛ حتی از همه شهرهای یهودا آمدند تا یهوه را بطلبند.^{۲۱} یهوشافاط در جماعت یهودا در اورشلیم^{۲۲}، در خانه یهوه بر پا ایستاد، در مقابل صحن جدید،^{۲۳} و گفت: «ای یهوه، خدای پدران ما، مگر خدای در آسمانها تو نیستی، تو که بر تمامی ممالک ملت ها سلطه داری؟ در دست تو قوت و قدرت است، و کسی را

q (بر اساس توضیح اوستی =) قرائت عبری: «عمّونیان» (که تکرار نادرست «بنی عمّون» است). ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی. نام «معونیان» که در ۷:۲۶-۱-توا ۴:۴۱؛ عز ۲:۵۰ و نج ۷:۵۲ تکرار شده، در اینجا، آیات ۱۰، ۱۲ و ۲۳ به قومی ادومی ساکن در منطقه سعیر اشاره دارد، یعنی منطقه کوهستانی واقع در جنوب دریای مرده در قادش - برنیع و حوالی آن (پید ۱۴:۶؛ تث ۳۳:۲؛ یوشع ۱۱:۷؛ داور ۵:۴).

r قرائت های عبری و یونانی آورده اند «ارام» (یعنی سوریه)، زیرا در زبان عبری، حروف «د» و «ر» به راحتی با یکدیگر اشتباه می شوند. اما ترجمه سریانی و یک ترجمه قدیمی، «ادوم» قرائت کرده اند. طبعاً همین قرائت درست است، زیرا دریای مورد اشاره، دریای مرده است که ادوم در جنوب آن قرار دارد و عین جدی در غرب آن.

s قرائت عبری: «در جماعت یهودا و اورشلیم.» ترجمه ما مبتنی است بر همه ترجمه های قدیمی که احتمالاً مطابق هستند با متن اولیه.

t یهوشافاط از دعای سلیمان به مناسبت وقف معبد، آن گونه که در ۲-توا ۶:۲۲-۳۹، و خصوصاً در ۶:۲۸-۳۱ ذکر شده، نقل قول می کند.

u ترجمه ما مطابق است با قرائت عبری، اما بر اساس ۲-توا ۶:۲۸ که نگارنده در اینجا از آن الهام می گیرد، امکان این تصور را ایجاد می کند که شاید در متن اولیه کلمه ای به کار رفته باشد که معنی آن، «زنگ گندم» است.

v قرائت عبری این آیه چنین است: «چنانچه مصیبتی بر ما آید... چنانچه در حضور این خانه و در حضور تو بایستیم... و چنانچه در پریشانی خود نزد تو فریاد بر آوریم، تو شنیده، نجات خواهی داد.» چنین قرائتی با دعای سلیمان در ۶:۲۲-۳۹ مطابقت بیشتری دارد.

w یعنی منطقه ادومیان.

x بر اساس اعد ۲۰:۱۸-۲۱، این ادومیان بودند که به اسرائیلیان اجازه عبور ندادند؛ لذا متن اولیه، طبق شهادت یکی از ترجمه های کهن لاتین، می توانسته چنین باشد: «که به اسرائیل مکان عبور برای ورود به نزد خود ندادند.»

مترسید و هراسان مباحثید؛ فردا به مقابل ایشان بروید و یهوه با شما خواهد بود.»^{۱۸} یهوشافاط خم شد و چهره بر خاک (سایید)، و تمام یهوداییان و ساکنان اورشلیم در حضور یهوه افتادند تا یهوه را بپرستند.^{۱۹} لایوان- بنی قهاتیان و بنی قورحیان- برخاستند تا یهوه، خدای اسرائیل را با صدای بلند و قوی بستانند.^{۲۰} صیح زود بسوی بیابان تقوع به راه افتادند. چون می رفتند، یهوشافاط به پا خاست و گفت: «ای یهوداییان و ساکنان اورشلیم، به من گوش فرا دهید؛ به خدایتان یهوه ایمان داشته باشید و پایدار خواهید ماند؛^a به انبیایش ایمان داشته باشید و کامیاب خواهید شد.»^{۲۱} و پس از آنکه با قوم مشورت کرد، سراینندگان یهوه و مزمورسرایان را با تزئینات مقدس^b قرار داد تا در رأس ستون حرکت کنند و بگویند: «یهوه را بستانید، زیرا^c وفاداری اش ابدی (است)!»^{۲۲} در آن دم که شروع می کردند به سر دادن فریادهای شادی و ستایش^d، یهوه بر علیه بنی عمون و (بنی) موآب، و اهالی کوه سعیر که بر علیه یهودا می آمدند، دامها قرار داد، و ایشان شکست خوردند.^e ^{۲۳} بنی عمون و (بنی)

را از ملک تو که به مالکیت ما در آورده ای برانند، و از این راه اجر ما را بدهند!^{۱۲} ای خدای ما، آیا داد این را نخواهی داد؟ زیرا که ما در مقابل این انبوه عظیم که بر ما می آیند بدون قدرت هستیم، و نمی دانیم چه کنیم؛ اما چشمان ما بسوی تو بر می گردد.»^{۱۳} یهوداییان جملگی در حضور یهوه ایستاده بودند، حتی فرزندانشان، زنانشان، و پسرانشان.^{۱۴} آنگاه، در میان جماعت، روح یهوه بر یحزئیل پسر زکریاهو پسر بنایا پسر یعیئیل پسر متنیا آمد (که) یک لاوی از میان بنی آساف (بود).^{۱۵} او گفت: «ای همه شما، یهوداییان و ساکنان اورشلیم، توجه کنید، و تو، ای یهوشافاط پادشاه. یهوه با شما چنین سخن می گوید: شما در مقابل این انبوه عظیم ترس و هراس به خود راه مدهید، زیرا این نبرد از آن شما نیست، بلکه از آن خدا است.^{۱۶} فردا بر ایشان فرود آید؛ اینک ایشان از طریق سربالایی حصص^z بر می آیند، و در انتهای آبکنند به ایشان بر خواهید خورد، روبروی بیابان یروئیل.^{۱۷} نیازی نخواهید داشت در آنجا بجنگید؛ آنجا بایستید، موضع بگیرید، و خواهید دید که چگونه یهوه شما را نجات خواهد داد. ای یهودا و اورشلیم،

Y ترجمه های یونانی و سریانی متفقاً قرائت می کنند: «ای یهوه خدای ما»: شاید متن اولیه چنین بوده باشد.
 Z شاید این نام، شکلی تغییر یافته از «حصیصون» باشد که در ۲:۲۰ به آن اشاره شده است.
 a در عبری در این قسمت، با ریشه لغت «امان» بازی شده که می تواند هم به معنی «ایمان یا اعتماد داشتن» باشد و هم «استوار، جنبش ناپذیر، و شکست ناپذیر». در اش ۹:۷ نیز همین کار صورت گرفته است.
 b می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «برای ستودن کبریای مقدس او». ر.ک. مز ۲۹:۴؛ ۹۶:۹؛ ۱-توا ۱۶:۲۹/۲۹ متن یونانی هر بار که این اصطلاح به کار رفته، آن را «در صحن مقدس او» ترجمه کرده است.
 c بر اساس ترجمه سریانی و یک ترجمه کهن لاتین، احتمالاً باید فرمول کامل همیشگی را قرائت کرد، به این صورت: «زیرا که او نیکو است، زیرا که وفاداری اش برای همیشه است.»
 d منظور این است: «فریادهای شادی برای ستایش.»
 e برخی چنین ترجمه می کنند: «یکدیگر را شکست دادند.»

باز گردند، زیرا که یهوه ایشان را به بهای دشمنانشان شادمانی ارزانی داشته بود. ۲۸ ایشان با نوای چنگ و برپت و شیپور وارد اورشلیم شدند تا به خانه یهوه بروند. ۲۹ ترس یهوه بر جمیع ممالک سرزمینها قرار گرفت، آن هنگام که آگاه شدند که یهوه با دشمنان اسرائیل جنگیده است. ۳۰ مملکت یهوشافاط آرام بود؛ خدایش از هر جانب برای او استراحت فراهم ساخته بود.

*

۳۱ یهوشافاط^۱ بر یهودا سلطنت کرد. او ۱-۲۲:۴۱-۴۴ باهنگام جلوس بر تخت سی و پنج سال داشت، و بیست و پنج سال در اورشلیم سلطنت کرد^k. مادرش عزوبه نام داشت؛ [وی] دختر شلحی [بود]. ۳۲ او راه پدرش آسا را دنبال کرد و از آن دور نشد، و آنچه را که در نظر یهوه درست است به عمل آورد. ۳۳ با این حال، مکان‌های بلند از میان برداشته نشد، و قوم

*

هنوز^۱ دل خود را [به طلبیدن] خدای پدران خود متوجه نساخته بودند.

مواب بر علیه ساکنان کوه سعیر به پا خاستند تا ایشان را به لعنت نذر کنند و نابودشان سازند؛ سپس وقتی این کار را با ساکنان سعیر به پایان رساندند، از سر رقابت^f کمر به نابودی یکدیگر بستند. ۲۴ یهوداییان چون به مکانی رسیدند که از آنجا می‌شد بیابان را دید، بسوی آن انبوه (جماعت) روی گردانیدند، و اینک جز جنازه‌هایی در غلتیده بر زمین بیش نبود، و حتی یک نفر هم جان سالم بدر نبرده بود! ۲۵ یهوشافاط با قوم خود^g آمد تا غنائم آنان را غارت کند؛ ایشان احشام^h فراوان، اموال، جامه‌ها^۱ و اشیاء قیمتی یافتند؛ از آنها بیش از آنچه که بتوانند ببرند برداشتند، و سه روز به غارت غنیمت پرداختند، زیرا که چشمگیر بود. ۲۶ در روز چهارم، ایشان در دره «برکت» گرد آمدند، و در آنجا به واقع یهوه را متبارک خواندند؛ به همین سبب است که این مکان را دره برکت نامیدند، تا به امروز. ۲۷ جمیع مردان یهودا و اورشلیم، با یهوشافاط در رأس ایشان، به راه افتادند تا با شادی به اورشلیم

f قرائت عبری: «برای نابودی یکدیگر مساعدت کردند»، و فعل «مساعدت یا کمک کردن» مفهوم ضمنی طعنه آمیزی دارد که نسبتاً غیر منتظره است. شاید متن اولیه را در قرائت یونانی بتوان یافت که می‌گوید: «برای نابودی، بر علیه یکدیگر برخاستند.»

g یکی از ترجمه‌های کهن لاتین که گاه شاهد خوبی برای متن اولیه است، چنین قرائت می‌کند: «و قومی که با او بودند.»
h قرائت عبری: «در آنها» (یعنی در غنائم). ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی. این دو کلمه در عبری خیلی راحت با یکدیگر اشتباه می‌شوند.

i قرائت عبری: «اجساد»: ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی. کلمات «اجساد» و «جامه‌ها» در عبری به راحتی با یکدیگر اشتباه می‌شوند.

j آیات ۳۱-۳۳ حاوی نگاهی اجمالی است بر سلطنت یهوشافاط که از ۱-۲۲:۴۱-۴۴ به عاریت گرفته شده است.
k یهوشافاط از ۸۷۰ تا ۸۴۶ ق.م. سلطنت کرد.

l طبق ۱-۲۲:۴۴، دنباله جمله پیشین چنین است: «قوم هنوز در مکان‌های بلند قربانی می‌کردند و بخور می‌سوزاندند»: اما این جمله در نظر نگارنده «تواریخ» بیش از حد منفی جلوه کرده، لذا آن را با جمله‌ای خوشایندتر جایگزین ساخته است. سپس منبع خود را مشخص می‌کند. و در آخر، با اشاره به عملیات دریایی نافرجام یهوشافاط که از ۱-۲۲:۴۹-۵۰ به عاریت گرفته شده، خاطر نشان می‌سازد که وقتی شخص با بی‌دینان متحد می‌شود، کامیاب نمی‌گردد.

سلطنت یهورام

او^۲ شش برادر داشت، پسران یهوشافاط: عَزْرِيَا، يَحْيَيْئِيل، زَكْرِيَاهُو، عَزْرِيَاهُو، ميكَائِيل و شَفْطِيَاهُو؛ همه اينان پسران یهوشافاط، پادشاه اسرائيل^۲ بودند.^۳ پدر ایشان بخششهای مهمی از نقره و طلا و اشیاء قیمتی به ایشان کرده بود، با شهرهای مستحکم در یهودا؛ اما سلطنت را به یهورام داده بود، چرا که او پسر ارشد بود.^۴ یهورام به مجرد اینکه سلطنت پدرش را صاحب شد و استوار گردید، همه برادران خود را با شمشیر به قتل رساند، و نیز چند تن از رؤسای اسرائيل را.

*

یهورام^۵ به وقت جلوس بر تخت، سی و ۲-۸۱:۱۷-۲۲ دو سال داشت، و هشت سال در اورشلیم سلطنت کرد.^۶ او راه پادشاهان اسرائيل را دنبال کرد، مطابق آنچه که خاندان اخاب کرده بود - زیرا یکی از دختران اخاب زن او بود - و آنچه را که در نظر یهوه بد است به عمل آورد.^۷ اما یهوه نخواست خاندان

^{۳۴} بقیه اعمال یهوشافاط، از نخستین تا به واپسین، اینک در اعمال یهوه پسر حنانی نوشته شده که بر کتاب پادشاهان اسرائيل انتقال یافته است.

^{۳۵} پس از این، یهوشافاط، پادشاه یهودا، با اَحْزَرِيَا، پادشاه اسرائيل که رفتارش بد بود، متحد گردید.^{۳۶} او با وی متحد شد تا کشتیهایی بسازند که به ترشیش بروند، و ایشان کشتیهایی در عصیون-جابر ساختند.^m اما العازار پسر دودا و او اهل مریشه، به این مضمون بر علیه یهوشافاط نبوت کرد: «از آنجا که با اَحْزَرِيَا متحد شدی، یهوه در کارهایت رخنه ای ساخته است.ⁿ» کشتیها خرد شدند و نتوانستند به ترشیش بروند.

*

۱-۲۲:۵۱ **۲۱** یهوشافاط^۱ با پدران خود خوابید و با پدران خود در شهر داود دفن شد. پسرش یهورام^p بر جایش سلطنت کرد.

*

m معمولاً ترشیش را منطقه ای در اسپانیا یا آفریقای شمالی می پندارند؛ عصیون-جابر نیز در خلیج عقبه واقع است، در دریای سرخ؛ از این رو، این آیه مشکل ساز می باشد. چند احتمال را می توان در نظر گرفت: یا این اشارات نادرست می باشند؛ یا اینکه متن فاقد قطعیت است؛ و یا اینکه نگارنده اصطلاحی متداول را به کار برده که در زمینه دریانوردی در مسیرهای طولانی مورد استفاده قرار داشته اند.

n اگر آن گونه که به نظر می رسد، این وحی پیش از حرکت کشتیها بیان شده باشد، فعل جمله به «ماضی نبوتی» است، یعنی امری که قرار است در آینده رخ دهد، همچون رویدادی در گذشته مورد اشاره قرار می گیرد تا نشان داده شود که تصمیم خدا قبلاً اتخاذ شده و به شکلی قطعی به موقع اجرا در خواهد آمد. ر.ک. ۲۰/۲۴

o این تذکر پایانی از ۱-۲۲:۵۱ رونویسی شده است.

p در همین دوره، پادشاه سامره نیز یهورام نام داشت. احتیاط لازم به کار رفته تا او با یهورام، پادشاه یهودا، اشتباه گرفته نشود.

q آیات ۲-۴ تذکرات خاص نگارنده «تواریخ» است که نشان می دهد یهورام سلطنت خود را در چه شرایط جنایت آمیزی آغاز می کند.

r در اینجا عنوان «اسرائیل» در معنای مورد نظر نگارنده «تواریخ» به کار رفته و اشاره دارد به مملکت جنوبی (یگانه مملکتی که به خدا وفادار بود) که به طور خاص متشکل از قبیله یهودا بود.

s آیات ۵-۱۰ مطابق است با ۲-۱۷:۸-۲۲ نگارنده «تواریخ» اشاره کوتاه کتاب پادشاهان به یهورام را به عاریت می گیرد که هم به بی دینی پادشاه اشاره می کند و هم به عدم توفیق سیاسی او.

t از ۸۴۸ تا ۸۴۱ ق.م.

را به روسپیگری وا داشت، و یهودا را گمراه کرد. ^۲ آنگاه نوشته‌ای از ایلیای نبی^z به او رسید که می‌گفت: «چنین سخن می‌گوید یهوه، خدای پدرت داود: از آنجا که راههای پدرت یهوشافاط و راههای آسا، پادشاه یهودا را دنبال نکردی، ^۳ بلکه راه پادشاهان اسرائیل را دنبال کردی، از آنجا که یهودا و ساکنان اورشلیم را به روسپی‌گری وا داشتی، آن سان که خاندان برادرانت را کشتی - خاندان پدرت را! - که از تو بهتر بودند، ^۴ اینک یهوه قومت، پسرانت، زنان، و همه اموال را با مصیبتی عظیم خواهد زد؛ ^۵ و تو خودت به بیماریهای سخت مبتلا خواهی شد، به درد احشاء، آن سان که در اثر این درد، احتشایت پس از مدتی^a بیرون خواهد آمد.» ^۶ یهوه روح^b فلسطینیان و اعراب همجوار

داود را از میان ببرد^u، به سبب عهدی که با داود بسته بود، و مطابق آنچه که وعده داده بود، یعنی اینکه در همه ایام، چراغی^v به او بدهد، و نیز به پسرانش. ^۸ در ایام او، ادوم خود را از سیطره یهودا آزاد ساخت و برای خود پادشاهی تعیین کرد. ^۹ یهورام با بزرگان و همه ارا به‌ها خود [از مرز] عبور کرد. و چون شب‌هنگام بر خاست، ادومیانی را که او را احاطه کرده بودند، و نیز فرماندهان ارا به‌ها را^w، شکست داد. ^{۱۰} بدینسان، ادوم تا به امروز خود را از سیطره یهودا آزاد ساخت^x. آن هنگام بود که لبنه خود را از سیطره او رهایی داد، در آن زمان،

*

زیرا که لا^y او یهوه، خدای پدرانش را ترک کرده بود. ^{۱۱} او حتی مکان‌های بلند در شهرهای یهودا ساخت؛ ساکنان اورشلیم

u نگارنده «تواریخ» به منظور گنجاندن مقوله عهد در این بخش، جمله مذکور در ۲-۱۹:۸ پاد را ویرایش می‌کند که می‌گوید: «اما یهوه نخواست که یهودا را از میان ببرد، به سبب داود، خدمتگزار خود.»

v متن ۲-پاد ۸:۱۹ که با امانت به دست نگارنده «تواریخ» رونویسی شده، به ۱-پاد ۳۶:۱۱ و ۴:۱۵ اشاره می‌کند. احتمالاً منظور «چراغ» در معنای امروزی کلمه نیست، بلکه بیشتر به آتش زیر خاکستر اشاره دارد، مانند آنچه در ۲-سمو ۷:۱۴ آمده است. در هر صورت، این تصویر دلالت دارد بر آتشی که در طول ایام روشن می‌ماند و هیچگاه خاموشی نمی‌پذیرد (ر.ک. امت ۹:۱۳).

w از این متن نمی‌توان به روشنی مشخص کرد که منظور فرماندهان ارا به‌های یهورام است، یا فرماندهان ادومیان. **x** از این اشارات می‌توان نتیجه گرفت که یهورام احتمالاً توانسته تهاجم دشمن را خنثی سازد، اما موفق نشده ایشان را واقعاً شکست دهد و قلمروشان را مجدداً به تصرف در آورد.

y در ۲۱:۱۱ تا ۲۲:۱، نگارنده «تواریخ» بر بی‌دینی پادشاه تأکید می‌گذارد و سندی را در آن می‌گنجاند که عقوبت‌های عبرت‌آمیز این بی‌دینی را شرح می‌دهد، یعنی شکست فاجعه‌آمیز نظامی و بیماری هولناک او را.

z بر اساس ۲-پاد ۳:۱۱، ایلیا پیش از مرگ یهوشافاط و قبل از آغاز سلطنت پسرش یهورام در گذشته بود. شاید در اینجا نسخه بردار مرتکب اشتباهی شده و به جای «الیشع» نام «ایلیا» را نوشته باشد. شاید هم منظور این بوده که این نامه بدون اینکه به دست خود ایلیا نوشته شده باشد، با الهام از روح او به نگارش در آمده و از سوی او فرستاده شده است.

a (بر اساس توضیح اوستی =) معنی عبارت «پس از مدتی» که به همین شکل در آیه ۱۹ تکرار شده، چندان مشخص نیست؛ معنی تحت‌اللفظی آن می‌توان چنین باشد: از ایامی به ایامی؛ روز به روز؛ در طول ایامی بسیار؛ بعد از روزهای بسیار. (بر اساس توضیح توب =) یکی از ترجمه‌های کهن لاتین و ترجمه سریانی (نه به طور کامل)، متن طولانی‌تری دارند که چنین قرائت می‌کند: «و روز به روز، به گونه‌ای هولناک شکنجه خواهی شد، تا زمانی که از پا در آیی».

b منظور احتمالاً روح استقلال‌طلبی، یا حسادت، یا رقابت است.

سلطنت اُخْزیا

۲۲^ا ساکنان اورشلیم، اُخْزیا،
جوانترین پسر او را بر جایش
پادشاه ساختند، زیرا دسته‌ای که با اعراب
به اردوگاه نفوذ کرده بودند، همه پسران
ارشد را کشته بودند.

*

اینچنین^f بود که اُخْزیا پسر یهورام
پادشاه شد. اُخْزیا به وقت آغاز سلطنت،
بیست و دو ساله^g بود، و یک سال در
اورشلیم سلطنت کرد^h. مادرش عَتلیا نام
داشت؛ [او] دختر عُمَری [بود].^۳ او نیز
راههای خاندان اخاب را دنبال کرد، چرا
که^۱ مادرش مشاور بد او بود. او آنچه را
که در نظر یهوه بد است به عمل آورد،
مانند افراد خاندان اخاب؛ زیرا^۲ پس از
مرگ پدرش، ایشان برای هلاکتش،
مشاوران او بودند.^۵ حتی بر اساس مشورت
ایشان بود که وی به راه افتاد و با یهورام

کوشیان^c را بر علیه یهورام برانگیخت.
ایشان بر علیه یهودا برآمدند و به آنجا
هجوم آوردند و همه اموالی را که در خانه
پادشاه یافت می شد غارت کردند، و نیز
پسران و زنان را؛ برای او جز اُخْزیا^۱،
جوانترین پسرش، پسر دیگری باقی نماند.
پس از تمام اینها، یهوه احشای او را با
دردی لاعلاج زد.^{۱۹} باری، پس از مدتی و
آن هنگام که دوره دو ساله منقضی شد،
احشایش در اثر دردش بیرون آمد، و او در
دردهایی جانکاه مرد. و قومش برای او
آتش درست نکردند آن گونه که برای
پدرانش درست کرده بودند.^{۲۰} او^d
به هنگام جلوس بر تخت، سی و دو ساله
بود، و هشت سال در اورشلیم سلطنت کرد.
او رفت بی آنکه ندامتی بر جای بگذارد، و
او را در شهر داود دفن کردند، اما نه در
گورستان پادشاهان.

c کلمه «همجوار» می تواند «تحت فرمان» نیز معنی دهد. کوشیان معمولاً اهالی نوب هستند، اما این اصطلاح بر برخی قبایل
بدوی نیز دلالت دارد (ر.ک. ۸:۱۴ و توضیح آن).

۱ (بر اساس توضیح اوستی=) این نام در متن عبری، «یهواآخاز» ثبت شده؛ ترجمه ما مبتنی است بر نسخ یونانی و سریانی و
تارگوم. این دو اسم (یعنی اُخْزیا و یهواآخاز) دو شکل مختلف از نامی واحد هستند، به معنی «یهوه در دست دارد.»

d نگارنده «تواریخ» این بار ارجاع به روایات کامل تر را از قلم انداخته است.

e همان گونه که در توضیح ۱۷:۲۱ آمده، این شخص در متن عبری آن آیه، «یهواآخاز» نامیده شده، اما معنی هر دو نام، «یهوه در
دست دارد» می باشد، زیرا فاعل «یهوه» که به صورت «یهوه» مخفف شده، می تواند پیش یا پس از فاعل قرار گیرد. شخص
دیگری به همین نام، اندک زمانی پیش از این، در سامره پادشاه بود (ر.ک. ۲-۲۰: ۳۵-۳۷)، و باز شخص دیگری با
همین نام، مدتی بعد در آنجا سلطنت خواهد کرد (ر.ک. ۲-۲۰: ۲۵-۱۷).

f ۲-توا ۲۲: ۶-b۱ مطابق است با ۲-پاد ۸: ۲۶-۲۹ این روایت که مربوط می شود به بی دینی و سازشکاریهای اُخْزیا، کاملاً با
سلیقه نگارنده «تواریخ» سازگار است. او حتی تکرراتی شخصی در وصف این پادشاه ارائه می دهد تا عقوبتی را که بر وی
وارد خواهد آمد، بهتر توجیه کند.

g (بر اساس توضیح اوستی=) قرائت عبری: «چهل و دو سال»: قرائت یونانی: «بیست سال»: ترجمه ما مبتنی است بر قرائت
سریانی و ۲-پاد ۸: ۲۶

h اُخْزیا در سال ۸۴۱ ق.م. سلطنت کرد.

i توضیحی که در پی می آید و در ۲-پاد ۸: ۲۷ نیز نیامده، به طور خاص بازتاب اندیشه نگارنده «تواریخ» است.

j این توضیح جدیدی است که نگارنده «تواریخ» در متن گنجینه شده است.

حق خاندان اخاب را می داد، بزرگان یهودا و پسران برادران^۹ اُخْزِیا را که در خدمت اُخْزِیا بودند یافت و ایشان را کشت؛^۹ سپس شروع به جستجوی اُخْزِیا کرد. او را گرفتند آن هنگام که خود را در سامره پنهان می ساخت^۱، و او را نزد ییهو آوردند و وی او را به قتل رسانید. او را دفن کردند، چرا که می گفتند: «این پسر^۹ یهوشافاط است که یهوه را با تمام دل خود طلبید!» و کسی از خاندان اُخْزِیا نبود که برای سلطنت کردن به اندازه کافی نیرومند باشد.

عتلیای غاصب و تاجگذاری یوآش

۱۰^۱ عتلیا^۱ مادر اُخْزِیا چون دید که پسرش ۲-۱۱ یا ۱-۳ مرده است، اقدام به قلع و قمع^{۱۱} تمام اعقاب سلطنتی در خاندان یهودا کرد. اما

پسر اخاب، پادشاه اسرائیل، رفت تا با حزائیل، پادشاه آرام، در راموت جلعاد بجنگد؛ اما ارامیان^k یهورام را مجروح ساختند. او به یزرعیل بازگشت تا زخمهایی^l را که در ران^m بر او وارد آورده بودند، آن هنگام که با حزائیل، پادشاه آرام می جنگید، درمان کند. اُخْزِیاⁿ پسر یهورام، پادشاه یهودا، برای عیادت یهورام پسر اخاب، به یزرعیل فرود آمد، چرا که وی دردمند بود.

*

این^o از جانب خدا بود که اُخْزِیا برای هلاکتش^p، نزد یهورام رفت. او به مجرد رسیدنش، با یهورام بسوی ییهو پسر نمشی که یهوه مسح کرده بود تا خاندان اخاب را از میان ببرد، بیرون رفت. ا^۸ پس چون ییهو

K قرائت یونانی: «کمانداران»؛ اما در ۲-۲۸:۸ نیز «ارامیان» آمده است که بسیار محتمل تر به نظر می رسد. این تفاوت در قرائت ها ممکن است در اثر اشتباه میان دو حرف در این کلمه پدید آمده باشد که وارد سندی شده بوده که مورد رونویسی نگارنده «تواریخ» قرار گرفته است.

l اکثر نسخ خطی عبری چنین ثبت کرده اند: «(زیرا زخمهای...)»؛ اما چند نسخه خطی و نیز ترجمه های یونانی و سریانی با ۲-۲۸:۸ اتفاق نظر دارند و ما نیز در ترجمه خود، آنها را مد نظر قرار داده ایم.

m «ران» (به معنی «ارتفاع»)، شکل مفرد «راموت» است. به این شهر می شد با هر دو شکل این نام اشاره کرد. n در اکثر نسخ خطی عبری، «اُخْزِیا» به صورت «عزْریا» ثبت شده است، اما بر اساس ترجمه های قدیمی می توان این اشتباه نسخه برداری را اصلاح کرد.

o در آیات ۷-۹، نگارنده «تواریخ» روایت موجود در ۲-۲۸:۹ تا ۳۶:۱۰ را که بیشتر مربوط به پادشاه سامره می شود تا به پادشاه اورشلیم، نادیده گرفته و آن را با تذکری کوتاه در خصوص اُخْزِیا جایگزین ساخته است.

p این مفهوم تقریبی کلمه عبری است.

q در متن یونانی، به جای «پسران برادران»، آمده: «برادران» در ۲-۲۸:۱۰-۱۴ نیز از «برادران» اُخْزِیا سخن به میان آمده و تصریح شده که تعداد آنان «چهل و دو تن» بود. برای درک این متون، باید توجه داشت که در مشرق زمین باستان، کلمه «برادر» بر پسرعموها نیز دلالت داشت؛ لذا این افراد اعضای خانواده سلطنتی بودند. در ضمن، نباید فراموش کرد که برادران واقعی اُخْزِیا همگی به قتل رسیده بودند و فرزندان ایشان نمی توانستند در این زمان در خدمت پادشاه بوده باشند، چرا که در این صورت، پدر بزرگ ایشان در این هنگام چهل و یک ساله می بود!

r در ۲-۲۸:۹-۲۷:۲۸، مرگ اُخْزِیا به شکلی متفاوت بازگو شده است.

s این کودک در واقع پسر یهورام و نوه یهوشافاط بوده است.

t متن مذکور در ۲۲:۱۰ تا ۲۳:۱ مطابق است با ۲-۲۸:۱۱-۴۱:۱ نگارنده «تواریخ» روایت «پادشاهان» را رونویسی کرده که در آن بازگو شده که چگونه یوآش طبق مشیت الهی از قتل عامی که مادر بزرگش عتلیا ترتیب داده بود، جان سالم به در برده است.

u تحت اللفظی: «بر خاست و سخن گفت»؛ اما فعل «سخن گفتن» ناشی شده از تعبیری در اکثر نسخ خطی عبری، زیرا تمام ترجمه های قدیمی ۲-۲۸:۱۱ متفق القول اند و این فعل را «قلع و قمع کردن یا هلاک کردن» ثبت کرده اند.

سلطنت کند، مطابق آنچه که یهوه در باره پسران داود فرموده بود. ^۴ این است آنچه که خواهید کرد: یک سوم از میان شما، محافظان بالارونده سبت، کاهنان و لایوان^۸، در بانان آستانه ها را تأمین خواهید کرد؛ ^۵ یک سوم در خانه پادشاه خواهید بود، و یک سوم بر دروازه صینیادش، و جمیع قوم در صحن های خانه یهوه. ^۶ هیچ کس وارد خانه یهوه نشود، مگر کاهنان و لایوان خدمتگزار؛ ایشان خواهند توانست وارد شوند، زیرا تقدیس شده می باشند؛ و جمیع قوم فریضه یهوه را رعایت خواهند کرد. ^۷ لایوان سلاح در دست، دور پادشاه حلقه خواهند زد، و هر کس که بخواهد به خانه نفوذ کند، به قتل خواهد رسید. و در رفت و آمدهای پادشاه نزد او باشید.» ^۸ لایوان و همه یهوداییان مطابق هر آنچه که یهویاداع کاهن امر کرده بود، به عمل آوردند. ^۹ ایشان هر یک مردان خود را بر داشتند، محافظان بالارونده روز سبت با محافظان فرودآینده روز سبت را، زیرا یهویاداع کاهن هیچیک از طبقات را معاف نساخته بود. ^{۱۰} یهویاداع کاهن نیزه ها، سپرهای کوچک، و سپرهای ^{۱۱} داود پادشاه

یهوشبعه، دختر پادشاه، بواش پسر اُخزیا را گرفت و او را در نهان از میان پسران پادشاه که آنان را به قتل می رسانیدند بر داشت، و او را، او و دایه اش را، در اتاق تختها^۷ جای داد. یهوشبعه، دختر یهورام پادشاه و زن یهویاداع کاهن - وی در واقع خواهر اُخزیا بود - او را از نگاههای عتلیا پنهان ساخت، و وی او را به قتل نرسانید. ^{۱۲} او با [یهوشبعه^W] در خانه خدا ماند، و به مدت شش سال مخفی بود، در آن حال که عتلیا بر سرزمین سلطنت می کرد.^X

۲۳ ^۱ در سال هفتم، یهویاداع خود را دلیر ساخت و رؤسای سده را برداشت:

*

۲-۱۱:۴-۲۰ عزریاهو^۱ پسر یروحام، اسماعیل پسر یهوحنان، عزریاهو پسر عوبید، معسیاهو پسر عداياهو، و الیشافاط پسر زگری را، و با عهدهای ایشان متحد شد. ^۲ ایشان یهودا را دور زدند و لایوان را از تمامی شهرهای یهودا گرد آوردند، و نیز رؤسای [خاندانهای] پدری اسرائیل را، و ایشان به اورشلیم آمدند. ^۳ تمام جماعت عهدهای پادشاه در خانه خدا بستند^Z، و [یهویاداع] به ایشان گفت: «اینک پسر پادشاه؛ او باید

V این اتاق قاعدتاً می بایست در بناهای ضمیمه به معبد قرار داشته باشد که مخصوص کاهنان بود و عمال عتلیا حق ورود به آنها را نداشتند.

W قرائت عبری: «نزد آن زنان»، یعنی احتمالاً نزد یهوشبعه و دایه اش.

X از ۸۴۱ تا ۸۳۵ ق.م..

Y در ۲۳: b۱ تا ۲۴:۲، بی آنکه متن ۲-۱۱: ۴ تا ۳:۱۲ را عیناً رونویسی کند، آن را از نزدیک دنبال می کند و توضیحات مختلفی را که برایش مهم است به آن می افزاید تا چشم اندازی مذهبی تر و ملی تر به آن ببخشد.

Z در ترجمه یونانی، این عبارت در دنباله این جمله آمده: «و پسر پادشاه را به ایشان نشان داد.» این عبارت احتمالاً مربوط به متن اولیه می باشد، اما در قرائت عبری از قلم افتاده است.

a برخی معتقدند که این سه دسته («یک سوم ها») همگی متشکل از کاهنان و لایوان بوده اند، حال آنکه برخی دیگر بر این عقیده اند که تنها دسته اول شامل کاهنان و لایوان بوده است.

b در ۲-۱۱: ۹، فاعل این فعل، «رؤسای سده» هستند.

c منظور انواع مختلف سپر است.

شمشیر کشته شود.» زیرا کاهن گفته بود: «او را در خانه یهوه به قتل نخواهید رسانید.»^{۱۵} دستها را بر او گذاردند، و او از ورودی دروازه «اسبان» به خانه پادشاه رسید؛ در آنجا او را کشتند.^{۱۶} یهویداع عهدی میان یهوه و تمامی قوم و پادشاه بست، و [قوم] متعهد شدند که قوم یهوه باشند.^{۱۷} تمام قوم به خانه بعل رفتند و آن را ویران ساختند؛ قربانگاهها و تمثال‌های آن را خرد کردند. اما متان، کاهن بعل را در مقابل قربانگاهها کشتند.^{۱۸} یهویداع نگهبانان را برای نظارت در خانه یهوه قرار داد، تحت اقتدار کاهنان-لاویانی^h که داود در خانه یهوه تقسیم کرده بود تا قربانی‌های سوختنی یهوه را تقدیم کنند، آن گونه که در شریعت موسی نوشته شده، با شادی و با سرودها، مطابق تصریح (یا: تجویز؟) داود.^{۱۹} او در بانانی بردروازه‌های خانه یهوه مقرر داشت تا کسی که به هر شکلی ناپاک باشد، داخل نگردد.^{۲۰} او^۱ رؤسای سده، اشراف، و آنانی را که بر قوم صاحب اقتدار بودند و همه قوم سرزمین را بر داشت. او پادشاه را از خانه یهوه فرود آورد، و با عبور از «دروازه اعلی»، به خانه پادشاه رسیدند. پادشاه را بر تخت سلطنت نشانند.^{۲۱} تمام قوم سرزمین شادی کردند

را که در خانه خدا بود، به رؤسای سده تحویل داد.^{۱۰} او همه قوم را در جای خود قرار داد، و هر یک زوبین خود را در دست (داشت)، از سمت جنوبی خانه تا سمت شمالی خانه، مقابل قربانگاه و مقابل خانه، به آن شکل که پادشاه را احاطه کنند.^{۱۱} پسر پادشاه را بیرون آوردند و دیهیم و شهادت^e را بر او نهادند.^d او را پادشاه ساختند؛ یهویداع و پسرانش او را مسح کردند، و (مردم) گفتند:^f «زنده باد پادشاه!»

۲-۱۱:۱۳-۲۰ عتلیا با شنیدن فریادهای قوم که می‌دویدند و برای پادشاه هلله سر می‌دادند، بسوی قوم به خانه یهوه آمد.^{۱۳} او نگریست و اینک پادشاه بر پا ایستاده بود، در کنار ستونش، در ورودی، و بزرگان^g و شیپورها نزد پادشاه، و نیز تمام قوم که در شادمانی بودند و شیپورها می‌نواختند، و سراینندگان با آلات موسیقی که هلله‌ها را رهبری می‌کردند. عتلیا جامه‌های خود را پاره کرد و گفت: «خیانت! خیانت!»^{۱۴} یهویداع کاهن دستوره‌های خود را به رؤسای سده که بر دسته مسلح گمارده شده بودند داد؛ به ایشان گفت: «او را از صفوف بیرون ببرید، و اگر کسی او را دنبال کند، با

e ر.ک. توضیح ۲-پا ۱۱:۱۱/۱۲

d قرائت ۲-پا ۱۱:۱۲ منطقی تر است و می‌گوید که یهویداع پسر پادشاه را بیرون آورد و دیهیم را بر سر او گذاشت.

f همچنین می‌توان ترجمه کرد: «فریاد سر دادند.»

g می‌توان «سراینندگان» نیز برداشت کرد.

h چندین نسخه خطی عبری و ترجمه‌های قدیمی آورده‌اند: «کاهنان و لاویان.» بعد از این جمله، قرائت یونانی این عبارت را اضافه کرده است: «و طبقات کاهنان و لاویان را مجدداً برقرار نمود.» این عبارت احتمالاً جزو متن اولیه بوده، اما در قرائت عبری از قلم افتاده است.

i نگارنده «تواریخ» پس از ارائه این تذکر در خصوص اصلاحات عبادی، که به واسطه آن، داده‌های ۲-پا ۱۱:۱۷-۱۸ را تکمیل می‌کند، به روایت تاجگذاری یوآش باز می‌گردد.

و شهر آرام گرفت. اما عتلیا را با شمشیر کشته بودند.

سلطنت یوآش

۲۴ ۱ یوآش به هنگام جلوس بر تخت، ۳-۱:۱۲ پا-۲

هفت ساله بود، و چهل سال در اورشلیم سلطنت کرد. مادرش ظبیه نام داشت؛ [وی] از بشرع [بود]. ۲ یوآش در تمامی ایام یهویداع کاهن، آنچه را که در نظر یهوه درست بود به عمل آورد.

*

۳ یهویداع^k دو زن را به ازدواج او در آورد،^۱ و او از ایشان پسران و دختران یافت.

۴ باری، پس از این، یوآش برآن شد تا خانه یهوه را مرمت کند.^۵ او کاهنان و لایویان را گرد آورد و به ایشان گفت: «بسوی شهرهای یهودا بروید و از تمام اسرائیل، نقره برای تعمیر خانه خدایتان جمع آوری کنید، سال به سال، و شما در

این امر تعجیل نمایید (یا: این امر را جلو بیندازید؟)». اما لایویان تعجیل نکردند. ۶ پادشاه یهویداع رئیس^m را فرا خواند و به او گفت: «به چه سبب از لایویان مطالبه نکردی که دینی را که موسی، خدمتگزار یهوه، و جماعت اسرائیلⁿ برای خیمه شهادت مقرر داشتند، از یهودا و اورشلیم بیاورند؟ ۷ عتلیا، آن تجسم بی دینی، و پسرانش^o به واقع خانه خدا را وا گذاشتند تا آسیب ببینند؛ حتی تمام چیزهای تقدیس شده خانه یهوه را به بعل‌ها اختصاص دادند.»

۸ پادشاه دستور داد تا صندوقی بسازند؛ آن را در دروازه خانه یهوه، در بیرون قرار دادند. ۹ در یهودا و اورشلیم خبر دادند که باید دینی را که موسی، خدمتگزار خدا، در بیابان، بر اسرائیل [مقرر داشته بود] P بیاورند. ۱۰ تمام بزرگان و همه قوم شادی کردند؛ ۹ ایشان [دین] را آوردند و آن را در صندوق ریختند تا اینکه فارغ شدند.

ژ از ۸۳۵ تا ۷۹۶ ق.م.

k در ۲-توا ۳:۲۴-۱۴، مرمت معبد شرح داده شده؛ این امر در ۲-پاد ۱۲:۵-۱۳ نیز توصیف شده، اما این دو روایت نکات مشترک اندکی دارند. روایت «تواریخ» بی توجهی روحانیون را کم اهمیت جلوه می دهد و بیشتر می کوشد عملیات مرمت را برجسته سازد.

l داود و سلیمان و سایر پادشاهان حرمسراهایی واقعی داشتند، اما یهویداع در اینجا حکم مذکور در تث ۱۷:۷ را دقیقاً به موقع اجرا در می آورد که می فرماید: «(پادشاه) زنان بسیار نداشته باشد.»

m متن اولیه احتمالاً قرائت می کرده: «کاهن اعظم.»

n این اشاره ای است به خروج ۳۰:۱۲-۱۶ متن اولیه احتمالاً چنین قرائت می کرده: «... مالیات موسی... بر جماعت اسرائیل برای خیمه شهادت.»

o قرائت عبری: «پسران عتلیا»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی. اما چنین ترجمه ای نیز رضایت بخش نیست، زیرا همه پسران عتلیا به هنگام هجوم اعراب، یعنی زمانی که نوجوانانی بیش نبودند (۱۷:۲۱)، کشته شده بودند، و تنها پسری که جان سالم به در برده بود، آخزیا بود که او نیز یک سال بیشتر سلطنت نکرد (۲:۲۲). شاید لازم باشد متن را اصلاح کرده، قرائت کنیم: «عتلیا و پسرش»، یا حتی: «عتلیا، شروترین زن در میان زنان.»

p این اشاره ای است به خروج ۳۰:۱۲-۱۶ این همان مالیات «دو درهم» یا نیم مثقالی است که در مت ۲۴:۱۷-۲۷ مورد اشاره قرار گرفته است.

q این شادی در اثر پرداخت «دین» مشکوک به نظر می رسد، زیرا لایویان قبلاً به خاطر عدم محبوبیت آن، از انجام وظیفه خود شانه خالی کرده بودند. قرائت یونانی واقع بینانه تر بوده، احتمالاً با متن اولیه سازگارتر است و می گوید: «همه دادند.»

^{۱۵} یهویداع^۲ سالخورده شد؛ او از ایام سیر گردید و در گذشت. او به هنگام مرگ صد و سی ساله بود. ^{۱۶} او را در شهر داود با پادشاهان دفن کردند، زیرا در اسرائیل^۸ نیکی کرده بود، و در حق خدا و خانه اش. ^{۱۷} پس از درگذشت یهویداع، بزرگان یهودا آمده، در مقابل پادشاه سجده کردند؛ آنگاه پادشاه به ایشان گوش گرفت. ^{۱۸} ایشان خانه یهو، خدای پدرانشان را رها ساختند و تیرهای چوبی مقدس و بتها را خدمت کردند. «غضب» بر علیه یهودا و اورشلیم وارد آمد، به سبب مجرمیت ایشان. ^{۱۹} یهو، در میان ایشان انبیایی گسیل داشت تا ایشان را بسوی یهو باز گردانند؛ ایشان بر علیه آنان شهادت دادند؛ اما آنان گوش نسپاردند. ^{۲۰} آنگاه روح خدا زکریا پسر یهویداع کاهن را پوشانید^{۱۱}. او بر بالای قوم قرار گرفت و به ایشان گفت: «چنین سخن می گوید خدا: به چه سبب از احکام یهو تجاوز می کنید، آن سان که کامیاب نشوید؟ از آنجا که یهو را ترک کرده اید، او شما را ترک می کند^۷». ^{۲۱} ایشان بر علیه او دسیسه چیدند و او را به دستور پادشاه، در صحن خانه یهو سنگسار کردند. ^{۲۲} یوآش پادشاه وفاداری ای را که یهویداع، پدر [زکریا] در حق او نشان داده بود به یاد نمی آورد، و

^{۱۱} باری، هر بار که صندوق توسط لاویان برای بازرسان پادشاه آورده می شد، اگر می دیدند که در آن نقره بسیار هست، دبیر پادشاه با مباشر کاهن رئیس می آمد؛ ایشان صندوق را خالی می کردند، سپس آن را می بردند و در جایش قرار می دادند. روز به روز همین کار را انجام می دادند، و نقره به فراوانی جمع کردند. ^{۱۲} پادشاه و یهویداع آن را به آنانی می دادند که کارها را برای خدمت خانه یهو اجرا می کردند. اینان سنگ تراشان و نجاران را برای مرمت خانه یهو به کار می گماردند، و نیز کارگران آهن (یا: آهنگران؟) و مفرغ (یا: مفرغ کاران) را برای تعمیر خانه یهو. ^{۱۳} آنانی که کارها را اجرا می کردند دست به کار شدند، و کار تعمیرات در میان دستان ایشان پیشرفت کرد؛ ایشان خانه خدا را به حالت پیشین خود در آوردند و آن را مستحکم ساختند. ^{۱۴} چون فارغ شدند، بقیه نقره را به حضور پادشاه و یهویداع آوردند. از آنها اشیائی برای خانه یهو درست کردند: اشیائی برای خدمت و برای قربانی های سوختنی، جامها، اشیاء طلا و نقره. و در طول تمامی روزهای یهویداع، در خانه یهو پیوسته قربانی های سوختنی تقدیم می کردند.

*

^۲ در خصوص ناسیاسی و بی دینی یوآش که در آیات ۱۵-۲۲ شرح داده شده، باید توجه داشت که «پادشاهان» در این باره سکوت اختیار کرده است. اما نگارنده «تواریخ» در بازگو کردن آنها تردیدی به خود را نمی دهد تا از این راه، تیره روزیهای اواخر سلطنت او را توجیه کند.

^۸ قرائت یونانی: «در حق اسرائیل»، که شاید قرائت بهتری باشد.

^{۱۱} ترجمه های یونانی و سریانی پس از این عبارت چنین آورده اند: «اما ایشان به آنان گوش نگرفتند.» این عبارت احتمالاً جزو متن اولیه بوده است.

^{۱۱} یعنی «فرا گرفت.»

^۷ زمان این فعل نمونه دیگری است از «ماضی نبوتی»: ر.ک. توضیح ۲۰:۳۷

مرد. او را در شهر داود دفن کردند، اما او را در گورستان پادشاهان دفن نکردند.^z

^{۲۶} اینها هستند کسانی که بر علیه او توطئه کردند: زاباد^a پسر شمععه عمّونی، و یهو زاباد پسر شمیریت، زنی موآبی^b.

^{۲۷} اما پسرانش^c، وحی های^d بسیاری که بر علیه او بیان شد، و بنیان خانه خدا، اینک این بر میدراش^e کتاب پادشاهان نوشته شده است.

*

پسرش^f امصیا بر جایش سلطنت کرد. ۲-یا ۱۲:۲۲

*

سلطنت امصیا

^{۲۵} ۱-امصیا^g در سن بیست و پنج ۲-یا ۱۴:۶-۲ سالگی پادشاه شد و بیست و نه سال در اورشلیم سلطنت کرد^h. مادرش یهو عدان نام داشت؛ [وی] از اورشلیم

پسرش را می کشت! وی در حال جان سپردن گفت: «بادا که یهو به بیند و حساب بخواهد!»

*

^{۲۳} باری^w، در گردش سال^x، لشکر آرامی بر علیه او بر آمد و وارد یهودا و اورشلیم شد. ایشان از میان جمعیت، همه بزرگان قوم را قلع و قمع کردند و تمام غنائم خود را (یا: تمام غنائم ایشان را؟) برای پادشاه دمشق فرستادند. ^{۲۴} با اینکه لشکر آرامیان با نفرات اندکی آمده بود، یهو لشکر بسیار کثیر را به دستان آن سپرد، زیرا که یهو، خدای پدرانشان را ترک کرده بودند؛ و [آرامیان] بر یوآش مجازات ها وارد ساختند. ^{۲۵} چون او را ترک کردند و او را در دردهای عظیم وا گذاشتند، خدمتگزارانش، به سبب خون پسر^y یهو یاداع کاهن، بر علیه او توطئه کردند؛ ایشان او را بر بسترش کشتند و او

w در آیات ۲۳-۲۶ به تهاجم سوریه و قتل یوآش اشاره شده؛ در ۲-پاد ۱۲:۱۸-۲۲ نیز این رویداد نقل شده، اما این دو روایت به یکدیگر وابسته نیستند. روایت «تواریخ» بر شدید بودن عقوبت تأکید بیشتری گذاشته است.

x یعنی فروردین ماه ایرانی و آغاز سال که به خاتمه فصل باران و آغاز فصل خشک اشاره می کند، فصلی که برای لشکرکشی مناسب است (ر.ک. ۲-سمو ۱۱:۱).

y در متن عبری و ترجمه سریانی آمده «پسران»؛ ما بر اساس ترجمه یونانی و مضمون متن (۲۲:۲۴)، آن را در وجه مفرد قرائت کرده ایم.

z این توضیح به این منظور ذکر شده تا مشخص شود که سرنوشت پادشاه چه تفاوت آشکاری با سرنوشت یهو یاداع داشته است (ر.ک. ۱۶:۲۴).

a این نام در عبری، «یوزاباد»، یا بر اساس برخی از نسخ خطی عبری، «یوزاکار» ذکر شده است (ر.ک. ۲-پاد ۱۲:۲۲).

b نگارنده از روی فصد نام مادر این توطئه گر را ذکر می کند تا نشان دهد که هر دو، حاصل وصلت با زنی بیگانه می باشند.

c نگارنده در ارجاع به منابع کتاب شناختی، از فرمول های همیشگی استفاده نکرده است.

d در عبری، کلمه «وحی» می تواند به معنی «مالیات» نیز باشد. به همین دلیل برخی این عبارت را به معنی خراجی که پادشاه دمشق بر او وضع کرد می گیرند، و برخی دیگر به معنی خراجی که او به عنوان هدایای معبد جمع آوری کرد.

e ر.ک. ۲۲:۱۳ و توضیح آن.

f این جمله از ۲-پاد ۱۲:۲۲ به عاریت گرفته شده است.

g آیات ۱-۴ از روی ۲-پاد ۱۴:۶-۲ رونویسی شده است. نگارنده «تواریخ» احتمالاً شاد بود که می تواند در این متن، کاربرد احکام کتاب تتنیه را نشان دهد. اما در عوض، اشارات مربوط به رسوم بت پرستی را که در ۲-پاد ۱۴:۴ ذکر شده، حذف کرده است.

h از ۸۱۱ تا ۷۸۲ ق.م.

[بود].^۲ او آنچه را که در نظر یهوه درست است انجام داد، اما نه با دلی یکپارچه. ^۳ پس چون سلطنتش استوار گردید^۱، آن افراد از خدمتگزاران خود را که پدرش پادشاه را زده بودند کشت. ^۴ اما پسران ایشان را به قتل نرسانید، آن گونه^۱ که در شریعت، در کتاب موسی نوشته شده است: که در آن، یهوه این حکم را داده است: «پدران برای پسران نخواهند مرد، و پسران برای پدران نخواهند مرد، زیرا که هر کس به سبب گناه خودش خواهد مرد.»

*

^۵ امصیا^k یهوداییان را گرد آورد و ایشان را بر حسب خاندانهای پدری با رؤسای هزاره و رؤسای سده تشکل بخشید، برای تمام یهودا و بنیامین^۱؛ ایشان را از سن بیست ساله به بالا سرشماری کرد: از ایشان سیصد هزار مرد نخبه، قابل برای جنگیدن^m یافت که سرنیزه و سپر حمل می کردند. ^۶ او صد هزار جنگاور دلیر از اسرائیل در مقابل صد وزنه نقره اجیر کرد. ^۷ اما مرد خداییⁿ نزد او آمد و گفت: «ای پادشاه، لشکری از اسرائیل با تو نیاید،

زیرا یهوه با اسرائیل، با همه [این] بنی افرایم، نیست! ^۸ چنانچه بیاید، تو هر چقدر خود را در جنگ شجاع نشان دهی^o، خدا تو را در مقابل دشمن خواهد لغزانید، زیرا قدرت امداد و لغزانیدن در خدا است.» ^۹ امصیا به مرد خدا گفت: «با این صد وزنه نقره که به سپاه اسرائیل داده ام چه باید کرد؟» مرد خدا گفت: «یهوه آنقدر دارد که بس بیشتر به تو بدهد!» ^{۱۰} امصیا سپاهی را که از افرایم آمده بود کنار گذاشت تا به جای خود باز گردد. خشم این افراد سخت بر علیه یهودا برافروخته شد، و ایشان به جای خود باز گشتند، بر افروخته از خشم.

^{۱۱} امصیا خود را شجاع ساخت و قوم خود را برد و به دره «نمک» رفت و بنی سعیر ^{۲-۱۴:۷} را به تعداد ده هزار (نفر) شکست داد. ^{۱۲} یهوداییان ده هزار زندانی زنده آوردند و ایشان را به قله «صخره» بردند؛ ایشان را از قله «صخره» به زیر انداختند و همگی تکه تکه شدند^p.

^{۱۳} اما افراد سپاهی که امصیا پس فرستاده بود تا مانع از آن شود که با او به

i قرائت یونانی متفق القول با ۲-پاد ۱۴:۵، آورده: «سلطنت در دستش استوار گردید»: متن اولیه احتمالاً به همین شکل بوده است.

j قرائت متن عبری: «زیرا آن گونه...»: اما کلمه «زیرا» در قرائت یونانی و در ۲-پاد ۱۴:۶ ذکر نشده، و احتمالاً جزو متن اولیه نبوده است. این حکم در ت ۲۴:۱۶ آمده است.

k در آیات ۵-۱۷ پیروزی یهودا بر ادومیان شرح داده شده، اما در ۲-پاد ۱۴:۷ تنها به اشاره ای سریع به این رویداد اکتفا شده است. نگارنده «تواریخ» در این پیروزی، دلیل غرور امصیا را مشاهده می کند که او را به روی گردانیدن از خدا و برانگیختن مجازات هایش وا داشت.

l قرائت یونانی: «تمام یهودا و اورشلیم.»

m برخی دیگر ترجمه می کنند: «برای خدمت در لشکر» (ر.ک. اعد ۱:۳، ۴۵؛ و غیره).

n این بخش از سندی به عاریت گرفته شده که در مضمون آن احتمالاً به هویت این مرد خدا اشاره شده بوده است.

o (بر اساس توضیح اوستی =) این ترجمه ای است فرضی از متنی مبهم که به خوبی انتقال نیز نیافته است.

p «بنی سعیر» همان ادومیان هستند. این صخره می تواند همان شهر «پترا» (یعنی «صخره») باشد که پایتخت ادومیان بود: به این ترتیب، این مطلب با مندرجات ۲-پاد ۱۴:۷ سازگار می شود.

*

[قاصدانی]^{۱۴} نزد یوآش پسر بهوآخاز ۲-۱۴:۸-۱۴
 پسر ییهو، پادشاه اسرائیل فرستاد تا [به
 او] بگوید: «بیا^{۱۷} و یکدیگر را رو در رو
 ببینیم!»^{۱۸} یوآش، پادشاه اسرائیل، فرستاد
 تا به امصیا، پادشاه یهودا، بگوید: «خار
 لبنان فرستاد تا به سدر لبنان بگوید:
 دخترت را به پسر من به زنی بده. اما جانور
 وحشی لبنان عبور نمود و خار را لگدمال
 کرد.^{۱۹} تو به خود می‌گویی^{۱۷}: اینک ادوم
 را شکست داده‌ام؛ و دلت تو را بر افراشته
 و خود را جلال می‌دهی. پس در جای خود
 بمان. چرا باید مصیبت را بر انگیزی و
 بیفتی، تو و یهودا با تو؟»^{۲۰} اما امصیا
 گوش فرا نداد؛ این به واقع از خدا می‌آمد
 که می‌خواست ایشان را به [یوآش]
 بسپارد، زیرا خدایان ادوم را طلبیده
 بودند.^{۲۱} آنگاه یوآش، پادشاه اسرائیل بر
 آمد و ایشان یکدیگر را رو در رو دیدند،
 او و امصیا، پادشاه یهودا، در بیت-شمش
 که متعلق به یهودا است.^{۲۲} یهودا در مقابل
 اسرائیل شکست خورد و ایشان هر یک به

جنگ بروند، ایشان در شهرهای یهودا به
 تاخت و تاز پرداختند، از سامره^{۱۹} تا به
 بیت-حورون، و در آنجا سه هزار نفر را
 شکست دادند و غنیمت بزرگی به دست
 آوردند.^{۲۰}
^{۱۴} باری، پس از آنکه امصیا از شکست
 دادن ادومیان بازگشت، خدایان بنی سعیر
 را داخل کرد، آنها را خدایان خود ساخت،
 در مقابل آنها سجده کرد و برای آنها بخور
 سوزانید.^{۱۵} خشم یهوه بر علیه امصیا بر
 افروخته شد و نبی‌ای نزد او فرستاد که به
 او گفت: «به چه سبب خدایان این قوم را
 طلبیدی، خدایانی که نتوانستند قوم خود را
 از دست تو نجات دهند؟»^{۱۶} اما در حینی
 که وی با او سخن می‌گفت، [امصیا] به
 وی گفت: «آیا تو را مشاور پادشاه
 ساخته ایم؟^{۱۸} بس است! چرا باید تو را
 بزنیم؟» نبی باز ایستاد، اما گفت:
 «می‌دانم که خدا بر آن شده تا تو را نابود
 سازد، زیرا که این را انجام دادی و به
 مشورت من گوش نسپاردی.»^{۱۷} امصیا،
 پادشاه یهودا، پس از مشورت کردن^{۲۱}،

q با توجه به اینکه سامره پایتخت مملکت اسرائیل است و متعلق به یهودا نمی‌باشد، این متن ظاهراً نادرست به نظر می‌رسد. اما شاید منظور جنگ و گریزهایی مرزی بوده که از شرق تا غرب را در بر می‌گرفته است. مطابق ۲-توا ۱۳:۴، در واقع شهری وجود داشت نام «صماراییم» که مورد مناقشه هر دو مملکت قرار داشت و در شمال شرقی اورشلیم واقع بود؛ بیت-حورون نیز در حدود بیست کیلومتری شمال غربی اورشلیم قرار داشت. لذا شاید باید «سامره» را در اینجا، همان «صماراییم» دانست. به این ترتیب، پادشاه یهودا به خاطر تسلیم به وسوسه نزدیک شدن به مملکت شمالی، حتی به شکلی جزئی، مجازات می‌شود. s بر حسب نحوه اضافه کردن حروف صدادار، می‌توان «ساخته اند» نیز ترجمه کرد. قرائت یونانی: «ساخته ام.» t نگارنده «تواریخ» پیش از آنکه به رونویسی سندی دیگر بپردازد، مایل است کلمه «مشورت» را برای بار چهارم در کتاب خود به کار ببرد.

u آیات b۱۷-۲۴ رونویسی ۲-پاد ۱۴:۸-۱۴ می‌باشد. نگارنده «تواریخ» این بخش را حفظ کرده، زیرا نشان می‌دهد که چگونه امصیا به خاطر تکبر و بت پرستی خود مجازات می‌شود.

v قرائت عبری: «تصمیم بگیر؛ رو (در رو) مواجه شویم!» ترجمه ما مبتنی است بر قرائت‌های یونانی و سریانی.

w فرض بر این است که پادشاه با خود سخن می‌گوید.

x نگارنده «تواریخ» این توضیح را به متن «پادشاهان» اضافه کرده، زیرا دغدغه این را داشته که مفهوم مصائبی را که شرح خواهد داد، ارائه دهد.

رسانیدند.^{۲۸} او را بر اسبها حمل کرده، با پدرانش در شهر داود^e دفن کردند.

سلطنت عزیبا

۲۶ ^۱تمام قوم یهودا عزیبا را که شانزده ساله بود گرفتند و او را به جای پدرش امصیا پادشاه ساختند. ^۲هم او بود که ایلوت را بازسازی کرد و آن را به یهودا باز گرداند، بعد از آنکه پادشاه با پدران خود خوابید. ^۳عزیبا به هنگام جلوس بر تخت شانزده ساله بود و پنجاه و دو سال^d در اورشلیم سلطنت کرد. مادرش یکلپاهو نام داشت؛ [وی] از اورشلیم [بود].^۴ او آنچه را که در نظر یهوه درست بود به عمل آورد، درست مانند پدرش امصیا.

^۵تا آن زمان^e که زکریاهو زنده بود و ترس خدا را [به او] تعلیم می داد، او خود را به طلبیدن خدا متوجه ساخت؛ و تا آن زمان که یهوه را طلبید، خدا او را کامیاب ساخت. ^۶او رفت تا با فلسطینیان بجنگند و حصار جت، حصار بینه و حصار اشدود را

خیمه خود گریختند.^{۲۳} اما امصیا پادشاه یهودا، پسر یوآش پسر آخزیا را پادشاه اسرائیل در بیت شمش زندانی (یا: اسیر؟) کرد و او را به اورشلیم آورد. او در حصار اورشلیم، از دروازه افراییم تا به دروازه زاویه، رخنه ای به اندازه چهارصد ذراع ایجاد کرد.^{۲۴} او تمام طلا و نقره و همه اشیائی را که در خانه خدا، نزد عوبیدادوم^z یافت می شد، و خزانه های خانه پادشاه را گرفت^y؛ و نیز گروگانهایی، و به سامره بازگشت.

*

^{۲۵}امصیا^a پسر یوآش، پادشاه یهودا، پانزده سال پس از مرگ یوآش پسر یهوآخاز، پادشاه اسرائیل، زندگی کرد.

^{۲۶}بقیه اعمال امصیا، از نخستین تا به واپسین، آیا آنها بر کتاب پادشاهان یهودا و اسرائیل نوشته نشده است؟^{۲۷} از زمانی که امصیا از پس یهوه دور شد،

*

در^b اورشلیم بر علیه او توطئه ای چیدند؛ او به لاکیش گریخت، اما او را تا لاکیش تعاقب کردند، و در آنجا او را به قتل

Z عوبید-ادوم صندوق عهد را نزد خود نگاه داشته بود (۱-توا ۱۳:۱۳-۱۴). اعقاب او هنوز نقشی مهم ایفا می کردند (۱-توا ۴:۲۶-۸ و ۱۵).

y این فعل در ۲-پاد ۱۴:۱۴ ذکر شده، اما در متن کنونی «تواریخ» نیامده، ولی در ترجمه سریانی وجود دارد.
a نگارنده «تواریخ» پس از نقل ۲-پاد ۱۴:۱۷، ارجاع کتاب شناختی مذکور در ۲-پاد ۱۸:۱۴ را مطابق فرمول های شخصی خود تغییر داده است.

b عبارت موجود در ابتدای این آیه در ۲-پاد ۱۸:۱۴ نیامده: از این رو، برخی آن را همراه با آیه ۲۶ چنین ترجمه می کنند: «۲۶-بقیه اعمال امصیا... نوشته نشده است، ۲۷- از زمانی که امصیا از پس یهوه دور شد؟» چنین برداشتی محتمل به نظر می رسد، زیرا بت پرستی امصیا بسیار پیش از مرگ یوآش، پادشاه اسرائیل، یعنی پانزده سال پیش از این، شروع شده بوده و نمی توانسته علت توطئه علیه او بوده باشد. - ۲-توا ۲۷:۲۵ تا ۴:۲۶، مبتنی است بر متن ۲-پاد ۱۹:۱۴-۲۳ و ۲۳-۲:۱۵-۳/

c قرائت عبری: «در یکی از شهرهای یهودا»: ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه های قدیمی و نیز ۲-پاد ۱۴:۲۰/

d از ۷۸۱ تا ۷۴۰ ق.م.
e نگارنده «تواریخ» برای آیات ۲۶:۵-۲۰ از منبع خاص خود استفاده کرده است. این منبع می کوشد نشان دهد که چگونه کامیابی پادشاه باعث غرور او گردید، و او را بسوی ادعاهایی توهین آمیز به مقدسات سوق داد، و به این ترتیب، مجازات جدام را گریبانگیر او ساخت.

یکی از رؤسای پادشاه بود.^{۱۲} تعداد کل رؤسای [خاندانهای] پدری^k این جنگاوران دلیر، دو هزار و ششصد نفر بود.^{۱۳} ایشان لشکر جنگ (یا: بیابان؟) را تحت امر خود داشتند، یعنی سیصد و هفت هزار و پانصد جنگاور بسیار باارزش، تا پادشاه را بر علیه دشمن یاری دهند.^{۱۴} عزیا برای هر جنگ، برای ایشان سپر، سرنیزه، کلاهخود، زره، کمان، و سنگ فلاخن مهیا می ساخت.^{۱۵} همچنین در اورشلیم دستگاههایی ساخت که توسط یک مهندس اختراع شده بودند و می بایست بر برجها و بر گوشه ها قرار داده می شدند تا تیر و سنگهای بزرگ پرتاب کنند. آوازه او تا دوردستها پخش شد، زیرا به گونه ای شگفت انگیز امداد شد^۱ تا آنجا که نیرومند گردید.^{۱۶} اما چون نیرومند گردید، دلش بر افراشته شد تا آنجا که فاسد گردید؛ او به خدای خود، یهوه بی وفا شد و وارد معبد یهوه^m گردید تا بر قربانگاه بخور، بخور بسوزاند.^{۱۷} عزریاهوی کاهن به دنبال او

ویران ساخت؛ سپس شهرهایی در منطقه اشدود و نزد فلسطینیان بنا کرد.^f خدا او را بر علیه فلسطینیان، بر علیه اعرابی که در جور بعل ساکن بودند، و بر علیه معونیان امداد فرمود.^۸ معونیان به عزیا خراجی دادند، و آوازه او تا به حوالی مصر رسید، زیرا بی نهایت نیرومند شده بود.^۹ عزیا برجهایی در اورشلیم بنا کرد، بر دروازه «زاویه»، بر دروازه «دره»، و بر دروازه «گوشه»، و آنها را مستحکم ساخت.^{۱۰} او در بیابان برجهایی بنا نمود و آب انبارهای بسیار حفر کرد، زیرا گله های بسیاری در سرزمین پست و در جلگه داشت، (و نیز) کشتکاران و رزبانان در کوهستانها و باغستانها^h؛ زیرا زمین را دوست می داشت.^{۱۱} عزیا لشکری از جنگاورانی داشت که برای جنگیدنⁱ کارآمد بودند و بر حسب تعداد مردان تقسیم بندی شده بودند، (مردانی) که از سوی یعیئیل کاتب و معسیاهوی مسؤول ثبت و ضبط^j سرشماری شده بودند؛ این لشکر تحت فرمان حننیاھو،

f عبارت «... بنا کرد» به عبری «ویننه» می باشد؛ لذا میان این عبارت و نام «یننه» بازی با کلمات صورت گرفته است.
g قرائت یونانی: «بر علیه اعرابی که بر صخره (یعنی شهر پترا) ساکن بودند، و بر علیه معونیان (یا معینیان)» این قرائت احتمالاً به متن اولیه نزدیکتر است.

h منظور کوه کرمل نیست که متعلق به مملکت سامره بود، بلکه منظور کرمل در یهودا است که دلالت دارد بر منطقه حبرون که برای تاکستان و باغهای میوه مساعد بود (کلمه کرمل یعنی باغ میوه).
ز. ک. ۵:۲۵ و توضیح m.

j چندان مشخص نیست که آیا یعیئیل و معسیاهو سرپرست ثبت نام بودند، یا تحت فرمان حننیاھو، فرمانده کل، جزو رؤسای لشکر بودند (احتمالاً برای امور اداری).

k به نظر می رسد که لشکر به طایفه یا خانواده تقسیم شده بود (احتمالاً نظیر گردانهای امروزی)، و دو هزار و ششصد افسر بر آن فرمان می راندند.

l منظور نگارنده این است: «خدا به گونه شگفت انگیز او را مدد فرمود»؛ اما کاربرد وجه مجهول به او این امکان را می دهد که از استفاده از نام خدا بپرهیزد، مانند ۲۷:۳۰ (این همان نکته ای است که «مجهول الهیاتی» نامیده می شود).

m اصطلاحی که در عبری به کار رفته، بر بخشی از معبد دلالت دارد که آن را «قدس» می نامیم. بر اساس قرائت عبری، پادشاه فقط بسوی این بخش از معبد «آمده» بود؛ اما قرائت یونانی به شکلی روشن می گوید که او وارد آن شد. دنباله روایت بیانگر این است که قرائت یونانی در اینجا مطابق است با متن اولیه.

^{۲۲} بقیه اعمال عزیبا، از نخستین تا به واپسین، به دست اشعیای نبی، پسر آموص نوشته شده است.^P

*

^{۲۳} عزیبا با پدران خود خوابید و او را با ^{۲۴} پدرانش در مزرعه^Q گورستان پادشاهان دفن کردند، زیرا می گفتند: «جذامی است!» پسرش یوتام به جای او سلطنت کرد.

*

سلطنت یوتام

^{۲۷} یوتام به هنگام آغاز سلطنت بیست و پنج ساله بود و شانزده سال در اورشلیم سلطنت کرد.^F مادرش یروشه نام داشت: [وی] دختر صادق [بود].^۲ او آنچه را که در نظر یهوه درست است به عمل آورد، درست آن گونه که پدرش عزیبا به عمل آورده بود. اما داخل معبد یهوه نشد و قوم به فاسد شدن ادامه دادند.^۳ هم او بود که دروازه «اعلائی» خانه یهوه را بنا کرد،

*

و^S کارهای بسیاری بر دیوار عوفل انجام داد.^۴ همچنین شهرهای کوهستان یهودا را بنا کرد؛ و نیز در بیشه ها دژها و برجها

داخل شد، با هشتاد کاهن یهوه، مردانی دلیر.^{۱۸} ایشان بر علیه عزیبای پادشاه به پا خاستند و به او گفتند: «ای عزیبا، بر تو نیست که برای یهوه [بخور] بسوزانی، بلکه بر کاهنان بنی هارون (است) که برای سوزاندن آن تقدیس شده اند. از پرستشگاه بیرون برو، زیرا بی وفا بوده ای، و این از جانب یهوه خدا برایت جلال نخواهد آورد.ⁿ»^۹ عزیبا که بخوردانی در دست داشت تا [بخور] بسوزاند، به خشم آمد، و در همان حال که از کاهنان در خشم بود، جذام بر پیشانی اش پدیدار گشت، در حضور کاهنان، در خانه یهوه، در کنار قربانگاه بخور.^{۲۰} عزیبا، کاهن اعظم، بسوی او برگشت، و نیز جمیع کاهنان، و اینک او جذام بر پیشانی داشت! ایشان شتابان او را از آنجا بیرون رانند، و خودش بی درنگ بیرون رفت، زیرا یهوه او را زده بود.

*

^{۲۱} عزیبای پادشاه^O تا به روز مرگش جذامی بود، و با جذام در خانه ای مجزا سکونت گزید، زیرا از خانه یهوه منع شده بود. پسرش یوتام که بر خانه پادشاه گمارده شده بود، قوم سرزمین را داوری می کرد.

*

n این گونه نیز می توان برداشت کرد: «این برای تو لقبی جلال آفرین نخواهد بود، در نظر یهوه خدا.»
O در بخش موجود در ۲۶:۲۱ تا ۳:۲۷، دو بخش از ۲-۷:۱۵ و ۳۳-۳۵ به عاریت گرفته شده (جز برای ارجاع به منابع کتاب شناختی)، تا به روایت عقوبت عزیبا خاتمه داده شود و خصوصیات کلی سلطنت پادشاه بعدی معرفی گردد.

p این نوشته به دست ما نرسیده است.

q این فرمول غیر معمول احتمالاً می تواند به شکلی تلویحی بیانگر این باشد که او را بیرون از مقبره های پادشاهان دفن کردند، اما کاملاً در مجاورت آنها. این بخش پایانی جمله را نگارنده «تواریخ» اضافه کرده است.

r یوتام در سال ۷۵۰ ق.م. نایب السطنه شد، و شخصاً نیز از ۷۴۰ تا ۷۳۵ ق.م. سلطنت کرد.

s آیات ۳-۸ توضیحات شخصی نگارنده «تواریخ» است تا نشان دهد که وفاداری به خداوند ضامن کامیابی پادشاه بود؛ همچنین به ذکر منابع خود می پردازد.

سلطنت آحاز

۲۸ آحاز به هنگام آغاز سلطنت، ۲-۱۶:۴-۴ بیست سال داشت و شانزده سال در اورشلیم سلطنت کرد.^x او آنچه را که در نظر یهوه درست است، مانند پدرش داود، به عمل نیاورد.^۲ او راههای پادشاهان اسرائیل را دنبال کرد و حتی بتهایی از فلز ذوب شده برای بعل ها ساخت.^۳ هم او بود که در دره بن هنتوم^y بخور دود کرد و پسران^z خود را در آتش سوزانید، مطابق کراهت های ملت هایی که یهوه در مقابل بنی اسرائیل خلع ید کرده بود.^۴ او در مکان های بلند، بر تپه ها، و زیر هر درخت سبز قربانی کرد و بخور سوزانید.^a

*

۵ خدایش^b یهوه او را به دستان پادشاه ارامیان سپرد، و ایشان او را شکست دادند و تعداد بسیاری زندانی از او گرفتند و به دمشق بردند. همچنین به دستان پادشاه اسرائیل سپرده شد و وی شکست عظیمی بر او وارد ساخت.^c فِقَح^c پسر رملیاهو در

ساخت. هم او بود که با پادشاه بنی عمّون جنگید و براو پیروز شد. در آن سال، بنی عمّون به او صد وزنه نقره، ده هزار کُر گندم، و ده هزار (کُر) جو دادند.^۱ این است آنچه که بنی عمّون باز در سال دوم و سوم تحویل دادند. یوتام استوار شد، زیرا راههای خود را در حضور خدایش یهوه هدایت می کرد.

*

۲-۱۵:۳۶ باقیه اعمال یوتام، تمام جنگها و اقداماتش^u، اینک این بر کتاب پادشاهان اسرائیل و یهودا نوشته شده است.^۸ او به هنگام جلوس بر تخت بیست و پنج سال داشت، و شانزده سال در اورشلیم سلطنت کرد.^z

*

۲-۱۵:۳۸ یوتام^w با پدران خود خوابید و او را در شهر داود دفن کردند. پسرش آحاز به جایش سلطنت کرد.

t یعنی حدود ۳۴۰۰ کیلو نقره، و معادل حجم ۳۶۵ متر مکعب گندم و همین مقدار جو.

u تحت اللفظی: «راههایش».

v این آیه صرفاً تکرار آیه اول است و در ترجمه های اولیه یونانی و ترجمه سریانی یافت نمی شود، و احتمالاً جزو متن اولیه نیز نبوده است.

w بخش موجود در ۲۷:۹ تا ۲۸:۴ از ۲-۱۵:۳۸ تا ۱۶:۴ به عاریت گرفته شده است. فهرست کلی بی دینی آحاز که نگارنده «تواریخ» آن را با افزودن ۲:۲۸ برجسته تر می سازد، در ۲-۱۶:۲ یاد نیامده است.

x از ۷۳۵ تا ۷۱۶ ق.م..

y یعنی در «گی-هنتوم» (کلمه «جهنم» از همین کلمه عبری است)، دره ای که در جنوب اورشلیم قرار دارد و محل خاص برای مذاهب بت پرستی بود.

z در ۲-۱۶:۳ فقط آمده: «پسرش» (احتمالاً منظور پسر ارشدش می باشد).

a ر.ک. توضیح ۱-پاد ۱۴:۲۳ (میشل، در توضیحات این آیه، چیزی مربوط به این آیه ندیدم. چه کنیم؟/آرمان)

b آیات ۵-۲۵ روایتی است مستقل، حتی زمانی که کم و بیش با ۲-۱۶:۵-۱۸ قرابت می یابد (میشل، آیا درست فهمیده ام؟/آرمان). نگارنده «تواریخ» بر بی دینی پادشاه و بر مصائبی که این امر برای او و قومش به همراه داشته، تأکید می گذارد.

c نام پادشاهی که در این زمان در سامره سلطنت می کرد.

می گشتند به یا خاستند.^{۱۳} به ایشان گفتند: «زندانیان را به اینجا داخل نخواهید ساخت. شما از این سخن می گوید که بر گناهان ما و بر مجرمیت ما بیفزایید، حال آنکه^{۱۴} تا به این زمان نیز عظیم است مجرمیت ما، و شدت خشمش بر اسرائیل می باشد.»^{۱۴} سپاهیان زندانیان و غنیمت را در حضور بزرگان و تمام جماعت رها کردند.^{۱۵} مردانی که به نام تعیین شده بودند برخاستند و مسؤولیت زندانیان را بر عهده گرفتند: ایشان از غنیمت، همه آنانی را که در میان ایشان برهنه بودند پوشانیدند، آنان را ملبس ساختند، پای افزار بر پایهایشان کردند، ایشان را خوراک و نوشیدنی دادند، و تدهینشان کردند: سپس ایشان را بر الاغان بردند - جمیع آنانی را که تلوتلو می خوردند - و ایشان را به اریحا، شهر درختان نخل، هدایت کردند، نزد برادرانشان؛ سپس به سامره باز گشتند.

^{۱۶} در این زمان، آحاز پادشاه فرستاد تا از پادشاه^f آشور بخواهد که به یاری او بشتابد.^{۱۷} به واقع، ادومیان بار دیگر آمده و یهودا را شکست داده و زندانیانی برده بودند.^{۱۸} فلسطینیان نیز در شهرهای سرزمین پست و نِگب یهودا دست به تاخت و تاز زده بودند. ایشان بیت-شمش، آیلون، جدیروت، سوکو و «دخترانش»،

یک روز صد و بیست هزار مرد، جملگی دلیر، را در یهودا کشت، زیرا ایشان یهوه، خدای پدران خود را ترک کرده بودند.^{۱۷} زگری، (مردی) شجاع از افراییم، معسیاهو پسر پادشاه، و عزریقام، ناظر کاخ، و القانه، نفر دوم پادشاه را به قتل رسانید.^{۱۸} بنی اسرائیل از میان برادران خود دو بیست هزار زندانی گرفتند، زن، پسر و دختر، و همچنین غنیمت فراوانی از ایشان گرفتند و این غنیمت را به سامره بردند.

^{۱۹} در آنجا یک نبی یهوه بود به نام عوبید.^{۲۰} او در مقابل لشکری که از سامره می آمد بیرون رفت و به ایشان گفت: «اینک یهوه، خدای پدرانتان، در غضب خود بر علیه یهودا، ایشان را به دستان شما سپرده، و شما ایشان را با خشمی که تا به آسمانها رسیده، کشتید!^{۲۱} و اکنون از این سخن می گوید که پسران یهودا و اورشلیم را خوار سازید تا بردگان شما گردند، مرد و زن را. اما آیا شما تنها مجرمین در حق یهوه، خدایتان نمی باشید؟^{۲۲} پس به من گوش فرا داده، زندانیانی را که از برادران خود گرفته اید باز پس دهید^d، زیرا شدت خشم یهوه بر شما است.»^{۲۳} چند تن از بزرگان بنی افراییم، (یعنی) عزریاهو پسر یهوحنان، برکیاهو پسر مشیلموت، یحزقیاهو پسر شلوم، و عماسا پسر حدلای، بر علیه آنانی که از لشکرکشی باز

۲ (بر اساس توضیح اوستی =) قرائت عبری: «عودید»: قرائت سریانی: «عدو» (۱۲:۱۵ و ۱۳:۲۲).
d در متن عبری، کلمات «زندانی»، «گرفتن یا اسیر کردن»، و «باز پس فرستادن» تشکیل بازی با کلمات را می دهند که کاری است تعمدی.

e این گونه نیز می توان برداشت کرد: «طوری که...»

f در متن عبری در اینجا، «پادشاهان» ذکر شده است: همین امر در ۶:۳۰ و ۴:۳۲ نیز تکرار شده است. اما در همه این آیات، قرائت های یونانی و سریانی، این کلمه را به صورت مفرد آورده اند. شاید منظور پادشاه آشور و متحدانش باشد.

می کنند، برای آنها است که قربانی خواهیم کرد، و آنها مرا مدد خواهند رسانید.» و هم آنها بودند که او را لغزانیند، و نیز تمام اسرائیل را. ^{۲۴} آحاز اشیاء خانه خدا را گرد آورد و اشیاء خانه خدا را خرد کرد؛ او دروازه های خانه یهوه را بست و برای خود قربانگاههایی در همه گوشه های اورشلیم بنا کرد.^{۲۵} و در هر شهری از یهودا مکان های بلند ساخت تا برای خدایان دیگر بخور بسوزاند، و یهوه، خدای پدرانش را به خشم آورد.

*

^{۲۶} بقیه m اعمال او و تمامی اقدامش، از ۲-۱۶:۱۹ نخستین تا به واپسین، اینک بر کتاب پادشاهان یهودا و اسرائیل نوشته شده است.

*

^{۲۷} آحاز با پدران خود خوابید و او را در ۲-۱۶:۲۰ شهر، در اورشلیم n دفن کردند؛ زیرا او را به

تمنه و «دخترانش»، و جمزو و «دخترانش» را به تصرف درآورده و در آنها مستقر شده بودند. ^{۱۹} به واقع یهوه یهودا را به سبب آحاز، پادشاه اسرائیل^g، پست می ساخت؛ وی یهودا را بدون عنان و نهاده و به سختی به یهوه بی وفا شده بود.

^{۲۰} تغلت فلاسر^h، پادشاه آشور، بر علیه او آمد و او را به جای یاری، از نزدیک تحت فشار قرار داد.^۱ ^{۲۱} آحاز بیهوده کوشید تا خانه یهوه و خانه پادشاه و رؤسا را تاراج کند تا [همه را] به پادشاه آشور بدهد؛ این هیچ کمکی به او نکرد. ^{۲۲} حتی در آن زمان که او را از نزدیک تحت فشار قرار می دادندⁱ، او به بی وفایی به یهوه ادامه داد، او، (یعنی) آحاز پادشاه؛ ^{۲۳} او برای خدایان دمشق که او را شکست داده بودند^k، قربانی کرد و گفت: «از آنجا که خدایان پادشاهان ارام ایشان را امداد

g چندین نسخه خطی عبری و نیز ترجمه های قدیمی آورده اند: «پادشاه یهودا.» شاید متن اولیه همین گونه بوده باشد. یا شاید هم متن اولیه واقعاً «پادشاه اسرائیل» آورده تا یادآوری کند که یهودا با وجود خطاهایش، کماکان «اسرائیل واقعی» به شمار می رفته است.

h قرائت عبری: «تغلت-فلنسر» که تغییر شکلی از نام معمول «تغلت-فلاسر» می باشد.

i این گونه نیز می توان برداشت کرد: «... او را از نزدیک تحت فشار قرار داد، اما بی آنکه بر او پیروز شود، زیرا آحاز بیهوده...» روایت مذکور در ۲-۱۶:۷-۱۰ رضایت بخش تر به نظر می رسد و می گوید که پادشاه آشور که از سوی آحاز اجیر شده، دمشق را به محاصره در می آورد و پادشاه یهودا در آنجا به دیدار او می رود تا از او قدردانی کند. شاید نگارنده «تواریخ» آیات a5، ۱۶، ۲۰-۲۱ را از همان روایت به عاریت گرفته و دو موضوع فرعی در آن گنجانده باشد (یعنی آیات b5-۱۵ و ۱۷-۱۹ را). بر اساس این مضمون قدیمی، باید این گونه برداشت کرد: «پادشاه آشور بر علیه او (یعنی بر علیه پادشاه دمشق) آمد و او را از نزدیک تحت فشار قرار داد، اما این به او (یعنی برای پادشاه یهودا) هیچ کمکی نکرد.»

j در ترجمه یونانی، این عبارت را به آیه قبلی متصل ساخته است، به این صورت: «این هیچ کمکی به او نکرد، بلکه او را از نزدیک تحت فشار قرار داد.» چنین ترجمه ای بیشتر قابل قبول به نظر می رسد.

k این اشاره ای است به ۲۸:۵/

l این جمله را می توان به دو صورت درک کرد: او برای خود قربانگاههایی بیرون از معبد ساخت؛ یا اینکه قربانگاههایی طبق دلخواه و تخیلات خود ساخت. بر اساس مضمون متن، تفسیر دوم محتمل تر به نظر می رسد.

m نگارنده پس از ارائه منابع خود، در ۲۷:۲۸ تا ۲۹:۲ به روایت مذکور در ۲-۱۶:۲۰ و ۱۸:۱-۳ باز می گردد و چند نکته شخصی نیز به آن می افزاید.

n ترجمه ما مبتنی است بر قرائت های عبری و سریانی. قرائت یونانی بر اساس اشارات پیشین در خصوص دفن پادشاهان، ذکر کرده: «در شهر داود.»

بد است به عمل آوردند؛ ایشان او را ترک کردند، روی خود را از مسکن یهوه برگردانیدند، و پشت خود را [به او] نشان دادند. ^۷ حتی دروازه‌های رواق را بستند، چراغها را خاموش کردند، و در [مکان] مقدس خدای اسرائیل دیگر نه بخور سوزانیدند و نه قربانی‌های سوختنی تقدیم کردند. ^۸ غضب یهوه بر یهودا و اورشلیم وارد آمد؛ او ایشان را به وحشت و ویرانی و ریشخند سپرد، همان‌گونه که آن را با چشمان خود می‌بینید. ^۹ «و اینک پدران ما زیر شمشیر افتاده‌اند، و پسران و دختران و زنانمان برای این در اسارت هستند! ^{۱۰} اکنون قصد دارم عهدی با یهوه، خدای اسرائیل بنمدم تا شدت خشم خود را از ما برگرداند. ^{۱۱} پس، ای پسران من، بی‌توجه مباشید، زیرا یهوه شما را برگزیده تا در حضور او بایستید تا او را خدمت کنید، و خادمان او باشید و بخور بسوزانید.» ^{۱۲} الاویان دست به کار شدند: محت پسر عماسای، و یوئیل پسر عزریاهو، از بنی قهاتیان؛ ^{۱۳} از بنی مراری: قیس پسر عبدی، و عزریاهو پسر یهلئیل؛ جرشونیان: یوآخ پسر زمه، و عیدن پسر یوآخ؛ ^{۱۴} از پسران

گورستان پادشاهان اسرائیل ^{۱۵} حمل نکردند. پسرش حزقیا به جایش سلطنت کرد.

*

سلطنت حزقیا

۲۹ حزقیا در سن بیست و پنج سالگی پادشاه شد و بیست و نه سال ^P در اورشلیم سلطنت کرد. مادرش آبیہ نام داشت؛ [وی] دختر زکریاهو [بود]. ^۲ او آنچه را که در نظر یهوه درست بود به عمل آورد، مطابق آنچه که پدرش داود به عمل آورده بود.

*

۳ هم او بود ^۹ که در سال اول سلطنت خود، در ماه اول، دروازه‌های خانه یهوه را گشود و آنها را مرمت کرد. ^۴ او کاهنان و لایوان را آورد، ایشان را در میدان شرقی جمع کرد، ^۵ و به آنان گفت: «ای لایوان، به من گوش فراد دهید! اکنون خود را تقدیس نمایید، خانه یهوه، خدای پدرانتان را تقدیس کنید، و نجاسات را از [مکان] مقدس خارج سازید. ^۶ زیرا پدران ما بی وفا بودند و آنچه را که در نظر خدایمان یهوه

O نگارنده «تواریخ» با ذکر چنین عنوانی، به شکلی تلویحی بیان می‌دارد که مملکت یهودا یگانه «اسرائیل واقعی» باقی مانده است. او این کار را چندین بار نیز در جاهای دیگر انجام داده است.

P حزقیا که از سال ۷۲۸ ق.م. نایب‌السلطنه بود، از ۷۱۶ تا ۶۸۷ به تنهایی سلطنت کرد.

Q در خصوص ۲-توا ۲۹:۳ تا ۳۱:۲۱ باید توجه داشت که این بخش طولانی از منبعی ناشناخته به عاریت گرفته شده است و در «پادشاهان» هیچ متن موازی با آن وجود ندارد (به جز در ۱:۳۱ که متن به ۲-پاد ۴:۱۸ نزدیک می‌شود). نگارنده «تواریخ» به وضوح، اهمیت بسیاری برای اصلاحات مذهبی حزقیا و برگزاری باشکوه گذر قائل است.

R این دروازه‌ها را آحاز بسته بود (ر.ک. ۲۴:۲۸).

S از هر یک از سه طایفه اولیه لایوان، دو شخصیت انتخاب شده‌اند، یعنی از طوایف قهات، مراری، و جرشون (ر.ک. پید ۱۱:۴۶؛ خروج ۱۶-۱۹؛ اعد ۳:۱۷-۲۱، و غیره)؛ و دو شخصیت دیگر از خانواده البصافان، پسر عموی هارون (ر.ک. خروج ۶:۲۲؛ لاو ۱۰:۴؛ اعد ۳:۳۰؛ ۱-توا ۸:۱۵)؛ و دو شخصیت دیگر نیز از هر یک از سه گروهی که داود سازماندهی کرده بود، یعنی آساف، هیمان، و یدوتون (۱-توا ۱۸:۶-۲۸؛ ۱۶-۴۱-۴۲؛ ۲۵-۶).

آوردند، و نیز هفت بز نر به منظور قربانی برای گناه^{۱۱}، برای مملکت (یا: سلطنت؟)، برای پرستشگاه، و برای یهودا؛ سپس او به کاهنان بنی هارون امر کرد تا قربانی‌های سوختنی را بر قربانگاه یهوه تقدیم کنند.^{۱۲} گاوها را ذبح نمودند و کاهنان خون را جمع کردند و آن را بر قربانگاه پاشیدند. قوچها را ذبح کردند و از خون آنها بر قربانگاه پاشیدند. بره‌ها را ذبح کردند و از خون آنها بر قربانگاه پاشیدند.^{۱۳} بزهای نر قربانی گناه را به حضور پادشاه و جماعت جلو آوردند و ایشان دستان خود را بر آنها تکیه دادند.^{۱۴} کاهنان آنها را ذبح کردند و از خون آنها [که] بر قربانگاه [ریخته بود]، قربانی‌ای برای گناه انجام دادند تا برای تمام اسرائیل کفاره کنند؛ زیرا پادشاه قربانی سوختنی و قربانی گناه را برای تمام اسرائیل امر کرده بود.^{۱۵} او لایوان را در خانه یهوه جای داد، با سنجها، چنگها و بربطها، مطابق حکم داود، جاد رؤیت‌کننده پادشاه، و ناتان نبی؛ زیرا حکم از جانب یهوه به واسطه خدمت انبیای او می‌آمد.^{۱۶} چون لایوان با آلات (موسیقی) داود، و کاهنان با شیپورها^{۱۷}، جای گرفتند،^{۱۷} حزقیای امر کرد تا قربانی سوختنی را بر قربانگاه تقدیم کنند، و در آن لحظه که قربانی سوختنی آغاز شد، سرود یهوه^{۱۸} با صدای شیپورها، با همراهی آلات (موسیقی) داود، پادشاه

البصافان: شمری و یعیئیل؛ از بنی آساف: زکریاهو و متنیاها؛^{۱۴} از بنی هیمان: یحییئیل و شمعی؛ از بنی یدوتون: شمعی و عوزیئیل.^{۱۵} ایشان برادران خود را گرد آوردند و خود را تقدیس نمودند و رفتند تا بر اساس امر پادشاه مطابق با سخنان یهوه، خانه یهوه را تطهیر کنند.^{۱۶} کاهنان به اندرون خانه یهوه داخل شدند تا [آن را] تطهیر کنند. ایشان تمام ناپاکی‌هایی را که در معبد یهوه یافتند، به صحن خانه یهوه بیرون آوردند، و لایوان آنها را جمع کردند تا به آب‌کنند قدرون، در بیرون، خارج سازند.^{۱۷} ایشان این تقدیس را در نخستین روز از ماه اول آغاز کردند، و در روز هشتم ماه، به رواق یهوه رسیده بودند؛ هشت روز برای تقدیس خانه یهوه صرف کردند، و در روز شانزدهم از ماه اول، فارغ شدند.

^{۱۸} ایشان نزد حزقیای^{۱۸} پادشاه رفتند و گفتند: «تمام خانه یهوه، قربانگاه قربانی‌های سوختنی و تمام اسباب را، میز ردیف و تمام اسباب را تطهیر کردیم.^{۱۹} تمام اشیائی را که آحاز پادشاه در طول سلطنتش، در بی وفایی خود، دور انداخته بود، ما آنها را به جای خود باز گردانیم و تقدیس نمودیم: آنها در مقابل قربانگاه یهوه می‌باشند.»

^{۲۰} حزقیای پادشاه صبح زود بر خاست و بزرگان شهر را گرد آورد و به خانه یهوه بر آمد.^{۲۱} هفت گاو نر، هفت قوچ، هفت بره

t متن عبری برای نام حزقیای پادشاه، دو شکل متفاوت اما برابر به کار می‌برد: «یحیزقیاهو» و «حیزقیاهو».

u در خصوص تقدیم بز نر همچون قربانی برای گناهان رئیس قوم، ر.ک. لاو ۴:۲۲-۲۴/۲۴

v به موجب اعد ۱۰:۱-۱۰، نواختن شیپور وظیفه خاص کاهنان بود.

w قرائت عبری چنین آورده: «شروع کردند به سرآیدن برای یهوه.» به نظر می‌رسد چنین قرائتی با متن اولیه سازگارتر باشد.

ششصد گاو و سه هزار گوسفند بود.^{۳۴} اما تعداد کاهنان برای پوست کندن همه قربانی‌های سوختنی، بسیار اندک بود. برادرانشان، یعنی لایوان، ایشان را یاری دادند تا آنکه کار به پایان رسید و کاهنان خود را تقدیس کردند؛ به واقع، لایوان برای تقدیس خود بیش از کاهنان درستی دل^a به کار بردند.^{۳۵} همچنین قربانی‌های سوختنی بسیاری بود، علاوه بر پیه قربانی‌های آرامش و هدایای ریختنی^b قربانی‌های سوختنی. بدینسان، خدمت خانه یهوه بار دیگر برقرار گردید.^{۳۶} حزقیایا و تمام قوم از آنچه که خدا برای قوم ترتیب داده بود شادی کردند، زیرا این امر به ناگاه صورت گرفته بود.^c

۳۰. حزقیایا [قاصدانی] به تمام اسرائیل و یهودا گسیل داشت؛ حتی نامه‌هایی به افراییم و منسی نوشت تا مردم به خانه یهوه، به اورشلیم بیایند و برای یهوه، خدای اسرائیل، گذری به جا آورند.^۲ پادشاه، بزرگانش، و تمام جماعت اورشلیم به توافق رسیدند که گذر را در ماه

اسرائیل، آغاز گردید.^{۲۸} تمام جماعت در حالت سجده بودند، در آن حال که سرود طنین افکن بود و شیپورها را می نواختند، همه اینها تا زمان فارغ شدن از قربانی سوختنی.^{۲۹} و چون از تقدیم قربانی سوختنی فارغ شدند، پادشاه و جمیع آنانی که با او بودند، زانو خم کرده، سجده نمودند.^{۳۰} حزقیایا پادشاه و بزرگان به لایوان امر کردند که یهوه را با سخنان داود و آساف رؤیت کننده بستایند؛ ایشان او را با احساسات شدید شادی ستودند و خم شده، سجده کردند.^{۳۱} حزقیایا رشته سخن را به دست گرفت و گفت: «اکنون که خود را برای یهوه تقدیس کرده‌اید^x، جلو بیایید و قربانی‌های ستایش^l را به خانه یهوه بیاورید.» جماعت قربانی‌های سوختنی آوردند، و جمیع آنانی که دلشان ترغیبشان می‌کرد، قربانی‌های سوختنی (آوردند).^z تعداد قربانی‌های سوختنی که جماعت تقدیم کردند، هفتاد گاو، صد قوچ، و دویست بره بود، همه اینها همچون قربانی سوختنی برای یهوه.^{۳۳} هدایای مقدس

x (بر اساس توضیح اوستی) = تحت اللفظی: «دست خود را پر کرده‌اید»؛ این اصطلاح را در آیین انتصاب کاهنان به خدمت به کار می‌بردند، اما در این زمان، معنای اولیه خود را از دست داده بوده، (بر اساس توضیح توب) = زیرا پادشاه در اینجا با کاهنان سخن نمی‌گوید، بلکه با تمام جماعت؛ او می‌بیند که بسیاری از افراد قربانی آورده‌اند، و او به ایشان می‌گوید که می‌توانند این قربانی‌های خاص را اکنون که مراسم رسمی قربانی خاتمه یافته، تقدیم کنند.

y یکی از انواع قربانی‌ها، دقیقاً همین قربانی ستایش بود (ر.ک. لاو ۷:۱۲-۱۳). احتمالاً باید این گونه برداشت کرد: «... جلو بیایید و قربانی‌ها، و خصوصاً قربانی‌های ستایش را به خانه...»

z تقدیم قربانی سوختنی مستلزم گشاده‌دستی خاصی بود، زیرا در این شکل از قربانی، حیوان کاملاً سوزانده می‌شد، حال آنکه در سایر قربانی‌ها، بخشی از گوشت را به اهداء کننده می‌دادند.

a منظور به کار بردن اشتیاق است.

b در واقع، تنها کاهنان می‌توانستند قربانی سوختنی را بر قربانگاه تقدیم کنند، و پیه حیوانات تقدیمی برای قربانی‌های آرامش را بر آن بسوزانند، و هدایای ریختنی را بر آن بریزند. در نتیجه، لایوان در امری به کاهنان کمک کردند که رسماً جزو وظایفشان نبود، نظیر ذبح کردن و پوست کردن حیوان قربانی.

c همانگونه که از آیه ۳۱ می‌توان برداشت کرد، پیش بینی نشده بود که این مقدار قربانی در این مراسم به کار رود. پاره‌ای دیگر از صاحب نظران چنین برداشت می‌کنند: «این امر به سرعت صورت گرفته بود.»

برادرانتان و پسرانتان در حضور زندانبانان نشان ترحم خواهند یافت و خواهند توانست به این سرزمین باز گردند، زیرا که دلسوز و رحیم است یهوه، خدای شما، و او روی خود را از شما دور نخواهد ساخت، چنانچه بسوی او باز آید.»

^{۱۰} پیکها در سرزمین افراییم و منسی و تا به زبولون از شهر به شهر گشتند؛ اما به ایشان خندیدند و استهزایشان کردند. ^{۱۱} اما چند مرد از اشیر، منسی، و زبولون فروتن شدند و به اورشلیم آمدند. ^{۱۲} در یهودا نیز دست خدا عمل کرد تا به ایشان دلی واحد بدهد تا حکم پادشاه و بزرگانش را اجرا کنند، مطابق کلام یهوه. ^{۱۳} قومی کثیر در اورشلیم گرد آمدند تا عید فطیر را در ماه دوم به جا آورند؛ جماعتی بی نهایت کثیر. ^{۱۴} ایشان دست به کار شدند و قربانگههایی را که در اورشلیم بود نابود ساختند؛ همچنین همه میزهای بخور را از میان بردند و آنها را به آبکند قدرون انداختند. ^{۱۵} گذر را در چهاردهم ماه دوم ذبح کردند. کاهنان و لایوان که دچار حیرت شده بودند، خود را تقدیس کردند و قربانیهای سوختنی را به خانه یهوه آوردند. ^{۱۶} ایشان مطابق قاعده خود، در جایگاههای خود ایستادند، مطابق شریعت موسی، مرد خدا؛ کاهنان با خونی که از دست لایوان [دریافت می کردند]، پاشیدن

دوم به جا آورند.^d ^۳ به واقع، نتوانسته بودند آن را در زمانش به جا آورند، زیرا کاهنان به تعداد کافی خود را تقدیس نکرده بودند و قوم در اورشلیم گرد نیامده بودند. ^۴ این امر مورد پسند پادشاه و تمام جماعت قرار گرفت. ^۵ تصمیم بر آن شد که در تمام اسرائیل، از بشریح تا دان، اعلانی بدهند تا مردم بیایند و برای یهوه، خدای اسرائیل، گذری به جا آورند؛ زیرا ایشان زیاد نبودند تا آن را مطابق آنچه نوشته شده به جا آورند. ^۶ پیکها با نامه هایی از دست پادشاه و بزرگان، به تمام اسرائیل و یهودا روانه شدند تا مطابق دستور پادشاه بگویند: «ای بنی اسرائیل، بسوی یهوه، خدای ابراهیم و اسحاق و اسرائیل ^۷ باز گردید، و او بسوی آنانی از میان شما که باقی مانده اند و از جنگ پادشاهان آشور رهایی یافته اند،^f باز خواهد گشت. ^۷ مانند پدران خود و مانند برادران خود مباشید که به یهوه، خدای پدرانشان بی وفا بودند و او ایشان را به ویرانی سپرد، آن سان که می بینید.

^۸ اکنون مانند پدران خود، گردن خود را سخت مسازید؛ مطیع یهوه شوید^g و به پرستشگاه او بیایید که آن را تا ابد تقدیس کرده است؛ یهوه، خدای خود را خدمت نمایید تا او شدت خشم خود را از شما بر گرداند. ^۹ زیرا با بازگشت شما به نزد یهوه،

d در واقع، در شریعت پیش بینی شده بود که چنانچه برگزاری گذر در ماه اول میسر نگردد، می توانند آن را به ماه دوم موکول کنند (اعد ۶: ۱۲).

e «اسرائیل» در آغاز امر، نام یعقوب پاتریارخ بوده است (پید ۳۲: ۲۸).

f این اشاره ای است به وضعیت مملکت شمالی که سارگون، پادشاه آشور، در سال ۷۲۱ ق.م. اکثر جمعیت آن را به تبعید برده بود (ر.ک. ۲-پاد ۱۷: ۵-۴۱).

g تحت اللفظی: «با یهوه دست بدهید»؛ این نشانه متعهد شدن از طریق وعده بود.

(موسیقی) قدرتمند یهوه می ستودند.^{۲۱} حزقیایا با دل جمیع لایوان که برای [خدمت] یهوه اینچنین دانا عمل کرده بودند، سخن گفت. چون این جشن شکوهمند هفت روزه را به پایان رساندند^k، که طی آن قربانی های آرامش تقدیم کرده و یهوه، خدای پدران خود را ستوده بودند،^{۲۳} تمام جماعت توافق کردند تا هفت روز دیگر را نیز جشن بگیرند، و هفت روز را در شادمانی جشن گرفتند.^۱ ^{۲۴} زیرا حزقیایا، پادشاه یهودا، برای جماعت هزار گاو نر و هفت هزار گوسفند پیش برداشت کرده بود؛ بزرگان هزار گاو نر و ده هزار گوسفند برای جماعت پیش برداشت کرده بودند. کاهنان به تعداد بسیار، خود را تقدیس کرده بودند.^{۲۵} تمام جماعت یهودا شادی کردند، و نیز کاهنان و لایوان، و تمام جماعت از آنانی که از اسرائیل آمده بودند، غریبانی که از سرزمین اسرائیل آمده بودند، و آنانی که در یهودا سکونت داشتند^m.^{۲۶} در اورشلیم شادی عظیمی رخ داد؛ زیرا از ایام سلیمان

را به جا می آوردند.^{۱۷} از آنجا که در جماعت بسیاری بودند که خود را تقدیس نکرده بودند، لایوان موظف شدند تا حیوانات قربانی گذر را برای همه آنانی که پاک نبودند ذبح کنند تا ایشان خود را برای یهوه تقدیس نمایند^h.^{۱۸} زیرا اکثریت قوم، بسیاری از مردم افراییم، منسی، یساکار، و زبولون، خود را پاک نکرده بودند، بلکه گذر را بدون آنکه خود را با آنچه نوشته شده مطابقت دهند، خورده بودند. حزقیایا به این مضمون برای ایشان دعا کرد: «بادا که یهوه که نیکو است، ببخشاید^{۱۹} هر آن کس را که دل خود را به طلبیدن خدا، یهوه، خدای پدرانش، متوجه ساخته است، حتی اگر پاکی لازم برای چیزهای مقدس را نداشته باشد!»^{۲۰} یهوه حزقیایا را اجابت فرمود و قوم را بی آسیب گذاشت.^۱ ^{۲۱} بنی اسرائیل که در اورشلیم بودند، عید فطیر را به مدت هفت روز، در شادی عظیم، برگزار کردند، در آن حال که لایوان و کاهنان روز به روز یهوه را با آلات

h معمولاً کسی که بره گذر را به معبد می آورد، مسؤول بود آن را ذبح کند، اما به این شرط که در حالت پاکی شرعی باشد. به لحاظ نظری، افرادی که شرعاً ناپاک بودند، نمی بایست گذر را بخورند. بنابراین، حتی اگر کس دیگری بره را به جای ایشان ذبح می کرد، باز خوردن آن برای ایشان مجاز نبود. به همین جهت بود که پادشاه دعا کرد که خدا ایشان را ببخشاید.

i تحت اللفظی: «قوم را شفا داد.»

j ترجمه سریانی چنین برداشت کرده: «بنی اسرائیل... هر روز یهوه را با شادی ستایش می کردند، لایوان با سرودهای آوایی و کاهنان با سرودها.» ترجمه یونانی چنین برداشت کرده: «بنی اسرائیل... عید را... در شادی عظیم برگزار کردند و هر روز یهوه را می ستودند؛ کاهنان و لایوان خداوند را با آلات موسیقی (می ستودند).» پاره ای از مفسران پیشنهاد می کنند که عبارت «آلات موسیقی قدرتمند» را اصلاح کنیم و بنویسیم: «با تمام قوا.» به علاوه، جای تعجب است که چرا نام «یهوه» تکرار شده است («یهوه را با آلات موسیقی قدرتمند یهوه می ستودند»). متن عبری ظاهراً با متن اولیه سازگار نیست.

k قرائت عبری و سریانی: «چون خوردند»: ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

l طولانی شدن این عید امری کاملاً استثنایی است؛ به این ترتیب، عید به اندازه تطهیر معبد طول کشید (۱۷:۲۹).

m این اشاره ای است به مهاجرت هایی که در ۲-توا ۱۶:۱۱-۱۷ و ۹:۱۵ به آنها اشاره شده است؛ این دو بخش اخیر ظاهراً از همان منبعی اخذ شده اند که برای فصل حاضر مورد استفاده قرار گرفته است.

۳ پادشاه بخشی از اموال خود را برای قربانی‌های سوختنی، قربانی‌های سوختنی بامدادی و شامگاهی، قربانی‌های سوختنی سبت‌ها، ماههای نو و اعیاد بزرگ، آن گونه که در شریعت یهوه نوشته شده^۱، اهداء کرد. ^۴ سپس به قوم، به ساکنان اورشلیم، امر کرد تا سهم کاهنان و لاویان را بدهند تا ایشان قادر باشند به شریعت یهوه بپردازند. ^۵ به مجرد اینکه این امر انتشار یافت، بنی اسرائیل نوبرهای گندم، شراب تازه، روغن نو، عسل، و همه محصولات مزرعه را به فراوانی دادند، و ده یک همه چیز را به وفور آوردند. ^۶ بنی اسرائیل و یهودا که در شهرهای یهودا ساکن بودند نیز ده یک احشام بزرگ و کوچک را آوردند، و نیز ده یک هدایای مقدسی را که برای یهوه، خدایشان تقدیس شده بود، و آنها را توده بعد از توده (یا: توده بر توده؟ یا خرمن به خرمن؟) قرار دادند. ^۷ در ماه سوم بود که شروع به شکل دادن به توده‌ها (یا: خرمنها؟) کردند، و در ماه هفتم به پایان رسانده بودند^۸. ^۹ حزقیایا و بزرگان برای

پسر داود، پادشاه اسرائیل، چیزی شبیه این^{۱۰} در اورشلیم نشده بود. ^{۱۱} کاهنان لاویان^{۱۲} بر خاستند و قوم را برکت دادند^{۱۳}؛ صدای ایشان شنیده شد و دعای ایشان به مسکن مقدس او رسید، به آسمانها^{۱۴}.

۳۱ چون همه اینها را به اتمام رساندند، جمیع اسرائیلیانی که حضور داشتند، به شهرهای یهودا روانه شدند؛ ایشان ستونهای سنگی را خرد کردند، تیرهای چوبی مقدس را برکنندند، و مکان‌های بلند و قربانگاهها را در یهودا و بنیامین در هم کوبیدند، و نیز در افرایم و منسی، تا نابودی کامل؛ سپس جمیع بنی اسرائیل به شهرهای خود بازگشتند، هر یک به ملک خویش.

^{۱۵} حزقیایا طبقات کاهنان و لاویان را برقرار داشت، طبقه به طبقه، هر یک مطابق خدمتش^{۱۶}، چه کاهن و چه لاوی، برای قربانی‌های سوختنی و برای قربانی‌های آرامش، برای جلال دادن، ستودن، و خدمت کردن بر دروازه‌های اردوگاه^{۱۷} یهوه.

n قرائت یونانی: «چنین عیدی برگزار نشده بود.»

o تقریباً تمام نسخ خطی عبری و ترجمه اولیه یونانی حاوی همین فرمول هستند که یادآور این است که کاهنان همچون لاویان، از اعقاب لاوی می‌باشند. ترجمه سریانی و بسیاری از نسخ خطی یونانی آورده‌اند: «کاهنان و لاویان.»

p به واقع، این گونه برکت دادن، وظیفه خاص کاهنان بود (اعد ۲۳:۲۷).

q «شنیده شد» وجه مجهول الهیاتی است به این منظور به کار رفته تا نام خدا را در خود مستتر سازد. عبارت «مسکن مقدس او» به همین نام مستتر باز می‌گردد.

r نگارنده ظاهراً می‌خواهد بگوید که پادشاه نه تنها کاهنان و لاویان را به طبقات مختلف تقسیم کرد (همان گونه که سلیمان قبلاً کرده بود)، بلکه در داخل هر طبقه نیز، نقش هر یک را مشخص نمود. اما این گونه نیز می‌توان برداشت کرد: «حزقیایا طبقات کاهنان را برقرار داشت و طبقات لاویان را برای ایشان (تعیین کرد)، هر یک مطابق وظیفه اش.»

s قرائت یونانی: «... برای شکرگزاری، ستایش و خدمت بر دروازه‌های صحن خانه یهوه.» این فرمول که مشابه با ۲-توا ۱۴:۸ می‌باشد، احتمالاً به متن اولیه نزدیکتر است.

t این اشاره‌ای است به فصل‌های ۲۸ و ۲۹ کتاب اعداد که قواعد این قربانی‌های مختلف را تعیین می‌کند، اما مشخص نمی‌سازد که پادشاه نیز باید شخصاً بخشی از قربانی‌ها را تأمین کند. این شراکت پادشاه را در حرق ۲۲:۴۵-۲۴ مشاهده می‌کنیم.

u به این ترتیب، می‌شود از ماه اردیبهشت تا شهریور، یعنی موسم درو (حصاد در فروردین آغاز می‌شود).

دیدن توده‌ها (یا: خرمنها؟) آمدند و یهوه و قوم او، اسرائیل را برکت دادند.^۹ حزقیایا از کاهنان و لاویان در باره این توده‌ها (یا: خرمنها؟) سؤال کرد.^{۱۰} عزریاهو، کاهن اعظم، از خاندان صادوق به او گفت: «از زمانی که شروع به آوردن پیش برداشت به خانه یهوه کردند، ما به سیری خوردیم، و از آن به فراوانی باقی مانده، زیرا یهوه قوم خود را برکت داده است؛ و هنوز این توده باقی است.»^{۱۱} حزقیایا امر کرد تا اتاقهایی در خانه یهوه آماده سازند. آنها را آماده کردند،^{۱۲} و پیش برداشت^{۱۳} و ده یک و هدایای مقدس را با امانت به آنجا آوردند. کَننیاوهوی لاوی نظارت بر آن را عهده‌دار شد، با برادرش شمعی همچون نفر دوم خود.^{۱۴} یحییئیل، عزریاهو، نَحْت، عزرائیل، یریموت، یوزاباد، ایلئیل، بیسمخیاوهو، مَحْت، و بنایاهو، تحت امر کَننیاوهو و برادرش شمعی، ناظران آن بودند، بنا بر ترتیبی (که) حزقیایا پادشاه و عزریاهو، ناظر خانه خدا (داده بودند).^{۱۵} قوری لاوی پسر یمنه، محافظ دروازه شرقی، بر هدایای داوطلبانه‌ای گمارده شده بود که

۷. ر.ک. لاو ۱۴:۷ و اعد ۵:۹

X. ر.ک. لاو ۲۱:۲۲

W یعنی به کاهنان.

Y در خصوص این شهرهای کهنانی، ر.ک. اعد ۱:۳۵-۸ و یوشع ۲۱:۱-۴۲

Z آیات ۱۶-۱۹ به سبکی نسبتاً مبهم نوشته شده‌اند. نگارنده ظاهراً می‌خواهد بگوید که در امر توزیع معاش، دو تفاوت میان کاهنان و لاویان وجود داشت: (۱) کاهنان در فهرست توزیع، از سن سه سالگی ثبت نام شده بودند، اما لاویان فقط از سن بیست سالگی؛ (۲) لاویان سهم معاش خود را فقط در دوره‌های خدمت در معبد دریافت می‌داشتند، حال آنکه کاهنان سهم خود را در دوره‌هایی نیز دریافت می‌داشتند که در خانه خود بسر می‌بردند.

a این جمله ظاهراً می‌خواهد بگوید که فقط نام کاهن یا لاوی را ثبت می‌کردند، و وظیفه تقسیم جیره میان خانواده‌اش بر عهده خود او بود؛ به این ترتیب، کاهنان که از سن سه سالگی ثبت نام می‌شدند، بر لاویان برتری داشتند، زیرا لاویان فقط از سن بیست سالگی ثبت نام می‌شدند.

b نگارنده کمی پیش گفته بود که همه مردانی که در حالت پاکی بودند (کاهن و لاوی)، در طول خدمت خود در معبد، سهمیه‌ای دریافت می‌کردند. در اینجا ظاهراً می‌خواهد بگوید که علاوه بر این، کاهنان (و نه لاویان) سهمیه‌های دیگری نیز در طول دورانی که خدمت نمی‌کردند، دریافت می‌داشتند.

حمله کند،^۳ با بزرگان و شجاعان خود مشورت کرد تا آبهای چشمه‌هایی را که در بیرون شهر بود، مسدود کنند، و ایشان او را حمایت کردند.^۴ انبوهی از مردم گرد آمدند و همه چشمه‌ها را مسدود کردند، و نیز نهری را که در وسط سرزمین جاری بود!^۵ می‌گفتند: «چرا باید پادشاهان آشور به هنگام رسیدن خود، آبهای فراوان بیابند؟»^۶ او خود را استوار ساخت: تمام حصار ویران^f را بازسازی کرد، برجهایی بر بالای آن ساخت، دیوار دومی برای آن در بیرون تدارک دید، ملئو^g، شهر داود را مستحکم نمود، و زوبین و سپر به تعداد بسیار ساخت.^h رؤسای جنگی در رأس قوم قرار داد، ایشان را نزد خود بر «میدان دروازهⁱ» گرد آورد، و به این مضمون با دل ایشان سخن گفت:^۷ «قوی و شجاع باشید! مترسید و در مقابل پادشاه آشور هراسان مباشید، و نه در مقابل تمام انبوه مردمی که با او هستند، زیرا با ما بیشتر هست تا با او؛

که در زمینهای چراگاه شهرهای خود ساکن می‌شدند، برای هر شهر مردانی بودند که به نام تعیین شده بودند تا امر توزیع را برای هر ذکور، از میان کاهنان، و برای هر کس که به لحاظ شجره‌نامه‌ای از میان لایوان ثبت نام شده بود، به جا آورند.^۸ حزقیای در تمام یهوذا اینچنین عمل کرد؛ او آنچه را که در حضور یهوه، خدایش، نیک و درست و وفادارانه بود به عمل آورد.^۹ به هر کاری که برای خدمت خانه خدا، برای شریعت، و برای حکم دست می‌زد و خدای خود را می‌طلبید، با تمام دل خود عمل کرد و کامیاب شد.

*

۳۳ پس از این اعمال وفاداری، سناخریب، پادشاه آشور، آمد. او به یهوذا آمد و در برابر شهرهای حصاردار اردو زد و امر کرد تا دیوارها را برایش منهدم سازند.^۲ حزقیای چون دید که سناخریب می‌آید و قصد دارد به اورشلیم

۲-۱۸:۱۳ تا ۳۷:۱۹

c در آیات ۱-۲۳، ماجرای حمله سناخریب بازگو شده، و برای این کار، از منبعی استفاده شده که نسبت به ۲-۱۸:۱۳ تا ۳۷:۱۹، حاوی جزئیات کمتری است. نمی‌دانیم نگارنده به چه منظور دست به چنین انتخابی زده، زیرا در روایت او، نقش اشعیا مسکوت مانده و یکی از زیباترین وحی‌های او (۲-۱۹:۲۰-۳۴) نادیده گرفته شده است. این امر شاید به این دلیل بوده که رویدادهای سیاسی و نظامی برای او به اندازه رویدادهای صرفاً مذهبی جالب نبوده است.

d در آیه ۳۰ توضیح داده شده که منظور چشمه جیحون است که بسوی قدرون جاری بود و حزقیای پادشاه آن را به وسیله کانالی زیرزمینی منحرف ساخت و به داخل شهر آورد. در همین کانال است که نوشته‌ای به زبان عبری کشف شده که نحوه حفر آن را توضیح می‌دهد.

e در قرائت یونانی، برای روشن شدن بیشتر متن، به جای «او» نام حزقیای آمده است.

f متن فاقد قطعیت است. قرائت یونانی احتمالاً به متن اولیه نزدیکتر است و می‌گوید: «حصار دیگری در بیرون (ساخت)»، زیرا در ۲-۴:۲۵ به واقع به این حصار دوم اشاره شده است.

g در خصوص «ملئو»، ر.گ. توضیح ۱-توا ۱۱:۸۷

h این واقعیت که پادشاه یهوذا فرصت این را داشته که چنین تدارکاتی ببیند، بیانگر این است که حرکت سناخریب در اثر مقاومت چند دژ مستحکم به تأخیر افتاده بوده، برای مثال، دژ لاکیش که در آیه ۹ به آن اشاره شده است.

i (بر اساس توضیح اوستی) متن این آیه احتمالاً نادرست است، زیرا چنین نامگذاری‌ای وجود نداشته است. شاید بهتر باشد قرائت یونانی را مد نظر قرار دهیم که آن را «دروازه دره» می‌نامد که در جنوب غربی شهر واقع بوده است. (بر اساس توضیح توب) به این دروازه در ۲-توا ۲۶:۹؛ نح ۲:۱۳-۱۵:۱۳ اشاره شده است.

دست من رهایی دهد، که خدای شما بتواند شما را از دست من برهاند؟^{۱۵} پس اکنون بادا که حزقیای شما را نفریبد، و به این ترتیب شما را فریفته نسازد؛ او را باور مکنید، زیرا هیچ خدای هیچ ملتی یا مملکتی نتوانسته قومش را از دست من رهایی دهد، و نه از دست پدرانم؛ چقدر کمتر خدای^m شما، شما را از دست من رهایی خواهد داد!^{۱۶} خدمتگزاران [سناخریب] باز بر علیه یهوه خدا و بر علیه خدمتگزارش حزقیای سخن می گفتند،^{۱۷} آن هنگام که او نامه ای نوشت تا به یهوه، خدای اسرائیل، اهانت کند؛ وی بر علیه او می گفت: «همان سان که خدایان ملت های سرزمینها قوم خود را از دست من رهایی ندادند، خدای حزقیای نیز قوم خود را از دست من رهایی نخواهد داد.»^{۱۸} [خدمتگزاران او] با صدای بلند به زبان یهودایی بر مردمان اورشلیم که بر حصار بودند فریاد می زدند تا ایشان را بترسانند و وحشت زده سازند، تا شهر را به تصرف در آورند.^{۱۹} ایشان در باره خدای اورشلیم آن سان سخن می گفتند که در باره خدایان قوم های زمین که کار دستان انسان هستند.^{۲۰} حزقیای پادشاه و اشعیای نبی پسر آموص در این مورد دعا کردند و بسوی آسمان فریاد بر آوردند.^{۲۱} یهوه فرشته ای فرستاد که همه جنگاوران دلیر و بزرگان و

^۸ با او بازویی گوستی است، اما با ما یهوه، خدایمان هست تا ما را امداد فرماید و در جنگهای ما بجنگد.» قوم بر سخنان حزقیای، پادشاه یهودا تکیه کردند.

^۹ پس از این، سناخریب، پادشاه آشور، که خودش با تمام نیروهایش در مقابل لاکیش بود، خدمتگزاران خود را به اورشلیم، به حزقیای، پادشاه یهودا، و تمام یهوداییانی که در اورشلیم بودند گسیل داشت تا بگوید: «چنین سخن می گوید سناخریب، پادشاه آشور: بر چه اعتماد دارید که می خواهید در اورشلیم در محاصره^k بمانید؟^{۱۱} آیا حزقیای شما را فریب نمی دهد تا شما را در اثر گرسنگی و تشنگی به مرگ بسپارد، آن گاه که می گوید: یهوه، خدای ما، ما را از چنگ پادشاه آشور خواهد رهانید؟^{۱۲} آیا همین حزقیای نبود که مکان های بلند آن و قربانگاههایش را نابود کرد، و به یهودا و اورشلیم گفت: فقط در مقابل یک قربانگاه سجده خواهید کرد، و بخور را بر آن خواهید سوزانید؟^{۱۳} آیا نمی دانید که من، و نیز پدرانم، با جمیع قوم های سرزمینها چه کرده ام؟ آیا خدایان ملت ها هرگز نتوانسته اند سرزمینهایشان را از دست من برهانند؟^{۱۴} در میان تمام خدایان این سرزمینها که پدرانم به لعنت نذر کردند، کدام است آن که توانسته باشد قومش را از

ز منظور نیروی بشری است.

k می توان «در دژ» نیز برداشت کرد، چرا که اورشلیم در این زمان در محاصره نبوده است.
l آشوریان حزقیای را به خاطر حذف چندگانه پرستی سرزنش نمی کردند، بلکه به این دلیل که (طبق نظر ایشان) او با متمرکز ساختن مذهب خدای واقعی در معبد اورشلیم، به آن لطمه زده بود.
m قرائت عبری: «خدایان شما.» ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه های بسیار قدیمی و چند نسخه خطی عبری. در آیات ۱۱-۱۲، ۱۴ و ۱۷، به نظر می رسد که آشوریان از یکتاپرستی قوم یهود کسب اطلاع کرده بوده اند.

کرده بود پاسخ نداد، زیرا دلش بر افراشته شد، و «غضب» براو و بر یهودا و اورشلیم نازل شد. ۲۶ اما حزقیای خود را از تکبر دلش فروتن ساخت، او و ساکنان اورشلیم، و غضب یهوه در طول ایام حزقیای بر آنان نیامد. ۲۷ حزقیای ثروت و جلال بی نهایت فراوان داشت. او برای خود خزانه‌هایی از نقره و طلا، از سنگهای قیمتی، از عطریات، از سپرها^t و از هر نوع اشیاء گرانبها تشکیل داد؛ ۲۸ او برای دریافتی‌های خود از گندم، شراب تازه و روغن نو، انبارها داشت، و نیز اصطبل‌هایی برای هر نوع حشم، و گله‌ها برای اصطبل‌ها^u. ۲۹ او شهرها برای خود ساخت و گله‌هایی از احشام کوچک و بزرگ به تعداد زیاد داشت، زیرا خدا اموال به فراوانی بسیار به او داده بود. ۳۰ همین حزقیای بود که خروجی بالایی آبهای جیحون را مسدود کرد و آنها را به پایین^v، بسوی غرب شهر داود هدایت نمود. حزقیای در تمام اقدامات خود کامیاب گردید.

رؤسا را در اردوگاه پادشاه آشور قلع و قمع کرد، و (پادشاه آشور) با چهره‌ای شرمسار، به سرزمین خود باز گشت. چون به خانه خدای خود داخل می‌شد، چند تن از آنانی که از احشای او بیرون آمده بودندⁿ، او را در آنجا به ضرب شمشیر از پا در آوردند. ۲۲ بدینسان، یهوه حزقیای و ساکنان اورشلیم را از دست سناخریب، پادشاه آشور، و از دست همگان^o رهایی داد، و از هر سو به ایشان استراحت^p بخشید. ۲۳ بسیاری هدیه‌ای به اورشلیم برای یهوه، و اشیاء گرانبها برای حزقیای، پادشاه یهودا آوردند، و او از آن پس، در نظر همه ملت‌ها بر افراشته شد.

*

۲۴ در آن ایام^q، حزقیای به بیماری مهلکی مبتلا گردید. او به یهوه دعا کرد و او با وی سخن گفت^r...

*

و^s برایش کاری شگفت‌انگیز انجام داد. ۲۵ اما حزقیای به نیکوکاری‌ای که دریافت

n یعنی پسران خود او.

o احتمالاً در متن اولیه، عبارت «همه دشمنانش» آمده بوده که بعدها از قلم افتاده است.

p متن عبری، در اثر به وجود آمدن تغییری در یک حرف، چنین قرائت کرده: «ایشان را از هر سو هدایت کرد»؛ چنین قرائتی به وضوح نادرست است. ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

q نگارنده «تواریخ» روایت موجود در ۲-۲۰ یاد ۱۱-۱:۲۰ در خصوص بیماری و شفای پادشاه را طی اشاره‌ای کوتاه نقل کرده و مداخلت اشعیا را به کلی حذف نموده است. اما ظاهراً این دو معجزه الهی باعث جلب توجه او شده بوده است.

r قرائت عبری: «او به یهوه دعا کرد و او به وی گفت...» اما در نسخ مختلف نوشته نشده که خدا به او چه گفت. شاید عبارتی از قلم افتاده باشد. ترجمه یونانی می‌کوشد معنایی قابل قبول بیابد و می‌گوید: «و او (یعنی یهوه) به او گوش فرا داد.» ترجمه ما مبتنی است بر تعبیر برخی از مفسران.

s آیات b24-30 - نگاهی است اجمالی بر مجموع سلطنت حزقیای و می‌کوشد بر کامیابی سلطنت پادشاه، علی‌رغم چند قصور ناشی از تکبر او، تأکید بگذارد.

t سپرها گاهی از طلا بودند (۲-۹:۱۵-۱۶).

u قرائت یونانی: «آغلهای برای گله‌ها.» ترجمه ما مبتنی است بر قرائت عبری.

v منظور زیر تپه است که در آنجا آبراه حزقیای حفر شده بود و امروزه نیز مورد استفاده است.

سلطنت منسی

۳۳^۱ منسی به هنگام جلوس بر تخت، ۲-۲۱۱:۱۰-۱۰
 دوازده ساله بود و پنجاه و پنج سال
 در اورشلیم سلطنت کرد.^۲ او آنچه را که
 در نظر یهوه بد است به عمل آورد، مطابق
 کراهت های ملت هایی که یهوه در مقابل
 بنی اسرائیل خلع ید کرده بود.^۳ او
 مکان های بلندی را که پدرش حزقیای در هم
 کوبیده بود بازسازی کرد، برای بعل ها
 قربانگاههایی بر پا نمود، تیرهای چوبی
 مقدس ساخت، در برابر تمام «لشکر»
 آسمانها سجده کرد و آن را خدمت نمود.
^۴ او در خانه یهوه قربانگاههایی بنا کرد،
 (خانه ای) که یهوه به این مضمون در باره
 آن سخن گفته بود: «نام من تا ابد در
 اورشلیم خواهم بود.»
^۵ او در دو حیاط خانه یهوه قربانگاههایی
 برای تمام «لشکر» آسمانها بنا کرد.
^۶ هم او بود که پسران خود را در دره
 بن هتوم^d از آتش گذرانید؛ او طالع بینی و

۳۱ و همچنین^w، به هنگام مذاکرات با
 بزرگان بابل که نزد او فرستاده شده بودند
 تا از کار شگفت انگیزی که در سرزمین رخ
 داده بود^x کسب اطلاع کنند، خدا او را رها
 نکرد مگر برای آزمودن او، تا [هر آنچه را
 که] در دلش [بود] بشناسد.

*
 ۳۲ بقیه^y اعمال حزقیای و اعمال دیندارانه
 او، اینک آنها در «رؤیای^z اشعیای نبی
 پسر آموص،^a و بر کتاب پادشاهان یهودا و
 اسرائیل نوشته شده است.^{۳۳} حزقیای با
 پدران خود خوابید و او را در سربالایی
 مقبره های پسران داود دفن کردند، و جمیع
 یهوداییان و ساکنان اورشلیم به هنگام
 مرگش او را تکریم ها کردند.

*
 پرسش^b منسی به جایش سلطنت کرد.

w این اصطلاح به مضمون بلافصل مربوط نمی شود، بلکه به تکبیر حزقیای که در آیه ۲۵ ذکر شد. در آیه ۳۱، استقبال از سفیران
 مرودک-بلدان که در ۲-پاد ۱۲:۱۶-۱۹ به شکلی مبسوط بازگو شده، خلاصه وار مورد اشاره قرار گرفته است. نگارنده
 «تواریخ» به سرعت از این عمل متکبران پادشاه می گذرد، عملی که بدون مراجعه به روایت «پادشاهان» قابل درک
 نمی باشد.

x عبارت «کار شگفت انگیز» ظاهراً به معجزه مذکور در آیه ۲۴ اشاره دارد، یعنی به شفای پادشاه (در ۲-پاد ۱۲:۲۰ به صراحت
 به این نکته اشاره شده است). اما عبارت «که در سرزمین رخ داده بود» گویی بیشتر دلالت می یابد بر شکست سناخریب.
 بابلی ها از آنجا که دشمنان دیرینه آشوریان بودند، احتمالاً آمده بودند تا در باره فاجعه ای که گریبانگیر آشوریان شده بود،
 کسب اطلاع کنند.

y در آیات ۳۲-۳۳، تذکری معمول در باره پایان سلطنت و اطلاعات شخصی در خصوص تدفین پادشاه آورده شده است.

z کتاب اشعیا به واقع با این کلمات آغاز می شود: «رؤیای اشعیای...»

a در متن عبری، حرف ربط «و» نیامده، اما در ترجمه های قدیمی آمده است. در واقع، متن ۲-پاد ۱۸-۲۰ در اشعیا ۳۶-۳۹
 ذکر شده است.

b متن موجود در ۲-توا ۳۳:۳۲ تا ۱۰:۳۳ عیناً از ۲-پاد ۲۱:۲۰ تا ۱۰:۲۱ رونویسی شده، زیرا نگارنده نمی خواهد نکته دیگری
 به تصویر تاریک بی دینی پادشاه بیفزاید.

c منسی از ۶۸۷ تا ۶۴۲ ق.م. سلطنت کرد. از اینجا به بعد، نگارنده «تواریخ» دیگر نام مادر پادشاهان مختلف را ذکر نمی کند.
 d همان دره «گهن» (یعنی جهنم)، واقع در غرب و در جنوب اورشلیم.

۱۱ یهوه رؤسای لشکر پادشاه آشور^۱ را بر علیه ایشان آورد؛ آنان منسی را با قلابها گرفتند و او را با زنجیر دولای مفرغی بستند و به بابل بردند. ۱۲ اما او در پربشانی خود، «روی» یهوه، خدای خود را آرام ساخت، و خود را در حضور خدای پدرانش عمیقاً فروتن کرد. ۱۳ وی از او درخواست کرد و درخواست او اجابت شد؛ [یهوه] به استغاثه او گوش فرا داد و او را به اورشلیم در مملکتش باز آورد. و منسی دانست که یهوه خدا است.^۱

۱۴ بعد از این، او دیواری بیرونی برای شهر داود بنا کرد، در غرب جبیحون، در آبکند، تا ورودی دروازه «ماهیها»، دور تا دور عوفل، و آن را بسیار مرتفع ساخت. او در تمام شهرهای حصاردار یهودا رؤسای لشکر قرار داد. ۱۵ اخدایان سرزمینهای بیگانه و «بت» را از خانه یهوه نابود ساخت، و نیز تمام قربانگاههایی را که بر کوه خانه یهوه در اورشلیم بنا کرده بود، و آنها را بیرون شهر ریخت. ۱۶ او قربانگاه یهوه را بار دیگر برقرار نمود و بر آن قربانیهای آرامش و ستایش تقدیم کرد؛

جادو و سحر به عمل آورد، و احضارکنندگان ارواح و غیب‌گویان را برقرار داشت؛ او به شکل‌های بسیار آنچه را که در نظر یهوه بد است به عمل آورد تا او را به خشم آورد. ۷ او تمثال «بت» را که ساخته بود در خانه خدا قرار داد، (خانه‌ای) که خدا در باره‌اش به داود و پسرش سلیمان گفته بود: «نام خود را برای ابد در این خانه و در اورشلیم که از میان تمام قبیله‌های اسرائیل برگزیده‌ام خواهم نهاد. ۸ قدم‌های اسرائیل را دیگر از زمینی که برای پدرانشان^۹ تعیین کردم دور نخواهم ساخت، به شرط آنکه مراقب باشند تا هر آنچه را که به ایشان حکم کرده‌ام به عمل آورند، مطابق تمام شریعت، فرائض و قواعدی^f که به واسطه موسی انتقال یافته است.» ۱ منسی یهودا و ساکنان اورشلیم را گمراه کرد، آن سان که بدتر از ملت‌هایی عمل کردند که یهوه در مقابل بنی اسرائیل از میان برده بود^g. ۱۰ یهوه سخن گفت

*

با^h منسی و قومش، اما ایشان توجهی نکردند.

e قرائت عبری: «پدران شما»: اما ترجمه‌های قدیمی با ۲-پاد ۸:۲۱ مطابق داشته و آورده‌اند: «پدرانشان.»
f سخنانی که به خدا نسبت داده شده، دقیقاً به این شکل در هیچ‌جا از کتاب مقدس یافت نمی‌شود، اما ماهیت آنها با ۲-سمو ۷:۱۶-۸:۷؛ ۱-پاد ۲:۲۰؛ ۳:۱۴؛ ۸:۲۳-۵۳ مطابقت دارد.

g منظور کنعانیانی است که در طول تصرف فلسطین قتل عام شدند (تث ۱:۷-۲۶؛ یوشع ۶:۱۷-۲۱؛ ۸:۲۶-۲۹؛ ۱۰:۱۶-۴۳؛ ۱۱:۷-۱۳ و ۱۸:۲۲)؛ بت پرستی منسی در واقع احیای رسوم کنعانیان بود.

h آیات ۱۰-۱۷ متعلق به منبعی مستقل می‌باشد. نگارنده «تواریخ» از نقل دنباله متن ۲-پاد ۲۱ خودداری می‌کند که در آن، وحی‌ای نبوتی اندیشه‌های او را در خصوص عقوبت بی‌دینی به خوبی بیان می‌دارد؛ او جمله را به روش خاص خود خاتمه می‌دهد. او ترجیح می‌دهد سندی را در اینجا بگنجاند که اسارت در بابل و بعد، توبه پادشاه مجرم را بازگو می‌کند؛ به این ترتیب، او توجیه می‌کند که چگونه پادشاهی بی‌دین توانسته پنجاه و پنج سال سلطنت کند، یعنی طولانی‌تر از دوره سلطنت داود و سلیمان که چهل سال سلطنت کردند.

i جای تعجب است که چگونه آشوریان اسیر خود را به بابل می‌برند، و نه به پایتخت خودشان، یعنی نینوا.
j یعنی دانست که یهوه، یگانه خدا و خدای واقعی است.

سلطنت کرد^{۲۲} P. او آنچه را که در نظر یهوه بد است به عمل آورد، مطابق آنچه که پدرش منسی کرده بود؛ آمون برای تمام تمثال‌هایی که پدرش منسی ساخته بود، قربانی کرد و آنها را خدمت نمود.^{۲۳} او خود را در حضور یهوه فروتن ساخت، آن سان که پدرش منسی خود را فروتن ساخته بود؛ زیرا آمون مجرمیت را فزونی بخشید.^{۲۴} خدمتگزارانش بر علیه او دسیسه چیدند و او را در خانه‌اش به قتل رسانیدند.^{۲۵} قوم سرزمین همه آنانی را که بر علیه آمون پادشاه دسیسه چیده بودند کشتند، و قوم سرزمین پسرش یوشیا را به جایش پادشاه ساختند.

سلطنت یوشیا

۳۴^۱ یوشیا به هنگام آغاز سلطنت هشت ۲-۲۲:۱-۲ ساله بود و سی و یک سال در اورشلیم سلطنت کرد.^۲ او آنچه را که در نظر یهوه درست است به عمل آورد و راههای پدرش داود را دنبال کرد؛ از آن به راست یا چپ دور نشد.^۳ او^۳ در سال^۴ هشتم سلطنتش، آن گاه که هنوز جوان بود، شروع کرد به طلبیدن خدای

سپس به یهوداییان دستور داد تا یهوه، خدای اسرائیل را خدمت کنند.^{۱۷} با این حال، قوم به قربانی کردن در مکان‌های بلند ادامه می‌دادند، اما تنها به یهوه، خدای خود.

*

^{۱۸} بقیه^k اعمال منسی، دعای او به خدایش^۱ و سخنان رؤیت‌کنندگانی که با او به نام یهوه، خدای اسرائیل سخن گفتند، اینک این بر اعمال پادشاهان اسرائیل [نوشته شده است].^{۱۹} و دعای او و اینکه چگونه مستجاب شد، تمام گناه او و بی‌وفایی او، محل‌هایی که در آنها مکان‌های بلند ساخت و تیرهای چوبی مقدس و بتها بر پا داشت، پیش از آنکه خود را فروتن سازد، اینک این بر اعمال حوزای^m نوشته شده است.

*

۲-۲۱:۱۸^{۲۰} منسیⁿ با پدران خود خوابید و او را در خانه‌اش^o دفن کردند. پسرش آمون به جایش سلطنت کرد.

سلطنت آمون

۲-۲۱:۱۹-۲۴^۱ آمون به هنگام جلوس بر تخت، بیست و دو سال داشت و دو سال در اورشلیم

k در آیات ۱۸-۱۹، منابع مورد استفاده با فرمول‌هایی که برای نگارنده «تواریخ» ارزشمند و گرامی است، مشخص شده‌اند.
 l شاید منظور آن «دعای منسی» باشد که در ضمیمه پاره‌ای از نسخ خطی و برخی از چاپ‌های کتاب مقدس آمده است. این دعا، گرچه بسیار زیبا است، جزء کتاب مقدسی که مورد پذیرش کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها است، نمی‌باشد.
 m قرائت عبری: «اعمال رؤیت‌کنندگان» (به عبری: «حوزیم».)
 n در ۲-۳۳:۲۰ تا ۲-۳۴:۲، نگارنده «تواریخ» به نقل ۲-۱۸:۲۱ تا ۲-۲۲:۲ می‌پردازد، اما گاه عیناً، گاه با تغییر سبک نگارش آن، و گاه نیز با افزودن یا حذف تعدادی از جزئیات.
 o قرائت یونانی مانند ۲-۱۸:۲۱ آورده: «در باغ خانه‌اش»؛ متن عبری کنونی عبارت «در باغ» را از قلم انداخته است.
 p از ۶۴۲ تا ۶۴۰ ق.م..
 q نگارنده «تواریخ» نیازی نمی‌بیند که برای سلطنتی چنین کوتاه و چنین بد، طبق معمول به ذکر منابع تاریخی مورد استفاده بپردازد.
 r از ۶۴۰ تا ۶۰۹ ق.م..
 s آیات ۳-۷ متعلق به منبعی است خاص نگارنده «تواریخ»، و به شکلی مبهم با ۲-۲۳:۶، ۱۶، ۱۹، و ۲۰ موازی است، و اصلاحات مذهبی پادشاه جوان را به مجرد به دست گرفتن حکومت خلاصه وار بیان می‌کند.
 t متن عبری، عبارت «سال هشتم» (که در یونانی نیز مورد تأیید قرار گرفته) را تغییر شکل داده و آورده: «هشت سال».

والی شهر، و یوآخ پسر یوآحاز، مسؤول اسناد دولتی را فرستاد تا خانه یهوه، خدایش را مرمت کنند.^۸ ایشان نزد حلقیاهو، کاهن اعظم، رفتند و نقره‌ای را که به خانه خدا آورده شده بود، و (نقره‌ای) را که لایوان، نگهبانان آستانه، از منسی و افراییم و تمام بقیه اسرائیل، از تمام یهودا و بنیامین، و از ساکنان اورشلیم جمع‌آوری کرده بودند، [به او] دادند.^۹ [آن را] به کسانی تحویل دادند که کارها را اجرا می‌کردند،^{۱۰} آنانی که بر خانه یهوه گمارده شده بودند، و آن را به کسانی دادند که کارهایی را اجرا می‌کردند که در خانه یهوه انجام می‌دادند تا خانه را مستحکم ساخته، مرمت کنند.^{۱۱} آن را به نجاران و به کارگران ساختمانی دادند تا سنگهای تراش و چوب برای چوب بست و چوب بندی ساختمانهایی بخرند که پادشاهان یهودا بر آنها لطمه وارد کرده بودند.^{۱۲} این مردان در کار خود با امانت عمل می‌کردند. ایشان تحت نظارت یحٰت و عوبدیا هو، لایوانی از میان بنی مراری و زکریا و مشولام، از میان بنی قهاتیان^a قرار داشتند که ایشان را رهبری می‌کردند.

پدرش داود، و در سال دوازدهم، شروع کرد به تطهیر یهودا و اورشلیم از مکان‌های بلند، از تیرهای چوبی مقدس، از بت‌های کنده‌کاری شده یا ریخته شده.^۴ قربانگاههای بعل را در حضور او در هم کوبیدند!^۵ قربانگاههای بخور را که بر بالای آنها بود قطع کرد؛ تیرهای چوبی مقدس و تمثال‌های چوبی و مفرغی را خرد کرد و [به غبار] مبدل ساخت و آن را بر قبرهای آنانی که برای آنها قربانی کرده بودند پاشید.^۵ استخوانهای کاهنان را بر قربانگاههایشان سوزانید و یهودا و اورشلیم را تطهیر کرد. ^۶ در شهرهای منسی، افراییم، شمعون، و تا به نفتالی، بر تمام مکان‌هایشان^۷،^۷ و قربانگاهها را در هم کوبید؛ تیرها و تمثال‌های چوبی را خرد کرد تا آنها را به غبار تبدیل نماید، و همه قربانگاههای بخور^w را در تمام سرزمین اسرائیل قطع کرد؛ سپس به اورشلیم باز گشت.

*:

و او در سال هجدهم سلطنتش^x، آن هنگام که سرزمین و «خانه^y» را تطهیر کرده بود، شافان پسر اصلیا هو، و معسیاهو،

ii قرائت یونانی: «او دستور داد تا... در هم بکوبند،... قطع کنند، خرد کنند... و غیره»؛ این قرائت احتمالاً با متن اولیه سازگارتر است.

v قرائت عبری: «او خانه‌های ایشان را انتخاب کرد»؛ قرائت یونانی: «در قلمروهایی مجاور ایشان»؛ ترجمه ما مبتنی است بر حدس و گمان بر اساس قرائت یونانی.

w ر.ک. توضیح لاو ۲۶:۳۰

x آیات ۸-۳۱ موازی است با ۲-۲۲ تا ۳:۲۳، اما حاوی جزئیاتی اضافی است که احتمالاً از منبع دیگری اخذ شده و می‌کوشد نقش لایوان را به خوبی نمایان سازد.

y منظور معبد است.

z قرائت عبری: «به کارگری (مفرد) تحویل دادند که کارها را اجرا می‌کردند (جمع)». توافق نظر میان ترجمه‌های قدیمی و متن ۲-پاد ۵:۲۲ این امکان را می‌دهد که متن عبری را اصلاح کنیم.

a در خصوص طوایف قهات و مراری از قبیله لاوی، ر.ک. خروج ۶:۱۶-۱۹

من و برای آنچه که در اسرائیل و یهودا باقی است، در باره سخنان کنابی که یافت شده، از یهوه مشورت بخواهید؛ چرا که عظیم است غضب یهوه که بر ما ریخته شده، زیرا پدران ما کلام یهوه را مرعی نداشته و مطابق آنچه بر این کتاب نوشته شده، عمل نکرده اند.»^{۲۲} حلقیاهو و آنانی که پادشاه تعیین کرده بود، به سراغ حوله، آن نبی زن، رفتند، زن نگهبان جامه های شلوم پسر توفهت پسر حسره؛ آن زن در اورشلیم سکونت داشت، در شهر جدید. چون ایشان آن سان که باید، سخن گفتند،^{۲۳} آن زن به ایشان گفت: «چنین سخن می گوید یهوه، خدای اسرائیل: به مردی که شما را به سراغ من فرستاده بگویید:^{۲۴} چنین سخن می گوید یهوه: اینک مصیبتی بر این مکان و بر ساکنانش وارد خواهیم ساخت، تمام لعنت هایی را که بر کتابی که در حضور پادشاه یهودا خوانده اند نوشته شده است.^{۲۵} از آنجا که ایشان مرا ترک کرده و برای خدایان دیگر [بخور] سوزانیده اند تا مرا با تمام اعمال دستان^c خود به خشم آورند، غضب من بر این مکان ریخته شده و خاموشی نخواهد پذیرفت.^{۲۶} و با پادشاه یهودا که شما را می فرستد تا از یهوه مشورت بخواهد، اینچنین سخن خواهید گفت: چنین سخن می گوید یهوه، خدای اسرائیل: سخنانی که شنیدی...^{۲۷} از آنجا که دلت نرم شد و خود را در حضور خدا فروتن ساختی، آن هنگام

لاویان نیز که همگی در آلات موسیقی متخصص بودند^b،^{۱۳} بر حمل کنندگان نظارت می کردند و همه آنانی را که کارها را در خدمات گوناگون به اجرا در می آوردند رهبری می نمودند. همچنین لاویان کاتب و ثبت کننده و حمل کننده وجود داشت.

^{۱۴} چون ایشان نقره ای را که به خانه یهوه آورده شده بود برداشت می کردند، حلقیاهوی کاهن کتاب شریعت یهوه را که به واسطه موسی انتقال یافته بود، پیدا کرد.^{۱۵} حلقیاهو لب به سخن گشود و به شافان دبیر گفت: «کتاب شریعت را در خانه یهوه یافته ام.» حلقیاهو کتاب را به شافان داد.^{۱۶} شافان کتاب را نزد پادشاه برد، و علاوه بر آن، گزارش خود را به پادشاه داد: «هر آنچه که به خدمتگزارانت سپرده شده، آن را انجام می دهند:^{۱۷} نقره ای را که در خانه یهوه بود واریز کرده اند و آن را به آنانی تحویل داده اند که [بر خانه] گمارده شده اند و به آنانی که کارها را اجرا می کنند.»^{۱۸} و شافان دبیر، پادشاه را به این مضمون اطلاع داد: «حلقیاهوی کاهن کنابی به من داده است»، و شافان از آن در حضور پادشاه قرائت کرد.^{۱۹} پس چون پادشاه سخنان شریعت را شنید، جامه های خود را پاره کرد.^{۲۰} و پادشاه این دستور را به حلقیاهو، به اخیقام پسر شافان، به عبدون پسر میکا، به شافان دبیر، و به عسایا، خدمتگزار پادشاه، داد:^{۲۱} «بروید و برای

b این توضیح را زمانی می توان به خوبی درک کرد که توجه داشته باشیم که در مشرق زمین، حتی امروزه، برخی کارها همراه آهنگ و وزن ترانه ها انجام می شود.
c منظور از «اعمال دستان»، همان بتها است.

سخنان عهد را که بر این کتاب نوشته شده به عمل آورد.

*

^{۳۲}او همه آنانی را که در اورشلیم و در بنیامین بودند به آن ملتزم ساخت^۱، و ساکنان اورشلیم مطابق عهد خدا، خدای پدرانشان، عمل کردند.^{۳۳} یوشیا تمام کراهت‌ها را از همه سرزمینهای متعلق به بنی اسرائیل نابود ساخت، و جمله آنانی را که در اسرائیل بودند، وا داشت تا یهوه، خدایشان را خدمت کنند. در طول همه ایام او، ایشان از پس یهوه، خدای پدرانشان، دور نشدند.

*

۳۵ یوشیا در اورشلیم گذری برای ۲-۲۳:۲۱-۲۳ یهوه به جا آورد، و گذر را در روز چهاردهم ماه اول ذبح کردند.^۲ او کاهنان را در وظایفشان برقرار داشت^k و ایشان را قادر ساخت تا به خدمت خانه یهوه بپردازند.^۳ او به لایوان که تمام اسرائیل را تعلیم می‌دادند و برای یهوه تقدیس شده

که سخنانش را بر علیه این مکان و بر علیه ساکنانش شنیدی، از آنجا که خود را در حضور من فروتن ساختی^d و جامه‌هایت را پاره کردی و در حضور من گریستی، من نیز شنیدم^e - وحی یهوه.^{۲۸} اینک تو را به پدران ملحق خواهم ساخت؛ در مقبره‌ات در آرامش ملحق خواهی شد^f، و چشمانت چیزی از تمام مصیبتی که بر این مکان و بر ساکنانش وارد خواهم ساخت، نخواهد دید.» ایشان پاسخ را به پادشاه گزارش دادند.^{۲۹} پادشاه فرستاد و جمیع مشایخ یهودا و اورشلیم را گرد آورد.^{۳۰} پادشاه به خانه یهوه برآمد، و نیز همه مردان یهودا و ساکنان اورشلیم، کاهنان، لایوان، و جمیع قوم، از بزرگترین تا کوچکترین، و او تمام سخنان کتاب عهد را که در خانه یهوه یافت شده بود، در گوش ایشان قرائت کرد.^{۳۱} پادشاه که در جای خود^g ایستاده بود، عهد را در حضور یهوه بست و خود را متعهد ساخت تا در پی یهوه سلوک نماید و احکام و اوامر و فرایض او را رعایت کند، با تمام دل خود و تمام جان خود، آن سان که

d این تکرار در ۲-پاد ۱۹:۲۲ یافت نمی‌شود.

e فرض ما بر این است که عبارت پایانی آیه ۲۶ ناتمام است («سخنانی که شنیدی...»). اما برخی از صاحب نظران، این عبارت را مقدمه آیه ۲۷ می‌پندارند و آن را با عبارت پایانی این آیه همسان می‌دانند؛ لذا ایشان این جمله طولانی را اینچنین ترجمه می‌کنند: «۲۶-... تو این سخنان را خوب شنیدی، ۲۷- زیرا دلت نرم شد... پس من نیز شنیدم.»

f تحت اللفظی: «اینک من تو را به پدران ملحق خواهم ساخت و در آرامش به مقبره‌هایت ملحق خواهی شد.»

g چنانچه شکل آوایی کلمه را تغییر دهیم، چنین قرائت خواهیم کرد: «در کنار ستون خود» (مانند ۱۳:۲۳).

h مطالب مذکور در آیات ۳۲-۳۳ که در ۲-پاد ۲۳ یافت نمی‌شود، وفاداری به عهد را به خوبی برجسته می‌سازد.

i تحت اللفظی: «ایشان را وا داشت تا بر پا بایستند.»

j متن موازی آیات ۱-۱۹ در «پادشاهان»، این عید پرشکوه گذر را خلاصه وار بازگو کرده است؛ اما نگارنده «تواریخ» کوشیده تا تمام جزئیات این مراسم مذهبی را در یادها زنده نگاه دارد. از این قسمت به بعد، متن «تواریخ» در کتاب اول آپوکریفای عزرا (به نام «کتاب سوم عزرا») از سر گرفته شده، کتابی که ترجمه یونانی آن به دست ما رسیده است.

k با اینکه کلمه‌ای که در عبری به کار رفته، همین معنی را می‌دهد، اما از مضمون متن چنین بر می‌آید که این کاهنان قبلاً «برقرار شده بودند» (یعنی «منصوب شده بودند»)، اما در انجام وظایف خود کوتاهی کرده بودند. از این رو، برخی این فعل را چنین ترجمه می‌کنند: «برانگیخت.»

آنجا بودند، به علاوه سه هزار گاو که از اموال پادشاه بر گرفته شده بودند. ^۸ بزرگان نیز پیش برداشتی به منظور هدایای داوطلبانه برای قوم، برای کاهنان، و برای لایوان انجام دادند. حَلْقِیَّآ، زکریاهو، و یحییئیل، (یعنی) ناظران خانه خدا، دو هزار و ششصد [بره P] و سیصد گاو به کاهنان دادند، همچون حیوان قربانی گذر. ^۹ کَننِیاهو و برادرانش شمعیاهو و نتنیئیل^۹، و رؤسای لایوان، (یعنی) حَشَبِیاهو، یعیئیل، یوزاباد، پنج هزار [بره] و پانصد گاو همچون حیوان قربانی گذر، برای لایوان پیش برداشت کردند. ^{۱۰} وقتی خدمت سازمان یافت، کاهنان در جای خود ایستادند، و نیز لایوان، مطابق طبقاتشان، بر حسب امر پادشاه. ^{۱۱} گذر را ذبح کردند؛ کاهنان با خونی که از دست [لایوان] دریافت می کردند^{۱۲}، پاشیدن را به جا می آوردند؛ و لایوان [حیوانات قربانی را] پوست می کنند. ^{۱۳} ایشان قربانی های

بودند^۱ گفت: «از زمانی که صندوق مقدس را در خانه ای که سلیمان پسر داود، پادشاه اسرائیل بنا کرده قرار داده اند^m، دیگر نیاز ندارید آن را بردوش خود حمل کنید. اکنون یهوه، خدای خود را و قومش اسرائیل را خدمت کنید. ^۴ آماده باشید، مطابق خاندانهای پدری تان، بر اساس طبقاتتان، بر حسب نوشته داود، پادشاه اسرائیل، و فتوای پسرش سلیمانⁿ. ^۵ در [مکان] مقدس بایستید، مطابق تقسیمات خاندانهای پدری برادران عامی^۱ خود، و طبقه بندی بر حسب خاندانهای پدری لایوان^۶. گذر را ذبح کنید، خود را تقدیس نمایید، و [آن را] برای برادرانتان آماده سازید تا بتوانند [آن را] مطابق کلام یهوه که به واسطه موسی انتقال یافته، به جا آورند. ^۷ یوشیا برای مردم عوام، احشام کوچک، بره، و بزغاله، به تعداد سی هزار، پیش برداشت کرد، همه اینها همچون حیوان قربانی گذر برای تمام آنانی که در

قرائت یونانی تا حدی متفاوت است و می گوید: «او به لایوان که در تمام اسرائیل توانمند هستند، گفت که خود را برای یهوه تقدیس نمایند.» قرائت سریانی معنایی بسیار خوب به دست می دهد و می گوید: «او به لایوانی که در تمام اسرائیل بودند گفت: خود را برای یهوه تقدیس کنید...»

m منظور چنین چیزی است: «حال که دیگر نباید صندوق مقدس را همچون گذشته، به هنگام تقدیس معبد، بردوش خود حمل کنید، پس به خدمات دیگر بپردازید.» (بر اساس توضیح اوستی=) در نظر نگارنده «تواریخ» و نوشته های «کهناتی»، حمل صندوق عهد فقط و فقط بر عهده لایوان بود (ر. ک. ۵:۴-۵:۱ تا ۲:۱۵ و ۱۵:۱ اعد ۵:۴ به بعد).
n شاید نگارنده به اسنادی اشاره می کند که در ۱-توا ۱۶:۴-۷:۲۳-۱:۳۲ تا ۱:۲۵ تا ۳۲:۲۶-۲-توا ۸:۱۲-۱۶ مورد استفاده قرار داده است.

۱ (بر اساس توضیح اوستی=) تحت اللفظی: «پسران قوم»: منظور مردم عادی و عامی است.
o منظور این است که هر خانواده ای از لایوان مسؤول پذیرایی از طوایفی معین از سایر قبیله ها بودند تا ایشان را کمک کنند که آیینهای گذر را به درستی به جا آورند، زیرا قوم دیرزمانی بود که عادت برگزاری این آیینها را از دست داده بودند.
p این کلمه، هم در این آیه و هم در آیه بعدی، در عبری تصریح نشده، بلکه حالتی مستتر دارد.
q چنانچه آوای کلمات را تغییر دهیم، مانند قرائت یونانی به چنین قرائتی می رسیم: «کننیهو، شمعیاهو و برادرش نتنیئیل.»
r تحت اللفظی: «کاهنان از دستهای خود ریختند»، اما ترجمه های قدیمی کلمه «خون» را نیز قرائت کرده اند که در متن عبری از قلم افتاده است.

^{۱۶} بدینسان، در آن روز، تمام خدمت یهوه سامان یافت، آن سان که گذر به جا آورده و قربانی های سوختنی بر قربانگاه یهوه تقدیم شود، مطابق حکم یوشیای پادشاه. ^{۱۷} بنی اسرائیل که در آنجا بودند، گذر را در این زمان به جا آوردند، و نیز عید فطیر را به مدت هفت روز. ^{۱۸} از روزگار سموئیل نبی، گذری نظیر این در اسرائیل به جا آورده نشده بود؛ هیچیک از پادشاهان اسرائیل گذری مانند آنچه که یوشیا انجام داده بود به جا نیاورده بودند، و نیز کاهنان، لایوان، تمام یهودا، اسرائیلیانی که در آنجا بودند و ساکنان اورشلیم. ^{۱۹} در سال هجدهم سلطنت یوشیا بود که این گذر به جا آورده شد.^{۲۰}

سوختنی را جدا قرار می دادند تا آنها را به مردم عامی بدهند، مطابق تقسیمات ایشان به خاندانهای پدری، تا آنها را به یهوه تقدیم کنند^{۱۵}، آن سان که در کتاب موسی نوشته شده است؛ در خصوص احشام بزرگ نیز همین کار انجام شد. ^{۱۳} ایشان گذر را مطابق قاعده، با آتش پختند؛ اما هدایای مقدس را در دیگچه ها و دیگها و تابه ها پختند، و دویندند [تا آنها را] برای جمیع مردم عوام [ببرند]. ^{۱۴} پس از آن، برای ایشان و برای کاهنان تدارک دیدند، زیرا کاهنان بنی هارون می بایست تا شب هنگام قربانی های سوختنی و پیه ها را تقدیم کنند؛ پس لایوان برای ایشان و برای کاهنان بنی هارون، تدارک می دیدند. ^{۱۵} سرایندگان، (یعنی) بنی آساف، در جای خود بودند، مطابق حکم داود، آساف، هیمان، و یدوتون رؤیت کننده^{۱۶} پادشاه؛ و دربانان بر دروازه های مختلف بودند. هیچیک از آنان نیازی نداشت از خدمت خود دور شود، زیرا برادرانشان، (یعنی) لایوان، [همه چیز را] برای ایشان آماده می کردند.

*
^{۲۰} بعد^۷ از تمام اینها، آنگاه که یوشیا «خانه» را نظام بخشیده بود^{۱۷}، نکاؤو، پادشاه مصر، بر آمد تا در کرگمیش، بر ^{۲-۲۳:۲۹-۳۰} فرات، بجنگد، و یوشیا به ملاقات او رفت. ^{۲۱} [نکاؤو] قاصدانی نزد او فرستاد تا بگوید: «ای پادشاه یهودا، از من چه

S پیه بره گذر همچون قربانی سوختنی بر قربانگاه سوزانیده می شد (لاو ۳:۵-۳:۵؛ نیز ر.ک. نوشته های ربی ها در میشنا، رساله «پساحیم»، ۱۰:۵ و ۱:۶)، و بقیه حیوان قربانی به گروهی که آن را تقدیم کرده بودند باز گردانده می شد تا در طول ضیافت گذر خورده شود.

t ترجمه های یونانی و سریانی این کلمه را در وجه جمع به کار برده اند («رؤیت کنندگان»): این دو ترجمه احتمالاً بیش از قرائت عبری به متن اولیه نزدیک هستند.

u لذا در سال ۶۲۲ ق.م..

v در آیات ۲۰-۲۵، شکست یوشیا و مرگ او بسیار میسوط تر از متن ۲-۲۳:۲۹-۳۰ توصیف شده است. نگارنده «تواریخ» واهمه ای ندارد که به فاجعه ای که بر این پادشاه وفادار به خدا وارد آمد اشاره کند، زیرا در ۳۴:۱۹-۲۸، عقوبت بی وفایی های پیشین قوم اسرائیل را پیش بینی کرده بوده است. به علاوه، یوشیا مرتکب خطایی در حق خدا شده بود، زیرا پیامی را که نکاؤو از طرف خدا برای او فرستاده بود، رد کرد.

w در ترجمه یونانی در این قسمت، متنی طولانی گنجانده شده که از ۲-۲۳:۲۴-۲۷ به عاریت گرفته شده، اما متن اولیه احتمالاً شامل آن نبوده است.

ساختند، و اینک آنها بر «مرثیه‌ها» نوشته شده است.

*

^{۲۶}بقیه^d اعمال یوشیا و کارهای دیندارانه اش مطابق با آنچه که در شریعت یهو^e نوشته شده، ^{۲۷}اعمال او، از نخستین تا به واپسین، اینک آنها در کتاب پادشاهان اسرائیل و یهودا نوشته شده است.

جانشینان یوشیا و تبعید به بابل

^{۳۶} قوم^e سرزمین یهوآحاز پسر یوشیا ^{۲۳:۳۰-۲۴:۳۰} را بر گرفتند و او را به جای پدرش

در اورشلیم پادشاه کردند. ^{۲۳:۳۱-۳۴} یهوآحاز به هنگام جلوس بر تخت بیست و سه ساله بود و سه ماه در اورشلیم سلطنت کرد.^f ^۳پادشاه مصر او را عزل نمود تا مانع سلطنت او در اورشلیم گردد، و سرزمین را با عوارضی (معادل) صد وزنه نقره و یک وزنه طلا زد^g. ^۴پادشاه مصر برادر او الیاقیم را بر یهودا و اورشلیم پادشاه کرد و نام او را

می خواهی^x? امروز بر علیه تو نمی آیم^y، بلکه بر علیه خاندانی که باید با آن بجنگم^z، و خدا مرا امر کرده تا بشتابم. پس بگذار خدا که با من است، کار خود را بکند، مبادا تو را از میان ببرد.» ^{۲۲}اما یوشیا از او روی بر نگردانید؛ او لجاجت کرد^a که با او بجنگد، و به سخنان نکاو که از دهان خدا می آمد^b، گوش نسپارد؛ او رفت تا در دشت مجدو^c بجنگد. ^{۲۳}کمانداران بر یوشیای پادشاه تیر انداختند، و پادشاه به خدمتگزاران خود گفت: «مرا ببرید، زیرا حال بسیار بد است.» ^{۲۴}خدمتگزارانش او را از ازابه بردند، و او را بر ازابه دوش سوار کردند و او را به اورشلیم بردند و در آنجا مرد. او در گورستان پدرانش دفن شد، و تمام یهودا و اورشلیم برای یوشیا سوگواری کردند. ^{۲۵}ارمیا برای یوشیا مرثیه ای ساخت؛ همه سرایندگان مرد و زن نیز تا به امروز از یوشیا در مرثیه های خود سخن گفته اند؛ این را در اسرائیل قاعده ای

X (بر اساس توضیح اوستی =) تحت اللفظی: «چه به من و به تو؟» این اصطلاحی است عامیانه برای دفع دخالتی که بی موقع تلقی می شود (ر.ک. داور ۱۱:۱۲-۲ سمو ۱۶:۱۰، ۱۹:۲۳، ۱-۱۸:۱۷؛ ۲-۱۳:۳؛ مر ۱:۲۴، ۵:۷؛ یو ۲:۴ و غیره).

Y متن عبری در اثر اشتباهی در آوآگذاری، به جای «می آیم»، آورده: «تو»

Z تحت اللفظی: «خانه جنگ من» یا «خانه ام برای جنگ.»

a برخی از مفسران چنین برداشت می کنند: «تغییر ظاهر داد»، با اینکه روایت جنگ تنها در آیه بعد آغاز می شود.

b در تمام این روایت، به نظر می رسد که نگارنده «تواریخ»، خدای فرعون را با خدای واقعی کم و بیش یکسان می انگارد.

c لشکر مصر در واقع برای رسیدن به دشت یزرعیل، می بایست از رشته کوههای کرمل عبور کند، و طبیعی ترین راه رسیدن به این دشت، دره ای بود که به مجدو منتهی می شد. در این گردنه بود که لشکر کوچک یهودا بهترین فرصت را داشت تا راه را بر لشکر قدرتمند مصر سد کند. از آنجا که مجدو میدانی سنتی برای جنگ بود، در مکا ۱۶:۱۶ نیز به آن اشاره شده است.

d در آیات ۲۶-۲۷، ارجاعات معمول به منابع آمده است که با ۲-۲۳:۲۸ موازی است.

e نگارنده در آیات ۱-۶، متن ۲-۲۳:۳۰ تا ۱:۳۴ را رونویسی کرده، اما برخی از جریثات را نیاورده است. از اینجا به بعد، ترجمه یونانی ظاهراً بارها با متن «پادشاهان» هماهنگ شده؛ لذا شهادت آن از ارزش کمتری برخوردار است.

f در سال ۶۰۹ ق.م..

g می توان این گونه نیز برداشت کرد: «و وزنه هایی از طلا». در قرائت یونانی از ۲-۲۳:۳۳ آمده: «و صد وزنه طلا» که این احتمالاً رقم دقیق است. یک وزنه حدود ۳۴ کیلو بود.

پرداختⁿ، اینک آنها بر کتاب پادشاهان اسرائیل و یهودا نوشته شده است.

*

پسرش^o یهوایکین به جایش سلطنت کرد. ^۲ یا ۲۴:۶-۹
 هشت^p ساله بود و سه ماه و ده روز در اورشلیم سلطنت کرد^q. او آنچه را که در نظر یهووه بد است به عمل آورد.

*

^{۱۰} در بازگشت^r سال^s، نبوکدنصر پادشاه فرستاد تا او را بگیرند و به بابل ببرند، همراه با اشیاء گرانهای خانه یهووه، و برادر^t او صدقیا را بر یهودا و اورشلیم پادشاه ساخت.

*

به یهوایقیم^h تغییر داد. اما برادر او یهوآحاز را گرفت و به مصر بردⁱ.

^۲ یا ۲۳:۳۶-۳۷ ^۵ یهوایقیم به هنگام آغاز سلطنت بیست و پنج ساله بود و یازده سال در اورشلیم سلطنت کرد^j. او آنچه را که در نظر خدایش یهووه بد بود به عمل آورد.

^۶ نبوکدنصر، پادشاه بابل بر علیه او برآمد، و بابل، قرار داد.

*

و^k او را با زنجیری دولایه مفرغی بست تا به بابل ببرد. ^۷ نبوکدنصر اشیاء خانه یهووه را به بابل برد و آنها را در کاخ^l خود، در بابل، قرار داد.

*

^۸ بقیه^m اعمال یهوایقیم، کراهِت هایی که مرتکب شد و بهایی که بابت آنها

h این تغییر احتمالاً ناشی از این بوده که در زبان مصری، حرف «ل» وجود نداشت. **i** ترجمه سریانی و یونانی اضافه می کنند: «و در آنجا مرد.» این عبارت که در ۲-۲۳:۳۴ یافت می شود، احتمالاً با متن اولیه مطابقت دارد.

j از ۶۰۹ تا ۵۹۸ ق.م.

k در آیات ۶-۷، دومین لشکرکشی بابلی ها به اورشلیم به شکلی خلاصه بازگو شده است. اطلاعاتی که در ۲-۲۴:۱-۴ ارائه شده، بر این نکته تأکید بیشتری می گذارد که این امر عقوبتی از سوی خدا بوده که در اثر خطاهای منسی وارد می آید. به نظر می رسد که نگارنده «تواریخ» نمی پذیرد که خطاهای منسی بر نسل های بعدی وارد آید.

l شاید «معبد» نیز معنی بدهد. کلمه ای که در عبری به کار رفته، بر خانه ای بسیار بزرگ و مجلل دلالت دارد.

m این ارجاع کتاب شناختی با ۲-۲۴:۵ موازی است.

n (بر اساس توضیحات اوستی و توب=) تحت اللفظی: «آنچه که بر علیه او یافت شد.» این متنی است دشوار و ترجمه اش فاقد قطعیت می باشد. احتمالاً اشاره ای است به اسارت او در بابل.

o در آیات ۸-۹، نگارنده «تواریخ» متن ۲-۲۴:۶-۹ را رونویسی کرده، اما آنچه را که مستقیماً به پادشاه یهودا مربوط نمی شود، حذف کرده است.

p در واقع، مطابق ۲-۲۴:۸، این پادشاه جوان هجده سال داشته است. شاید کلمه «ده» پیش از آنکه نگارنده «تواریخ» رونویسی خود را انجام دهد، از قلم افتاده باشد، یا شاید هم پس از آن.

q در حد فاصل سالهای ۵۹۸-۵۹۷ ق.م.

r آیه ۱۰ فقط در برخی از کلمات ۲-۲۴:۱۰-۱۷ شباهت دارد. نگارنده «تواریخ» لشکرکشی های نبوکدنصر به اورشلیم را تا حد امکان خلاصه کرده است.

s ر.ک. توضیح ۲-۲۴:۲۳

t این شخص در واقع برادر پدرش بوده، یعنی عمویش. این امر در قرائت های یونانی و سریانی تصریح شده است (نیز ر.ک. ۲-۲۴:۱۷-۱۸ و ار ۱:۳۷:۱:۵۲). باید توجه داشت که در زبان عبری، کلمه «برادر» مفهومی گسترده تر از امروز داشته است.

آن سان که سرانجام غضب یهوه بر علیه قومش بر آمد، تا آن حد که دیگر علاجی نبود.^{۱۷} او پادشاه کلدانیان^x را بر علیه ایشان بر آورد و او جوانان ایشان را، در اندرون پرستشگاهشان، از دم تیغ گذراند، و نه مرد جوان را رهایی داد، نه باکره را، نه سالخورده را، و نه سفیدموی را: (خدا) همه را به میان دستان او سپرد.^{۱۸} همه اشیاء خانه خدا، بزرگ و کوچک، خزانه های خانه یهوه، خزانه های پادشاه و بزرگانش را، همه را به بابل برد.^{۱۹} خانه خدا را سوزانند، حصار اورشلیم را در هم کوبیدند، همه کاخها را با آتش سوزانند، و تمام اشیاء قیمتی آن را نابود کردند.^{۲۰} [نبوکدنصر] آنانی را که از شمشیر رسته بودند به بابل تبعید کرد، و ایشان بردگان او شدند، (بردگان) او و پسرانش، تا ظهور مملکت پارس،^{۲۱} تا کلام یهوه که از دهان ارمیاز^z [انتقال یافته بود] تحقق یابد:

«تا آن زمان که زمین دین سبت های خود را ادا کرد؛
تمام زمانی که ویران بود، بیکار ماند،
و آن هفتاد سال را تکمیل کرد»^a.

^{۱۱} صدقیان^u به هنگام آغاز سلطنت بیست و یک ساله بود و یازده سال در اورشلیم سلطنت کرد.^v او آنچه را که در نظر خدایش یهوه بد است به عمل آورد،
*

و^w در مقابل ارمیای نبی [که آنچه را که] از دهان یهوه [بیرون می آید به او می گفت]، خود را فروتن نساخت.^{۱۳} و حتی بر علیه نبوکدنصر پادشاه که او را به خدا سوگند داده بود، طغیان کرد؛ او به جای اینکه بسوی یهوه، خدای اسرائیل بازگشت کند، گردن خود را سخت نمود و دل خود را سفت (یا: محکم؟) ساخت.^{۱۴} همه بزرگان یهودا، و نیز کاهنان و قوم، بی وفایی ها را فزونی بخشیدند، مطابق تمام کراهت های ملت ها، و «خانه ای» را که یهوه در اورشلیم تقدیس کرده بود ناپاک ساختند.^{۱۵} یهوه، خدای پدرانشان، فرستاد تا ایشان را به واسطه پیام آورانش به شکلی خستگی ناپذیر [هشدار دهد] - زیرا می خواست قوم خود و مسکن خویش را رهایی دهد -^{۱۶} اما ایشان به پیام آوران خدا بی اعتنایی کردند و سخنان او را خوار شمردند و انبیای او را به تمسخر گرفتند،

^u در آیات ۱۱-۱۲ متن ۲-پاد ۱۸:۲۴-۱۹ رونویسی شده، اما مانند آنچه که از ۲-توا ۳۳:۱ به بعد رخ داده، نام مادر پادشاه از قلم انداخته شده است.

^v از ۵۹۷ تا ۵۸۷ ق.م..

^w آیات ۱۲-۲۱ روایتی است خاص نگارنده «تواریخ» که بی دینی پادشاه یهودا را به طور کامل برجسته می سازد.

^x کلدانیان با بابل ها یکی هستند و در این زمان، پادشاهشان نبوکدنصر بوده است.

^y متن یونانی کتاب آپوکریفای «سوم عزرا ۱:۵۲» در اینجا چنین آورده: «و تمام اشیاء قیمتی را سوزانند تا نابودی.» این قرائت ممکن است بازتابی از متن اولیه باشد.

^z نگارنده در واقع از لاو ۲۶:۳۴-۳۵ نقل قول کرده، آن را با ار ۲۵:۱۱ یا ۲۹:۱۰ تکمیل می کند.

^a برای آنکه سبت هایی که به درستی رعایت نشده بود جبران گردد، زمین به مدت هفتاد سال (ده مرتبه هفت) بدون کشت باقی خواهد ماند. متن اولیه کتاب تواریخ در اینجا به پایان می رسیده است. دو آیه بعدی که مقدمه فرمان کوروش را ارائه می دهد، چیزی جز رونویسی بخش آغازین کتاب عزرا نیست.

پارس: یهوه، خدای آسمان، همه ممالک زمین را به من داده، و او خود مرا مأمور کرده تا برایش خانه‌ای در اورشلیم که در یهودا است^b بنا کنم. هر آن کس از میان شما که از تمام قوم او است، با دا که یهوه، خدایش، با او باشد و بر آید^c!...»

^{۲۲}در سال اول کوروش، پادشاه پارس، برای آنکه کلام یهوه که از دهان ارمیا [اعلام شده بود] تحقق یابد، یهوه روح کوروش، پادشاه پارس را برانگیخت، و او با صدای بلند و نیز به صورت نوشته، این اعلامیه را در تمام مملکت خود انتشار داد: ^{۲۳}«چنین سخن می‌گوید کوروش، پادشاه

b اورشلیم چنان از یادها محو شده بود که کوروش خود را ناگزیر می‌بیند به اتباعش تصریح کند که اورشلیم در یهودا واقع شده است.

c در عز ۳:۱ چنین تصریح شده: «به اورشلیم برآید.»